

قاصد

بررسی وضعیت تحولات
پس از تفاهم میان

ایران و آمریکا

۲۱ شهریور ۱۴۰۵

ساعت تنظیم گزارش: ۱۷:۰۰

شماره ۱۶۸

مرکز رصد و پایش ق. رسانه



مقدمه و پیشگفتار

تحولات پیرامون مناسبات ایران و آمریکا در این گزارش نه به عنوان مجموعه‌ای از اخبار پراکنده، بلکه به صورت مجموعه‌ای به هم پیوسته از جنگ، امنیت انرژی، تحریم، روایت‌سازی رسانه‌ای و رقابت ژئوپلیتیکی بازنمایی شده است. فضای عمومی نشان می‌دهد میدان نظامی، بازارهای مالی و انرژی، افکار عمومی داخلی و رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در یک شبکه واحد به هم متصل شده‌اند. در حوزه سیاست داخلی، پرونده دوزیر محکوم، کارزار محاکمه روحانی، بحث عفو عمومی و نامه جبهه اصلاحات به قوه قضائیه، محورهای اصلی را تشکیل می‌دهند. در حوزه امنیتی-نظامی، احیای تولید موشکی ایران، حمله به خط لوله شرق-غرب عربستان، تحولات تنگه هرمز و باب‌المندب، نقش ناو جورج واشنگتن و محدودسازی ساعات عبور نفتکش‌ها برجسته شده است. بخش رسانه‌های معاند و ضد انقلاب بر پیامدهای آشوب‌های دی‌ماه، بازگشت گشت ارشاد، احکام اعدام، شکنجه و رقابت ریاست مجلس خبرگان متمرکز است. در حوزه اقتصادی و معیشتی، صعود بورس، دلار، بنزین ۱۰ هزار تومانی، دارو، آموزش، حمل و نقل، تحریم‌های مالی و فشار بر بازار کار بازتاب یافته است. در سطح منطقه‌ای، اسرائیل، حوثی‌ها، عربستان، قطر و حماس، و در سطح بین‌الملل (آمریکا و غرب)، ترامپ، ونس، بریکس، هوش مصنوعی و امارات محورهای اصلی‌اند. برآیند کلی، تصویری از جنگ فرسایشی و چندلایه شدن بحران است.

مهمترین اخبار خارجی و داخلی در ۲۴ ساعت منتهی به تهیه گزارش

اخبار و تحرکات محور آمریکا - غرب

❖ دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، روز پنج شنبه گفت، از آغاز جنگ با جمهوری اسلامی ایران پشیمان نیست و اگر بار دیگر در همان شرایط قرار بگیرد، دقیقاً همان تصمیم را می گیرد. (فاکس نیوز)

❖ دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در مراسم یادبود حملات ۱۱ سپتامبر در مقر وزارت دفاع آمریکا، پنتاگون، از جنگ این کشور با ایران دفاع کرد و گفت آمریکا در این جنگ «چاره‌ای جز پیروزی» ندارد. (فاکس نیوز)

❖ دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، گزارش‌های رسانه‌ای مبنی بر آسیب دیدن هواپیماهای آمریکایی در جریان حملات موشکی اخیر جمهوری اسلامی به اردن را رد کرد. (نیوزنیشن)

❖ رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) روز پنجشنبه، ۱۰ سپتامبر اعلام کرد که تصاویر ماهواره‌ای، فعالیت‌های ساخت و ساز در تأسیسات هسته‌ای کوه کلنگ در ایران را ثبت کرده‌اند. (بلومبرگ)

❖ پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، روز جمعه جنگ جاری علیه ایران را در امتداد واکنش کشورش به حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دانست و گفت که پنتاگون در برابر «دشمنانی که از ما متنفرند» همواره «کاملاً هوشیار» است. (فاکس نیوز)

❖ به نقل از منابع آگاه: علیرغم حملات سنگین آمریکا و اسرائیل به سایت‌های موشکی و تأسیسات صنعتی ایران در هر دو جنگ اخیر، تهران دوباره مشغول مونتاژ موشک‌هایی با سوخت مایع و سوخت جامد است. (وال استریت ژورنال)

❖ چین در شورای امنیت: تلاش برای بازگرداندن تحریم‌های ایران، تفرقه افکنانه و غیرقانونی است. (شینخوا)

❖ نماینده روسیه در شورای امنیت سازمان ملل: روسیه به هیچ وجه اجازه نخواهد داد تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران مجدداً اعمال شوند. (راشاتودی)

❖ وزارت خزانه داری آمریکا روز پنج شنبه ۱۰ سپتامبر اعلام کرد، ۱۴ فرد و پنج شرکت و نهاد را در عراق، لبنان، امارات متحده عربی و ترکیه تحریم کرده است. (رویترز)

❖ هانگ کائو، سرپرست وزارت نیروی دریایی آمریکا، گفت نیروهای جمهوری اسلامی ایران خسارت گسترده‌ای به پایگاه پشتیبانی نیروی دریایی آمریکا در بحرین، محل استقرار ناوگان پنجم این کشور، وارد کرده‌اند. (اپک تایمز)

❖ شرکت آنتروپیک می گوید نهادهای همسوی با جمهوری اسلامی ایران از هوش مصنوعی «کلود» برای طراحی تبلیغات حکومتی، نظارت بر شهروندان و جمع‌آوری اطلاعات استفاده کرده‌اند. این

تحقیق همچنین چند عملیات جداگانه علیه ایرانیان را شناسایی کرده است. (ایران اینترنشنال)
 ❶ پلیس بریتانیا دو نفر را به ظن ارتکاب جرائم مرتبط با ایران و نقض قانون امنیت ملی بریتانیا بازداشت کرد. این دو فرد در لندن پایتخت بریتانیا و در جریان تحقیقات مربوط به فعالیت‌های مرتبط با ایران بازداشت شده‌اند. (اسکای نیوز)

❷ قیمت‌های کالاهای مصرفی و خدمات در آلمان در پی جنگ ایران بار دیگر افزایش یافته است. طبق اعلام اداره آمار فدرال آلمان، کالاهای و خدمات ۲۰۹ درصد نسبت به ماه مشابه سال قبل گران‌تر شده‌اند. (دویچه وله)

❸ ترامپ گفت احتمالاً ایران مسئول حمله‌ای هوایی به عربستان سعودی بوده است که به تعطیلی خط لوله شرق به غرب این کشور انجامید. (رویترز)

❹ ترامپ در پاسخ به پرسشی درباره این که آیا با توجه به نگرانی‌های تازه درباره عربستان سعودی می‌تواند به عبور و مرور دریایی از تنگه هرمز کمک کند، گفت: «همه چیز به خوبی حل خواهد شد». (رویترز)

❺ رئیس جمهوری آمریکا، گفت جنگ با جمهوری اسلامی «خیلی زود» و احتمالاً پس از انتخابات میان دوره‌ای آمریکا پایان می‌یابد. (صدای آمریکا)

❻ ترامپ: کانادا بسیار مشتاق است که به توافق برسد؛ درست مانند ایران که بسیار مشتاق است به توافق برسد. (رویترز)

❼ ترامپ: فکر می‌کنم ایران موشک‌هایی دارد که می‌تواند شهرهای اروپایی را هدف قرار دهد. (رویترز)

❶ فرماندهی مرکزی ایالات متحده، سنتکام، می‌گوید نیروهای آمریکایی تا روز ۱۱ سپتامبر، مسیر ۹۹ کشتی تجاری را برای «تضمین اجرای کامل» محاصره ایران تغییر داده‌اند. (حساب ایکس سنتکام)
 ❷ بیانیه مشترک گروه بریکس: بار دیگر بر تعهد خود به حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشات بین‌المللی از طریق گفت‌وگو، رایزنی و دیپلماسی تأکید می‌کنیم. خواستار اتخاذ رویکردی چندجانبه هستیم که دیدگاه‌ها و مواضع ملی متنوع درباره مسائل مهم و حیاتی جهانی را محترم بشمارد. بر ضرورت همکاری برای حفظ جریان روان تجارت جهانی، زنجیره‌های تأمین و جریان انرژی تأکید می‌کنیم. (رویترز)

❸ بیش از ۶۰ عضو مجلس نمایندگان در نامه‌ای به وزیر امور خارجه آمریکا، نسبت به «افزایش اعدام زندانیان سیاسی از سوی حکومت ایران» ابراز نگرانی عمیق کردند. (صدای آمریکا)

❹ آمریکا از نفت‌کش‌ها عبوری از تنگه هرمز خواسته در ساعات مشخصی تردد کنند. (فایننشال تایمز)

❺ چین از روز شنبه قیمت خرده‌فروشی بنزین و گازوئیل را به دلیل افزایش قیمت نفت خام در

بازارهای جهانی افزایش خواهد داد. (شینخوا)

- ❖ نرخ حمل ابرنفتکش‌ها برای بارگیری از خلیج عمان به مقصد چین به حدود ۴۵۰ واحد در مقیاس جهانی رسید که معادل حدود ۱۱ دلار و ۵۰ سنت در هر بشکه است. رقم یادشده بالاترین سطح از زمان آغاز انتشار این شاخص در اوایل سال جاری است. (بورس بالتیک)
- ❖ زلنسکی اعلام کرد آماده است در حاشیه اجلاس گروه ۲۰ در میامی با پوتین دیدار کند. (رویترز)
- ❖ کره شمالی روز شنبه چند موشک بالستیک کوتاه‌برد به سوی سواحل شرقی خود شلیک کرد. این اقدام یک روز پس از پایان رزمایش مشترک آمریکا، کره جنوبی و ژاپن صورت گرفت. (صدای آمریکا)

اخبار و تحركات محور عبری - منطقه‌ای

- ❖ نتانیا هو: دیشب بزرگ‌ترین پایگاه جمهوری اسلامی ایران در خارج از مرزهای این کشور که تونل‌های «علی طاهر» در لبنان بود را منهدم کردیم. (اسرائیل به فارسی)
- ❖ حوثی‌ها روز جمعه شهر ساحلی ذباب در استان تعزو جزیره راهبردی پریم (میون) در تنگه باب‌المندب را تصرف کردند و به این ترتیب کنترل خود بر این آبراه مهم را گسترش دادند. (خبرگزاری فرانسه)
- ❖ محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی در پی تشدید درگیری‌ها در یمن و پیشروی حوثی‌ها در سواحل دریای سرخ، از دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا خواسته است دستور حملات مستقیم آمریکا علیه این گروه مورد حمایت ایران را صادر کند؛ درخواستی که رئیس‌جمهور آمریکا آن را رد کرده است. (اکسیوس)
- ❖ حازم الاسد، عضو دفتر سیاسی حوثی‌ها: «آزادی کشتیرانی و تجارت بین‌المللی در دریای سرخ و باب‌المندب امن و منظم است». (العربی‌الجديد)
- ❖ با کنترل جزیره راهبردی میون که به عنوان نقطه بازرسی دقیق در وسط تنگه باب‌المندب شناخته می‌شود، این آبراه حیاتی به طور صد درصد تحت کنترل نیروهای صنعا درآمد. (خبرگزاری فرانسه)
- ❖ وزارت انرژی عربستان سعودی اعلام کرد که در پی حملات روز پنج‌شنبه به خط لوله شرق - غرب در مناطق ریاض و مدینه، این سامانه انتقال نفت به طور موقت تعطیل شده است. (خبرگزاری واس)
- ❖ بغداد دستور تعطیلی گذرگاه مرزی شلمچه میان عراق و ایران را صادر کرده است. دو منبع امنیتی عراقی اعلام کردند که عراق این گذرگاه را به عنوان اقدامی احتیاطی و در پی حمله پهبادی از مبدأ عراق به خط لوله نفت شرق - غرب عربستان سعودی، بسته است. (رویترز)
- ❖ وزارت خارجه پادشاهی عربی سعودی، شامگاه جمعه با شدیدترین لحن، حملات پهبادی از عراق که خط لوله انتقال نفت «شرق - غرب» را در مناطق ریاض و مدینه منوره هدف قرار داده است را محکوم کرد. بنا بر بیانیه وزارت خارجه سعودی این حملات پهبادی به جراحات انسانی و همچنین وارد آمدن

برخی خسارات منجر شد که رسیدگی برای رفع آنها در حال انجام است. (العربیة)

❖ نیروهای ارتش اسرائیل عملیات انهدام مسیرها و زیرساخت های زیرزمینی در منطقه رشته کوه علی طاهر را به پایان رساندند؛ این اقدام پس از آن که نیروهای ارتش طی دوره اخیر، کنترل عملیاتی منطقه این رشته کوه را در سطوح زیرزمینی و روی زمین به دست گرفتند به ثمر رسید. (ارتش دفاعی اسرائیل)

❖ رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل در بازدید از لشکر ۳۶: «شب گذشته زیرساخت های زیرزمینی در رشته کوه علی طاهر را منهدم کردیم؛ زیرساخت اصلی فرماندهی، کنترل و نبرد حزب الله که با کمک ایران ساخته شده بود». (ارتش دفاعی اسرائیل)

❖ عباس عراقچی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران و عاصم منیر، فرمانده کل ارتش پاکستان درباره راه های احیای تلاش های دیپلماتیک برای کاهش تنش ها میان تهران و واشنگتن در همه جبهه ها گفت و گو کردند. (رویترز)

❖ وزارت خارجه الجزایر در بیانیه ای ضمن اعلام قطع رابطه با امارات، نوشت: «تمامی راه ها برای حفظ روابط دوجانبه به بن بست رسیده است». (خبرگزاری دولتی الجزایر)

❖ ۹ خلبان پیشین ارتش سوریه، از جمله سه ژنرال به اتهام مشارکت در بمباران مرگبار شهرها و روستاها در دوره حکومت بشار اسد بازداشت شده اند. (سانا)

❖ ترامپ: حوثی ها نمی خواهند با ما بجنگند؛ آنها با آمریکا تماس گرفته و خواستار آن شده اند که واشنگتن در این درگیری مداخله نکند. (فاکس نیوز)

❖ فرودگاه بین المللی بصره تمامی پروازهای ورودی از ایران و پروازهای خروجی به مقصد ایران را تا اطلاع ثانوی تعلیق کرده است. (خبرگزاری حمورابی عراق)

❖ مقاومت عراق اتهام حمله به تاسیسات انرژی عربستان را رد کرد. (تسنیم)

❖ علی فالح الزیدی، نخست وزیر عراق، در واکنش سریع به تحولات اخیر؛ پس از آنکه مشخص شد حملات علیه سعودی از استان میسان آغاز شده، دستور تحقیق از فرماندهی عملیات این استان را صادر و فرمانده عملیات میسان را برکنار کرد. (العربیة)

❖ مصر حملات به زیرساخت های انرژی سعودی را محکوم کرد و در بیانیه ای تاکید کرد این حملات، نقض آشکار قوانین بین المللی است. (العربیة)

❖ بحرین، پاکستان، امارات، اقلیم کردستان عراق، لبنان و کویت حمله پهپادی از خاک عراق به خط لوله نفت «شرق-غرب» سعودی را محکوم کردند. (العربیة)

❖ شماری از قانون گذاران جمهوری خواه و دموکرات آمریکا در نامه ای رسمی، دولت قطر را متهم کرده اند که از شبکه های هکری مستقر در هند برای هدف قرار دادن مخالفان و منتقدان خود استفاده کرده است. (صدای آمریکا)

❖ دبیر شورای عالی امنیت ملی: قطعنامه ضدایرانی آژانس غیرقانونی و سیاسی است. (حساب ایکس محسن رضایی)

❖ نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: نیروی دریایی سپاه، به مدد خداوند متعال، یک فروند از شناورهای بدون سرنشین (شمپاد) دشمن، با شماره بدنه ۵۸۳۸ و از نوع «سیل درون»، را در ورودی تنگه راهبردی هرمز مورد اصابت قرار داد و در اجرای مأموریت تجاوزکارانه خود ناکام گذاشت. (تسنیم)

❖ معاون استاندار خوزستان: بر اساس اعلام مقامات کشور عراق، از بامداد امروز مرزهای شلمچه و چذابه تا اطلاع ثانوی بسته شده‌اند و هیچ گونه تردد کالا و مسافر از این مرزها انجام نمی‌شود. (فارس)

❖ سخنگوی وزارت امور خارجه با اشاره به اهتمام همیشگی ایران در جهت ایجاد اعتماد و همکاری میان کشورهای منطقه برای تقویت صلح و ثبات در منطقه به دور از مداخلات مخرب و تفرقه‌انگیزانه بازیگران خارج از منطقه، ابتکار برگزاری نشست وزرای خارجه کشورهای ساحلی خلیج فارس و دریای عمان را تحولی مهم در این راستا خواند و ابراز امیدواری کرد که این رویداد زمینه‌ساز ارتقای تفاهم میان کشورهای منطقه و کمک به تقویت امنیت مشترک منطقه‌ای شود. (تسنیم)

❖ بقایی: تحریم و محاصره اقتصادی، جنگ علیه ایران است. (صداوسیما)

❖ سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه کشورمان در گفت‌وگویی تلفنی با فیصل بن فرحان، وزیر امور خارجه عربستان سعودی، در خصوص آخرین تحولات منطقه تبادل نظر و گفت‌وگو کرد. (ایرنا)

❖ سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و فیلد مارشال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، پنجشنبه به صورت تلفنی گفتگو کردند. (ایرنا)

❖ عراقچی: وزیر خزانه داری آمریکا با خوشحالی به خودمی‌بالد که می‌خواهد ایرانیان را فقیر کند و اقتصاد ما را به فروپاشی بکشانند. اما در عوض، او در مانده و ناتوان در برابر افکار عمومی قرار گرفته است؛ در حالی که جهان روزه روز اعتماد خود را به نظام مالی آمریکا بیشتر از دست می‌دهد. (حساب ایکس عراقچی)

❖ منابع محلی از درگیری نیروهای امنیتی با افراد مسلح در بخشان سراوان خبر می‌دهند. بنابر اعلام منابع محلی علت درگیری حمله رزمندگان اسلام به یک خانه تیمی تروریست‌های مزدور است. (تسنیم)

❖ مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری ایران اعلام کرد تنگه هرمز به شرط توقف محاصره و «تجاوز» آمریکابه ایران باز خواهد شد و تاکید کرد که ادامه فشارهای واشنگتن نمی‌تواند جمهوری اسلامی ایران را وادار به تسلیم کند. (ایندیاتودی)

- ❖ پزشک‌یان: مقابله عملیاتی با تحریم‌های یک‌جانبه و ضدبشری اولویت اعضای بریکس است. (صد اوسینا)
- ❖ سخنگوی وزارت خارجه: نشست برنامه‌ریزی شده برای روز دوشنبه در سلطنت عمان، گامی اساسی برای تضمین ثبات و امنیت در منطقه خلیج فارس خواهد بود. (المیادین)
- ❖ فرمانده هوافضا: آمریکایی‌ها پهپاد لوکاس را از روی شاهد ۱۳۶ ساختند. (تسنیم)
- ❖ براساس نرخ‌های اعلام شده برای روز شنبه ۲۱ شهریور بهای هر دلار آمریکا در بازار آزاد از ۲۳۸ هزار تومان گذشت. (کانال‌های اعلام نرخ ارز)
- ❖ محمداسلامی، معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران برای شرکت در هفتادمین کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عازم وین شد. (ایسنا)
- ❖ روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه: براساس گزارش مردمی رسیده و پس از ایجاد اشراف اطلاعاتی دقیق، یک تیم تروریستی حرفه‌ای که قصد اجرای عملیات ترور در سراوان را داشت شناسایی و سحرگاه امروز مورد ضربه قرار گرفت. براین اساس تعداد ۴ نفر از تروریست‌های وطن فروش به هلاکت رسیدند. همچنین تعدادی سلاح و مقادیری مهمات و مواد انفجاری از مخفیگاه این تیم کشف گردید. در این عملیات که تا پیش از ظهر امروز ادامه داشت ۳ نفر از پاسداران گمنام امام‌زمان عج نیز به شهادت رسیدند. (تسنیم)
- ❖ ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، گفت جریان‌های مقاومت خلع سلاح نخواهند شد و آمریکا در تلاش برای تحقق این هدف شکست خواهد خورد. (خانه ملت)
- ❖ روابط عمومی سازمان هواپیمایی کشوری: رئیس سازمان هواپیمایی کشوری با تأکید بر استمرار پروازها به عراق، اظهار داشت، مسافران می‌توانند طبق برنامه اعلام شده توسط شرکت‌های هواپیمایی، سفر خود را به نجف و بغداد با اطمینان کامل انجام دهند. (ایرنا)
- ❖ شاخص کل بورس در پایان معاملات امروز با جهش ۱۵۵ هزار واحدی به ۷ میلیون و ۲۷۸ هزار واحد رسید و رکورد تاریخی جدیدی را ثبت کرد. (تسنیم)

نگاه جریان های داخلی به جنگ و مسائل مرتبط

خلاصه مدیریتی - مهم ترین محورهای رسانه ای

- ❖ تلاش رسانه ای مدیران دولت گذشته برای خلق روایت های متناقض با نظر رسمی رئیس دستگاه قضا در پرونده دو وزیر مجرم دولت سیزدهم
- ❖ طرح موضوع منحرف سازی رسانه ها از پرونده چای دیش توسط مدیران دولت گذشته با فعال سازی کارزار محاکمه حسن روحانی (توسط جریان اصلاح طلبی)
- ❖ اعتبارزدایی از قوه قضائیه از طریق رسانه هایی مانند رجانیوز با طرح ادعای تناقض در اظهارات مقامات قضایی
- ❖ تقلیل جرم دو وزیر محکوم به خطای مدیریتی با تغییر ادبیات و سبک سازی رسانه ای
- ❖ سیاسی سازی پرونده دو وزیر با متهم کردن قوه قضائیه به وحدت شکنی در شرایط تأکید رهبر انقلاب بر انسجام اجتماعی
- ❖ ابزارسازی سیاسی از «عفو عمومی» در روزنامه اعتماد برای احیای قدرت چانه زنی اصلاح طلبان
- ❖ پوشش مشروعیت بخش برای عبور از فیلترهای نظارتی و طرح مطالبات سیاسی با طرح موضوع «عفو عمومی»
- ❖ بازسازی روایت اصلاح طلبی و آماده سازی افکار عمومی برای سناریوهای مشارکت یا عدم مشارکت در کنش های سیاسی
- ❖ رشد کارزار «درخواست محاکمه روحانی مطابق آرای مردم» در پلتفرم کارزار و رسیدن به رتبه سوم کل کارزارها
- ❖ واکنش تند حلقه نزدیک حسن روحانی به کارزار محاکمه و باز نشر پیام کامبیز مهدی زاده در کانال های سیاسی
- ❖ تبلیغات گسترده کارزار محاکمه روحانی در محیط ایتا با نقش فعال کانال های نزدیک به جبهه پایداری، حامیان سعید جلیلی و مدیران دولت گذشته
- ❖ انتشار نامه جبهه اصلاحات خطاب به رئیس دستگاه قضا با هدف بازتعریف جرم انگاری در مصادیق امنیتی و فشار سیاسی بر حاکمیت

رصد و تحلیل

تلاش رسانه‌ای مدیران دولت گذشته برای خلق روایت‌های متناقض با نظر رسمی رئیس دستگاه قضا در پرونده دوزیر مجرم دولت سیزدهم

در روزهای اخیر، اظهارات صریح غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه، درباره پرونده دوزیر محکوم دولت سیزدهم، بار دیگر تنش میان روایت‌های رسانه‌ای را آشکار کرد. اژه‌ای با تأکید بر اینکه ساداتی نژاد وفاطمی امین «ترک فعل نکرده‌اند، بلکه مرتکب جرم شده‌اند»، معیار برخورد قضایی را ارتکاب جرم دانست، نه خطای مدیریتی. این سخنان که همزمان با احضار دوزیر برای اجرای حکم پرونده چای دیش بیان شد، واکنش‌های گسترده‌ای را در فضای رسانه‌ای برانگیخت.

تحلیل راهبردی

بررسی هم‌زمانی رویدادها نشان می‌دهد جریان رسانه‌ای نزدیک به مدیران دولت گذشته، با فعال‌سازی کارزاری تحت عنوان «محاكمه حسن روحانی» در آستانه اجرای حکم دوزیر، تلاش کرده است محور افکار عمومی را از پرونده چای دیش منحرف کند. این هم‌زمانی، آن‌گونه که منابع آگاه نیز تأیید کرده‌اند، تصادفی به نظر نمی‌رسد.

در گام بعدی، رسانه‌هایی مانند رجانیوز با انتشار تحلیل‌هایی، سخنان اژه‌ای را «متناقض و ضدانسجام» خوانده و با استناد به اظهارات پیشین سخنگوی قوه قضائیه، اتهام دوزیر را صرفاً «ترک فعل» معرفی کرده‌اند. این در حالی است که نص حکم صادره، محکومیت به حبس تعزیری را تأیید می‌کند و تخفیف حکم نیز به دلیل «مداخله ضعیف» بوده، نه تغییر ماهیت جرم.

راهبرد رسانه‌ای

راهبرد این جریان بر سه پایه استوار است:

- ❶ نخست، تقلیل جرم به خطای مدیریتی با تغییر ادبیات
- ❷ دوم، اعتبارزدایی از قوه قضائیه با طرح ادعای تناقض در اظهارات مقامات قضایی
- ❸ سوم، سیاسی‌سازی پرونده با متهم کردن قوه قضائیه به وحدت‌شکنی (در شرایطی که رهبر انقلاب بر انسجام اجتماعی تأکید دارند).

نتیجه‌گیری

در این میان رسانه‌های جریان انقلابی با تأکید بر این نکته که مسئولیت مدیریتی مصونیت قضایی نمی‌آورد، تصریح نموده که «عنوان سیاسی»، ماهیت جرم را تغییر نمی‌دهد. اگر برخورد قضایی با مدیران، محدود به دولت خاصی نیست، پس تلاش برای سبک‌سازی پرونده دوزیر نیز نمی‌تواند مبنای قانونی داشته باشد. پرسش اصلی این نیست که «چرا با وزیر دولت قبل

برخورده شد؟»، بلکه این است که «آیا جرم اتفاق افتاده؟» و پاسخ رئیس قوه قضائیه صریح بوده است؛ با این حال رسانه‌ها و مدیران دولت قبل کماکان سعی بر آن داشته که دست به خلق روایت‌هایی ضد علیه روایت رسمی نمایند.

ابزارسازی سیاسی از «عفو عمومی» برای احیای قدرت چانه‌زنی اصلاح‌طلبان

روزنامه اعتماد، تربیون شناخته‌شده جریان اصلاح‌طلب و نزدیک به دولت، در یادداشتی از محمدجواد حق‌شناس، فعال شناخته‌شده این جریان، به موضوع «عفو عمومی» پرداخته است. این یادداشت در ظاهر به نقد یک وضعیت یا ارائه راهکار می‌پردازد، اما بافت انتشار، مخاطب و لحن آن نشان می‌دهد صرفاً یک متن تحلیلی ساده نیست. تحلیل حاضر می‌کوشد نشان دهد این یادداشت، بخشی از یک راهبرد رسانه‌ای برای ابزارسازی سیاسی از موضوع عفو عمومی است.

لایه آشکار: پوشش مشروعیت بخش

در سطح رویی، حق‌شناس به طرح یک آسیب یا هشدار درباره یک روند می‌پردازد. هدف اعلامی معمولاً «ایجاد گفت‌وگو»، «آسیب‌شناسی» یا «ارائه راهکار» است. این لایه برای مشروعیت بخشی به متن و عبور از فیلترهای نظارتی ضروری است. اما همین پوشش مشروع، امکان طرح مطالبات سیاسی را فراهم می‌کند.

لایه تاکتیکی: عفو به عنوان اهرم فشار

در این سطح، یادداشت ابزار مدیریت فضای سیاسی است. طرح موضوع عفو عمومی در رسانه‌ای نزدیک به دولت، در عمل به مثابه اهرمی برای افزایش هزینه سیاسی سرکوب یا محدودیت‌ها عمل می‌کند. حق‌شناس می‌کوشد موضع جریان خود را در برابر تندروها تعیین کند، فاصله‌گذاری معناداری با برخی نیروها انجام دهد، و وزن سیاسی خود را برای انتخابات و مذاکرات آینده حفظ کند. انتشار در اعتماد نیز پیام‌رسانی به بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان و آزمون واکنش حاکمیت است.

لایه راهبردی: بازسازی روایت اصلاح‌طلبی

در افق بلندمدت، چنین یادداشتی به بازسازی روایت اصلاح‌طلبی پس از انتقادات سال‌های اخیر کمک می‌کند. آماده‌سازی افکار عمومی برای سناریوهایی مانند مشارکت یا عدم مشارکت در کنش‌های سیاسی خاص، تغییر مواضع، یا ائتلاف‌های جدید از اهداف راهبردی است. همچنین انتقال پیام به بازیگران بیرونی درباره وجود صداها یا معتدل و مذاکره‌پذیر در ایران را دنبال می‌کند. موضوع عفو عمومی در این چارچوب، به ابزاری برای نمایش «چهره معتدل» و «مطالبه‌گر» تبدیل می‌شود.

لایه شخصی و جناحی: اعتبارسازی

افزایش دیده شدن، اعتبارسازی برای فعالان اصلاح طلب یا جریان متبوع او، واثرگذاری بر ترکیب رهبری اصلاح طلبان نیز قابل شناسایی است. این لایه معمولاً با تکرار نام نویسنده در رسانه‌ها و بازنشر گسترده تقویت می‌شود. طرح موضوع عفو عمومی، به نویسنده چهره‌ای «حق طلب» و «مردم‌نگر» می‌بخشد.

نشانه‌های ابزارسازی سیاسی

زمان انتشار، مخاطب هدف، واژه‌های کلیدی، سکوت درباره برخی موضوعات، و واکنش‌های بعدی حاکمیت و رسانه‌ها نشانه‌های مهمی برای کشف هدف زیرپوستی اند. طرح موضوع عفو عمومی در رسانه‌ای خاص، در زمانی خاص، و بالحنی خاص، بیش از یک اظهار نظر فردی، نشانه دستور کارگذاری رسانه‌ای است. همچنین باید توجه داشت یک یادداشت می‌تواند هم‌زمان چند هدف داشته باشد و بخشی از آن نیز تحلیل صادقانه باشد، نه صرفاً تاکتیک.

جمع‌بندی راهبردی

یادداشت محمدجواد حق‌شناس در اعتماد را باید یک کنش چندلایه دانست:

❶ مشروعیت بخشی ظاهری، مدیریت فضای سیاسی، بازسازی روایت بلندمدت، و تقویت موقعیت شخصی-جناحی. هدف زیرپوستی اصلی، حفظ و افزایش قدرت چانه‌زنی جریان اصلاح طلب در معادلات پیش رو و آماده‌سازی افکار عمومی برای سناریوهای آتی است. موضوع عفو عمومی در این میان، نه یک مطالبه صرفاً انسانی، بلکه ابزاری برای پیشبرد این راهبرد است.

درباره فرضیه «ابزارسازی سیاسی» باید اشاره کرد که جریان اصلاح طلب در این موضوع یکپارچه نیست و بخشی از این مواضع می‌تواند ریشه در باور یا فشار بدنه اجتماعی داشته باشد. قضاوت دقیق تنها با بررسی موردی زمان، مخاطب، هدف اعلامی و واکنش‌ها ممکن است. اما آنچه مسلم است، طرح موضوع عفو عمومی در رسانه‌ای نزدیک به دولت، بیش از یک اظهار نظر فردی، نشانه باز شدن پرونده‌ای هدفمند است؛ پرونده‌ای که هدف زیرپوستی آن، بازسازی گفتمان اقتدار ملی برای احیای قدرت چانه‌زنی اصلاح طلبان در معادلات پیش‌روست.

افزایش تبلیغات کارزار محاکمه حسن روحانی در برخی منابع خاص هم‌زمان با حضور این همه پرسى در رتبه سوم «پلتفرم کارزار»

کارزار «درخواست محاکمه روحانی مطابق آرای مردم» در تازه‌ترین تحولات خود، از نظر شمار امضا به رتبه سوم کل کارزارهای پلتفرم کارزار رسیده است. این در حالی است که پرامضاترین کارزار تاریخ این پلتفرم همچنان به «رفع فیلترینگ» با یک میلیون و دویست هزار امضا تعلق دارد. فاصله با صدر

جدول معنادار است، اما رسیدن به رتبه سوم در مدت کوتاه، وزن سیاسی این حرکت آنلاین را برجسته می‌کند.

واکنش تند در حلقه نزدیک روحانی

❖ کامبیز مهدی‌زاده، داماد حسن روحانی، به این کارزار واکنش تندی نشان داده است. در پیامی که امروز در کانال‌های سیاسی بازنشر شد و به او نسبت داده شده، راه‌اندازان کارزار را «عده‌ای ساده‌لوح» خوانده و در پایان نوشته است: «خاک بر سرتان». این واکنش، خود شاهی بر حساسیت موضوع و اثرگذاری روانی کارزار بر نزدیکان رئیس‌جمهور پیشین است.

الگوی تبلیغاتی و بازیگران سیاسی

❖ بر اساس رصدهای صورت گرفته، تبلیغات گسترده این کارزار عمدتاً در محیط ایتا متمرکز بوده است. کانال‌های نزدیک به جبهه پایداری، حامیان سعید جلیلی و مدیران دولت گذشته در توزیع و دیده شدن آن نقش فعالی داشته‌اند. این الگو نشان می‌دهد کارزار صرفاً یک حرکت خودجوش عمومی نیست، بلکه از حمایت شبکه‌های سیاسی سازمان یافته نیز برخوردار است؛ عاملی که می‌تواند سرعت رشد و ماندگاری آن را توضیح دهد.

تحلیل راهبردی

❖ از منظر راهبردی، کارزار توانسته با تمرکز بر شخص روحانی و گفتمان «مطابق آرای مردم»، بخشی از افکار عمومی خواهان پاسخ‌گویی مسئولان را بسیج کند. جهش امضاها در روزهای هفدهم و هجدهم شهریور، حاکی از یک محرک خبری قوی و فعال شدن شبکه‌های اجتماعی است. کاهش نسبی در روز نوزدهم می‌تواند نشانه اشباع اولیه یا پایان موج تبلیغاتی باشد، اما حجم بالای باقی مانده نشان می‌دهد کارزار همچنان فعال است.

جمع‌بندی

در مجموع، این کارزار را باید شاخصی از مطالبات مردمی در حوزه پاسخ‌گویی نهادهای اجرایی دانست. رسیدن به رتبه سوم کل کارزارها، حتی بدون تضمین نتیجه حقوقی، یک دستاورد نمادین مهم است؛ زیرا نشان می‌دهد بخشی از جامعه، محاکمه روحانی را در اولویت مطالبات خود قرار داده و این مطالبه را در بالاترین سطوح امضای آنلاین تاریخ کارزار نگه داشته است.

انتشار نامه جبهه اصلاحات خطاب به رئیس دستگاه قضا با اهداف مطالبه «بازتعریف

جرم‌انگاری در مصادیق امنیتی»

جبهه اصلاحات ایران در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۴۰۵ با انتشار نامه‌ای خطاب به حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه، خواستار توقف جرم‌انگاری نقد و تحلیل سیاسی با عناوین

کیفری امنیتی شد. این نامه در شرایطی منتشر شده که کشور با چالش‌های ناشی از جنگ، تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و اجتماعی مواجه است و نویسندگان بر ضرورت تقویت همبستگی ملی و بازسازی اعتماد عمومی تأکید کرده‌اند.

محورهای مهم نامه

نامه شش درخواست کلیدی را مطرح می‌کند:

۱. توقف اجرای احکام سنگین و سلب حیات مرتبط با اعتراضات و بازنگری در پرونده‌ها
۲. آزادی بازداشت‌شدگانی که اتهام مستند آنان احراز نشده است
۳. تفکیک روشن میان اعتراض و نقد مدنی با رفتار خشونت‌آمیز یا مجرمانه
۴. رسیدگی علنی به پرونده‌های سیاسی در مرجع صالح و با حضور هیأت منصفه
۵. استناد قضایی صرفاً به ادله قابل اثبات در دادگاه، نه گزارش‌های امنیتی
۶. به رسمیت شناختن نقش احزاب و تشکل‌ها در کاهش شکاف اجتماعی و تقویت گفت‌وگوی ملی

ارزیابی اهداف نویسندگان نامه

این نامه را می‌توان در سه سطح تحلیل کرد:

- ❶ سطح اول: چارچوب حقوقی و قضایی: جبهه اصلاحات بر لزوم رعایت دادرسی عادلانه و تفکیک اعتراض مدنی از جرم امنیتی تأکید دارد. به زعم این جریان، تعریف «اعتراض مدنی» و «نقد سیاسی» در نظام قضایی ایران دارای ابهام است و مرزهای آن با «تبلیغ علیه نظام» به طور دقیق مشخص نشده است.
- ❷ سطح دوم: لحن و راهبرد سیاسی: نامه بالحنی محتاطانه و مسئولانه نوشته شده و خود را خواهان اجرای قانون و نه مصونیت معرفی می‌کند. با این حال، طرح موضوعاتی مانند «گزارش‌های امنیتی نباید جایگزین ادله قضایی شود» می‌تواند به عنوان چالشی جدی برای رویه‌های جاری دستگاه قضایی تلقی شود.
- ❸ سطح سوم: اهداف پنهان و آشکار: در حالی که جبهه اصلاحات بر اصلاح امور و پیشگیری از بحران تأکید دارد، تحلیل آن نشان می‌دهد که این نامه می‌تواند در چارچوب راهبردی اعتبارزدایی از عملکرد دستگاه قضا و کلیت حاکمیت تفسیر شود. طرح موضوعاتی مانند «احکام سنگین صادره» و «بازداشت‌شدگان بدون ادله» می‌تواند افکار عمومی را نسبت به مشروعیت نهاد قضایی تضعیف کند. همچنین تأکید بر نقش احزاب و تشکل‌ها می‌تواند به عنوان تلاشی برای کسب مشروعیت و نفوذ سیاسی بیشتر در فضای عمومی تعبیر شود.

نتیجه‌گیری راهبردی

نامه جبهه اصلاحات ایران رانمی توان صرفاً یک مطالبه حقوقی دانست. این نامه در بستر شرایط بحرانی کشور، همزمان دوهدف رادنبال می کند:

- ❖ از یک سو، ارائه تصویری مسئولانه وقانون مدار از خود برای جلب اعتماد عمومی
 - ❖ از سوی دیگر، وارد کردن فشار سیاسی بردستگاه قضایی وحاکمیت از طریق طرح مطالباتی که پاسخ به آن هادشوار است.
- در نهایت، این نامه می تواند به عنوان بخشی از راهبرد کلان تر برای بازتعریف رابطه میان جامعه، احزاب وحاکمیت در جهت افزایش سهم نیروهای سیاسی در مدیریت کشور تحلیل شود.

روندها و تحلیل‌های امنیتی، نظامی و دفاعی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ برجسته‌سازی احیای توان موشکی ایران پس از جنگ و تضعیف ادعای آمریکا ورژیم صهیونیستی درباره نابودی زیرساخت‌های موشکی تهران
- ❖ بازنمایی آسیب‌پذیری مسیرهای جایگزین انرژی عربستان در پی حمله به خط لوله شرق - غرب و افزایش نگرانی‌ها درباره امنیت بازار نفت جهانی
- ❖ طرح ادعای نقش فناوری‌های ماهواره‌ای چین در افزایش دقت حملات موشکی ایران و تبدیل همکاری‌های فناوریانه پکن و تهران به محور تنش جدید با واشنگتن
- ❖ برجسته‌سازی نقش ناو هواپیمابر جورج واشنگتن در عملیات آمریکا علیه ایران هم‌زمان با افزایش فشار بر ذخایر تسلیحاتی و توان پشتیبانی نظامی واشنگتن
- ❖ بازنمایی گسترش جبهه‌های جنگ از خلیج فارس تا دریای سرخ با پیوند دادن حملات ایران، تحرکات حوثی‌ها و تهدید مسیرهای حیاتی انتقال انرژی
- ❖ هراس افکنی درباره فرسایشی شدن جنگ ایران و آمریکا با تمرکز بر رقابت میان ظرفیت بازتولید موشکی تهران و محدودیت ذخایر رهگیرهای آمریکا و متحدانش
- ❖ برجسته‌سازی دشواری حفاظت دریایی آمریکا از تنگه هرمز در پی افزایش حملات به کشتی‌های تجاری و تغییر الگوی پوشش هوایی واشنگتن
- ❖ بازنمایی افزایش هزینه‌های عملیاتی آمریکا در جنگ ایران با اشاره به فرسودگی تجهیزات، فشار بر ناوگان دریایی و هزینه بالای تداوم حضور هوایی
- ❖ طرح موضوع تبدیل زیرساخت‌های زیرزمینی ایران به عامل کاهش اثرگذاری حملات نظامی آمریکا ورژیم صهیونیستی و افزایش توان بازتابی تهران
- ❖ ادراک‌سازی درباره انتقال بحران ایران از سطح درگیری نظامی به حوزه امنیت انرژی، تجارت جهانی و رقابت ژئوپلیتیکی میان آمریکا، چین و بازیگران منطقه‌ای

رصد و تحلیل

برجسته‌سازی احیای تولید موشک‌های بالستیک ایران و فرسایش دستاورد ادعایی آمریکا ورژیم صهیونیستی در جنگ

وال استریت ژورنال در گزارشی با عنوان «ایران دوباره در حال تولید موشک‌های بالستیک است» به نقل از مقام‌های آمریکایی و منطقه‌ای مدعی شد تهران با استفاده از قطعات ذخیره‌شده پیش

از جنگ و ظرفیت تأسیسات زیرزمینی، تولید موشک‌های بالستیک را از سر گرفته است. طبق این گزارش، فعالیت‌هایی در چند مجموعه زیرزمینی از جمله تأسیسات موشکی خجیر رصد شده و ایران هم‌زمان در صدد ایجاد نقاط مونتاز جدید در زیر زمین است تا آسیب‌پذیری در برابر حملات بعدی را کاهش دهد.

این روزنامه می‌نویسد تولید فعلی هنوز کم‌حجم‌تر از دوره پیش از جنگ است و عمدتاً بر مونتاز اجزای موجود، شامل کلاهک، بدنه و سامانه‌های هدایت، متکی است. یک مقام آمریکایی برآورد کرده ایران می‌تواند از ذخایر قطعات خود حداقل چند صد موشک مونتاز کند؛ در مقابل، برخی کارشناسان دامنه بالقوه این ظرفیت را از صدها تا حتی هزاران فروند می‌دانند.

وال استریت ژورنال این روند را نشانه‌ای از محدودیت اثرگذاری حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی بر زیرساخت پراکنده و زیرزمینی موشکی ایران توصیف کرده است. این ارزیابی در تضاد با اظهارات پیشین پیت هگست قرار دارد که در آوریل برنامه موشکی ایران را «عملآنا بوده‌شده» خوانده بود.

جمع‌بندی و تحلیل

محور اصلی گزارش، تغییر مسئله از «میزان خسارت اولیه» به سرعت بازتولید توان موشکی ایران است. در صورت تداوم مونتاز و بازایی زیرساخت‌ها، مزیت ناشی از موج نخست حملات به تدریج کاهش یافته و جنگ فرسایشی بیش از گذشته به رقابت میان ظرفیت تولید موشک ایران و ذخایر محدود در هگیرهای آمریکا و کشورهای منطقه وابسته خواهد شد.

بازتاب رسانه‌های بین‌المللی از حمله به خط لوله نفتی عربستان و افزایش نگرانی‌ها درباره امنیت مسیرهای انرژی منطقه

حمله پهبادی به خط لوله شرق-غرب عربستان و توقف موقت فعالیت این مسیر حیاتی، به یکی از محورهای اصلی پوشش رسانه‌های بین‌المللی درباره پیامدهای جنگ در منطقه تبدیل شده است. رسانه‌های غربی این رویداد را نشانه‌ای از گسترش جبهه‌های درگیری و افزایش فشار بر شبکه انتقال نفت خاورمیانه ارزیابی کرده‌اند.

❶ سی‌ان‌ان با استناد به مقام‌های آمریکایی اعلام کرد که حملات به ایستگاه‌های پمپاژ خط لوله شرق-غرب انجام شده و تصاویر ماهواره‌ای نیز خسارت‌های آتش‌سوزی در برخی نقاط را نشان داده است. این رسانه تأکید کرد که عربستان پس از اختلال در تنگه هرمز، به این خط لوله برای انتقال حدود ۵ میلیون بشکه نفت در روز به بندر یبوع در دریای سرخ وابسته شده و حمله اخیر، آسیب‌پذیری مسیر جایگزین صادرات انرژی این کشور را برجسته کرده است.

❷ نیویورک تایمز این حمله را عامل تشدید نگرانی درباره اختلال گسترده‌تر در عرضه انرژی دانست و

نوشت قیمت نفت برای مدت کوتاهی به حدود ۱۱ دلار در هر بشکه افزایش یافت. این رسانه تمرکز خود را بر پیامدهای اقتصادی حمله قرار داد و هشدار داد که هم‌زمانی حمله به خط لوله عربستان با تحرکات حوثی‌ها در دریای سرخ می‌تواند فشار مضاعفی بر بازار انرژی جهانی وارد کند.

❶ واشنگتن پست با ارائه تحلیلی راهبردی‌تر، حمله به خط لوله عربستان و پیشروی حوثی‌ها در سواحل دریای سرخ را دو تحول مرتبط دانست که توان تهدید مسیرهای انتقال انرژی را افزایش می‌دهد. این رسانه نوشت کنترل احتمالی حوثی‌ها بر بخش‌هایی از باب‌المندب می‌تواند به ایران اهرم فشار بیشتری در برابر آمریکا اعطا کند.

❷ رویترز، فایننشال تایمز و بلومبرگ نیز بر اهمیت ژئوپلیتیکی خط لوله شرق-غرب تمرکز کردند و آن را مسیر جایگزین عربستان برای دور زدن محدودیت‌های تنگه هرمز معرفی کردند. رویترز گزارش داد این خط لوله در ماه‌های اخیر بین ۴ تا ۵ میلیون بشکه نفت در روز جابه‌جا کرده که معادل حدود ۴ تا ۵ درصد عرضه جهانی است. فایننشال تایمز نیز افزایش قیمت نفت و نگرانی بازارها از تداوم ناامنی مسیرهای انرژی را برجسته کرد.

❸ در بخش دیگری از پوشش‌ها، رسانه‌هایی مانند ان بی سی نیوز، بی بی سی و آسوشیتد پرس بر پیوند میان حمله به زیرساخت نفتی عربستان و تحولات یمن تمرکز کردند. این رسانه‌ها گزارش دادند که هم‌زمانی حمله به خط لوله با پیشروی حوثی‌ها در نزدیکی باب‌المندب، نگرانی‌ها درباره تبدیل شدن دریای سرخ به جبهه دوم بحران انرژی را افزایش داده است.

در مجموع، روایت غالب رسانه‌های بین‌المللی آن است که حمله اخیر، آسیب‌پذیری راهبرد «مسیرهای جایگزین انرژی» عربستان پس از اختلال در هرمز را آشکار کرده است. این پوشش‌ها همچنین بر این نکته تأکید دارند که تداوم فشار بر زیرساخت‌های نفتی و مسیرهای کشتیرانی می‌تواند بحران منطقه‌ای را از سطح نظامی به حوزه اقتصاد جهانی و امنیت انرژی منتقل کند.

طرح ادعای نقش تصاویر ماهواره‌ای شرکت‌های چینی در افزایش دقت حملات موشکی ایران علیه نیروهای آمریکایی

وال استریت ژورنال در گزارشی اختصاصی به نقل از مقام‌های آمریکایی مدعی شده است که ایران پیش و پس از حمله موشکی ۱۷ ژوئیه به پایگاه هوایی موفق السلطی در اردن، به تصاویر ماهواره‌ای با وضوح بالا از منابع چینی دسترسی داشته است؛ حمله‌ای که به کشته شدن سه نظامی آمریکایی و زخمی شدن چهار نفر دیگر انجامید. مقام‌های مورد استناد این روزنامه، این پرونده را «روشن‌ترین نشانه» از آن دانسته‌اند که کمک‌های فناورانه چین به ایران می‌تواند پیامد مستقیم عملیاتی برای نیروهای آمریکایی داشته باشد.

به نوشته این رسانه، واشنگتن، دولت چین را مستقیماً به مشارکت در حمله متهم نکرده و

هویت تأمین کنندگان تصاویر نیز اعلام نشده است؛ با این حال، مقام‌های آمریکایی موضوع را در سطوح ارشد با پکن مطرح کرده‌اند و طرف چینی ضمن رد اتهامات، خواستار ارائه مستندات شده است. گزارش می‌افزاید که آمریکا پیش‌تر سه شرکت چینی را به دلیل ارائه خدمات تصویربرداری ماهواره‌ای مرتبط با ایران تحریم کرده بود.

وال استریت ژورنال همچنین مدعی است بهبود دقت هدف‌گیری ایران در ماه‌های اخیر، نگرانی واشنگتن درباره استفاده تهران از داده‌های ماهواره‌ای برای رصد ناوهای آمریکایی را افزایش داده است؛ موضوعی که می‌تواند در آستانه دیدار ۲۴ سپتامبر ترامپ و شی جین‌پینگ، به نقطه تنش تازه‌ای در روابط دو کشور تبدیل شود.

برجسته‌سازی نقش محوری ناو «جورج واشنگتن» در جنگ ایران هم‌زمان با تشدید تهدید موشکی و فشار بر ذخایر تسلیحاتی آمریکا

سی‌بی‌اس در گزارشی اختصاصی از عرشه ناو هواپیمابر «یواس اس جورج واشنگتن»، این ناو با حدود ۵ هزار نیروی نظامی، جنگنده و مهمات مستقر راستون فقرات عملیات تاکتیکی آمریکا در جنگ ایران و در عین حال یکی از اهداف اصلی تهران معرفی کرده است. این ناو ماه گذشته برای جایگزینی «آبراهام لینکلن» پس از استقرار ۹ ماهه آن به منطقه اعزام شد.

بر اساس این گزارش، خبرنگاران سی‌بی‌اس از نزدیک شاهد مأموریت‌های شبانه جنگنده‌های ناو جورج واشنگتن برای پشتیبانی از محاصره دریایی ایران و پوشش امنیتی کشتی‌های تجاری در محدوده تنگه هرمز بوده‌اند. گزارش هم‌زمان بر هزینه‌فرسایشی جنگ برای آمریکا تمرکز کرده و با استناد به منابع خود، از کاهش ذخایر موشک‌های رهگیر و تسلیحات هدایت‌شونده دقیق خبر داده؛ موضوعی که پیت‌هگست آن را رد کرده است.

سی‌بی‌اس همچنین به تلاش اخیر ایران برای هدف قرار دادن شناورهای آمریکایی با موشک‌های بالستیک اشاره کرده است. در همین حال، پیشروی حوثی‌ها در یمن و تهدید مسیر باب‌المندب، بحران دریایی را به جبهه‌ای دوم گسترش داده؛ تاجایی که بنا بر این گزارش، محمد بن سلمان از ترامپ خواسته علیه حوثی‌ها اقدام کند، اما واشنگتن تاکنون صرفاً پشتیبانی اطلاعاتی و هدف‌یابی را پذیرفته است.

محدودسازی ساعات عبور نفتکش‌ها در هرمز از سوی آمریکا در پی افزایش حملات ایران و دشواری تداوم پوشش هوایی

فایننشال تایمز در گزارش «آمریکا بازه‌های زمانی دفاع هوایی برای نفتکش‌های عبوری از هرمز را محدود کرد» نوشته است واشنگتن در پی افزایش حملات ایران به کشتی‌های تجاری، بازه عبور

امن شناورها از مسیر جنوبی تنگه هرمز را به دوزمان مشخص در روز محدود کرده است. پیش‌تر کشتی‌ها پس از هماهنگی با مرکز هدایت دریایی آمریکا، در یک بازه نسبتاً گسترده شبانه و تحت پوشش هواگردهای آمریکایی از مسیر نزدیک سواحل عمان عبور می‌کردند.

طبق ایمیل‌های مورد مشاهده فایننشال تایمز، فرماندهی آمریکا اکنون به مالکان کشتی‌ها توصیه کرده است حرکت خود را در ساعات‌های تعیین شده، از جمله حوالی ۹ صبح، آغاز کنند؛ زیرا عبور در تاریکی دیگر امن‌ترین گزینه تلقی نمی‌شود. بیش از ۷۰ کشتی تجاری از آغاز جنگ در ۲۸ فوریه هدف حمله قرار گرفته‌اند.

این روزنامه تغییر الگوی حفاظت آمریکا را علاوه بر تشدید تهدیدها، ناشی از هزینه و دشواری حفظ پوشش هوایی مستمر دانسته است. پرواز هر ساعت برخی هواگردهای پیشرفته آمریکایی بین ۲۵ تا ۷۵ هزار دلار هزینه دارد. مقام‌های سابق نیروی دریایی آمریکا نیز تأکید کرده‌اند که حفاظت ۲۴ ساعته از این مسیر در بلندمدت قابل دوام نیست و واکنشگتن ناچار به تمرکز منابع در پنجره‌های محدود عبوری شده است.

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ ضرب و گریز ادعاها از افزایش بگیر و ببندها در حوزه حجاب و بازگشت گشت ارشاد با تمرکز بر اصفهان و برخی دیگر شهرها از جمله قم، اسلامشهر، مشهد و غیره
- ❖ روایت سازی از حمله و یورش گسترده ماموران و لباس شخصی‌ها در منطقه مرداوچ، روایس و مجتمع پرواز در اصفهان و بازداشت‌ها ده‌ها تن به دلیل عدم رعایت حجاب و پوشش و تعطیلی کافه‌ها و مجتمع‌های ورزشی
- ❖ هراس افکنی نسبت به بازگشت گشت ارشاد و افزایش برخوردها در حوزه حجاب با استفاده از تعبیری چون جوامعیت، یورش، بگیر و ببند و ایجاد رعب
- ❖ تداوم انگاره سازی از ماندگاری پیامدهای اجتماعی، امنیتی و قضایی آشوب‌های دی ماه
- ❖ نظرسنجی اینستاگرامی ایران اینترنشنال با مضمون تشدید خشم و فشار روانی جامعه پس از وقایع دی ماه با استناد عصبی شدن سریع تر ۹۴ درصد شرکت کنندگان نسبت به قبل از این وقایع
- ❖ انتشار خرده روایت‌ها از قطع عضو، باقی ماندن ساچمه در بدن، ترس از درمان، زندگی مخفیانه، از دست رفتن شغل و وابستگی مالی به خانواده شرکت کنندگان در آشوب‌های دی ماه از سوی ایندپندنت فارسی
- ❖ ادعای ایران اینترنشنال مبنی بر افزایش فشار امنیتی بر خانواده‌های کشته شدگان دی ماه از طریق احضار، تهدید، بازجویی، محدود سازی فعالیت مجازی و حساسیت نسبت به هشتگ «جاوید نام»
- ❖ تعمیم روایت فشار بر مخالفان به هنرمندان و بازداشت شدگان به دیگر معترضان و مخالفان نظام از جمله هنرمندان توسط صدای آمریکا
- ❖ تکرار روایت سازی‌ها شکنجه و اعتراف گیری اجباری از متهمان محکوم به اعدام با ادعای تهدید پارسا جعفری به تعرض جنسی و ادعای شکستن لگن ابوالفضل ساعدی با تبر پیش از اعدام
- ❖ تداوم برجسته سازی صدور و اجرای احکام متهمان و محکومان آشوب‌های اخیر و ضرب و گریز اسامی علی زارعی (از آشوب دیدگان چشمی) و علیرضا سپاهی در این زمینه
- ❖ اعتبارزدایی از مبانی قضایی صدور حکم اعدام برای متهمان پرونده میدان شهدای اصفهان با طرح ادعای ناکافی و غیر قابل اتکا بودن ادله و فقدان تناسب میان اتهامات و احکام صادر شده
- ❖ رد فرضیه «آتش به اختیار» بودن حملات ۱۶ تیر به کشتی‌ها در تنگه هرمز (میانه فعال بودن تفاهم نامه اسلام آباد) و انتساب آن به نقش مناسبات پشت پرده نهادهای موازی در فرآیند تصمیم گیری ج.ا.ا.

- ❖ طرح ادعای احتمال کناره‌گیری آیت‌الله موحدی کرمانی از ریاست مجلس خبرگان رهبری به دلیل وضعیت جسمانی با طرح گزینه‌هایی چون اعرافی، رجبی، اعلم‌الهدی و آملی لاریجانی
- ❖ تقلیل رقابت بر سر ریاست مجلس خبرگان به جابه‌جایی موازنه میان طیف‌های موافق، مخالف و میانی مذاکره‌پویان و دادن نتیجه آن با امکان طرح یا مهارتش یک دربارۀ جایگاه رهبر جدید انقلاب
- ❖ القای فقدان استقلال مجلس خبرگان در تعیین تکلیف رهبری با طرح ادعای تبدیل این نهاد به کارزار تثبیت جانشینی و وابستگی تصمیمات آن به توافق سپاه و بخش‌هایی از روحانیت ذی نفوذ

رصد و تحلیل

تداوم انگاره‌سازی از پیامدهای اجتماعی، امنیتی و قضایی آشوب‌های دی‌ماه با استمرار روایت‌سازی پیرامون شکنجه‌های سخت متهمان، وضعیت اسفبار معترضان، اثرات روانی جامعه پس از اعتراضات و افزایش فشارها بر خانواده‌های کشته‌شدگان آن وقایع

همزمان با تقارن هشتمین ماه از وقایع ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه سال گذشته، بررسی و رصد گزارشات و تولیدات رسانه‌ای جریان ضدانقلاب و معاند نشان می‌دهد که این جریان همچنان به دنبال ساخت تصویری از تداوم پیامدهای آشوب‌های دی‌ماه با روایت‌سازی و طرح ادعاهایی پیرامون شکنجه‌های سخت و سنگین همچون تهدید به تعرض، صدور احکام اعدام بدون ادله معتبر، فشار روانی بر جامعه و معترضان با گذشت ماه‌ها از آن وقایع و تهدید و ارباب خانواده‌های کشته‌شدگان است. در ادامه مجموعه‌ای از این ادعاها و روایت‌سازی‌ها در دوروز گذشته می‌آید:

۱. القای پیامدهای اجتماعی آشوب‌های دی‌ماه بر جامعه و معترضان

ایران اینترنشنال در حساب اینستاگرامی خود اقدام به یک نظرسنجی درباره وضعیت روانی مردم پس از آشوب‌های دی‌ماه کرده که نتیجه آن طبق روایت این رسانه، ۹۴ درصد از حدود ۳۸ هزار شرکت‌کننده زودتر از گذشته عصبانی می‌شوند. علاوه بر آن افزایش خشم، کاهش تحمل، فشار اقتصادی، نااطمینانی و آثار روانی از پیامدهای آشوب‌های دی‌ماه معرفی شده و نظرات مخاطبان خود را برای پیوند دادن خشم روزمره با فشار معیشتی، بیکاری، جنگ و تجربه خشونت سیاسی به کار گرفته است. ایندپندنت فارسی در سوی دیگر در گزارشی خرده‌روایت‌های شهروندان و معرضان حاضر در آشوب‌های دی‌ماه پیرامون قطع عضو، باقی ماندن ساچمه در بدن، ترس از مراجعه به مراکز درمانی، زندگی مخفیانه، از دست رفتن شغل و وابستگی مالی به خانواده‌ها منتشر کرده و تلاش کرده پیامدهای اعتراضات را هشت ماه بعد همچنان زنده و ادامه‌دار نشان دهد.

۲. طرح ادعای فشار امنیتی بر خانواده‌های کشته‌شدگان دی‌ماه و دامنه وسیع‌تر برخورد با مخالفان

ایران اینترنت‌نشال در گزارشی اختصاصی مدعی افزایش فشارهای امنیتی بر خانواده‌های کشته‌شدگان آشوب‌های دی‌ماه از طریق افزایش احضارها، تهدید، بازجویی درباره انتشار تصاویر جان باختگان، حساسیت نسبت به هشتگ «جاوید نام» و حتی تهدید به دلیل لایک یا کامنت در شبکه‌های اجتماعی شده است. علاوه بر آن صدای آمریکا نیز با تعمیم این خطر رسانه‌ای به طیف گسترده‌تری از مخالفان همچون هنرمندان مواردی همچون بازداشت مجید سعیدی عکاس خبری، محکومیت حسین افراسیاب به حبس به دلیل نگهداری استارلینک، محرومیت مجتبی ازهدی از درمان خارج از زندان با وجود باقی ماندن ساچمه در صورت و نزدیکی چشم، محکومیت نرگس حیدری و انتقال ارسلان یزدانی به مکانی نامعلوم را به عنوان مصادیق تداوم فشار بر مخالفان برجسته کرده است.

۳. تکرار ادعاها درباره شکنجه‌های سخت همچون تهدید به تعرض جنسی

یکی از خطوط عملیات روانی رسانه‌های معاند در هفته‌های اخیر طرح اتهام اعمال شکنجه‌های سخت علیه متهمان محکوم به اعدام برای اعتراف‌گیری از آن‌ها همچون تهدید به تعرض جنسی بوده است. در ادامه همین خط رسانه‌ای آموزش‌شده توانا در پرونده پارسا جعفری از متهمان میدان شهدای اصفهان ادعا کرده مأموران او را با چشم‌بند به زیرزمینی برده، میان چند مرد برهنه‌رها کرده و تا زمانی که گفته «هرچه بخواهید می‌نویسم» او را خارج نکرده‌اند. ایران اینترنت‌نشال مدعی شده بازجویان ابوالفضل ساعدی (از متهمان اعدام شده) را پس از آنکه حاضر نشد تعلق تبر مورد اشاره در پرونده را بپذیرد، با همان تبر از ناحیه لگن مجروح کرده‌اند و هم‌زمان با خوراندن ترامادول، ضربه به سر و پا و تهدید به تجاوز جنسی، برای اعتراف‌گیری از او فشار وارد کرده‌اند.

۴. برجسته شدن نام علی زارعی و علیرضا سپاهی در میان متهمان محکوم به اعدام

در میان اخبار مرتبط با صدور حکم اعدام برای متهمان آشوب‌های اخیر، دو نام علیرضا سپاهی و علی زارعی بیش از دیگران در رسانه‌های معاند برجسته است. در پرونده علی زارعی، محوریت فضا سازی‌ها حول مجروحیت چشمی او در اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ و پیام صوتی از زندان مبنی بر بی‌گناهی و درخواست از نهادهای حقوق بشری برای ممانعت از اجرای حکم او است. در مورد علیرضا سپاهی اما تمرکز اصلی بر انتقال او از بند عمومی زندان دستگرد اصفهان به سلول انفرادی و القای احتمال اجرای قریب الوقوع حکم اعدام قرار دارد. دفتر رسانه‌ای رضا پهلوی نیز با ورود به این فضا سازی، انتقال زندانیان محکوم به اعدام به انفرادی و انتشار متناوب خبر احتمال اجرای حکم را «بازی روانی» برای کاهش حساسیت افکار عمومی توصیف کرده است.

۵. تقلیل اتهامات محکومان به اعدام آشوب‌های دی‌ماه

پرونده متهمان محکوم به اعدام میدان شهدای اصفهان همچنان یکی کانون‌های روایت‌سازی جریان ضدانقلاب است. آموزشکده توانا با استناد به متن ادعایی احکام این پرونده، تلاش کرده اتهام ساخت و پرتاب کوکتل مولوتوف را از حیث اثرگذاری و ماهیت ابزار مورد استفاده زیر سؤال ببرد. این رسانه با برجسته‌سازی عبارتی در حکم یکی از متهمان مبنی بر «مؤثر نبودن» روغن مایع در تهیه کوکتل مولوتوف و طرح این ادعا که مواد ساخته شده یا اساساً آتش نگرفته یا تنها چند ثانیه شعله‌ور شده‌اند، صدور حکم اعدام برای ۱۰ متهم را فاقد تناسب با ادله معرفی کرده و از این طریق در پی اعتبارزدایی از مبانی قضایی پرونده است.

ضرب‌گیری ادعاها از افزایش بگیر و ببندها در حوزه حجاب و بازگشت گشت ارشاد در تایم لاین جریان ضدانقلاب با تمرکز بر شهر اصفهان در آستانه سالگرد فوت مه‌سامینی و اغتشاشات ۱۴۰۱

رصد و مرور برخی رسانه‌های ضدانقلاب همچون ایران اینترنشنال و همچنین تایم لاین این جریان در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که مسئله برخورد با حجاب در برخی شهرها، به ویژه اصفهان، در حال وزن‌گیری است. این روند در شرایطی شکل گرفته که تصاویر و ویدئوهای برگزاری برخی تجمعات نیروهای مذهبی در اصفهان در حمایت از حجاب در نیمه‌های هفته گذشته نیز بازتاب گسترده‌ای در کانال‌های خبری پیدا کرده بود.

در همین رابطه ایران اینترنشنال و طیفی از کاربران معاند و ضدانقلاب مدعی شدند شامگاه چهارشنبه ۱۸ شهریور شمار زیادی از ماموران انتظامی و لباس شخصی در مناطقی چون مرداوینج، راویس و مجتمع پرواز حمله و یورش برده و تعدادی از جوانان را به دلیل نوع پوشش و حجاب بازداشت کرده‌اند. در این روایت‌ها همچنین ادعای تعطیلی برخی کافه‌ها، رستوران‌ها و مجموعه‌های ورزشی، انسداد معابر و کنترل خودروها مطرح شده است. علاوه بر آن برخی کاربران ضدانقلاب مدعی‌اند در روزهای اخیرون‌های گشت ارشاد در نقاطی اصفهان به وضوح بیشتر شده است. همزمان کانال تلگرامی «مملکت» خرده‌روایت‌هایی از مخاطبان خود درباره افزایش برخوردهای مرتبط با حجاب در اسلامشهر، قم، نیشابور و مشهد منتشر کرده و در برخی موارد سخن از تذکر به زنان در ایست‌های بازرسی بسیج آورده است.

صفحات و رسانه‌های ضدانقلاب اغلب این خرده‌روایت‌های ادعایی را در قالب انگاره‌ای از «بازگشت گسترده و سخت‌گیرانه گشت ارشاد» بازنمایی کرده‌اند و با کنار هم قراردادن خرده‌روایت‌ها از اصفهان و چند شهر دیگر، درصدد تعمیم رخدادهای پراکنده به یک روند سراسری در حوزه حجاب هستند. تاکید بر تعبیرهایی مانند «جو امنیتی»، «یورش»، «بگیر و ببند» و «ایجاد رعب» نیز در

همین چارچوب به کار رفته تا برخوردهای ادعایی رابه عنوان نشانه تشدید سیاست های حجابی ج.ا.ا صورت بندی کند.

انتشار و ضریب گیری این اخبار در آستانه سالگرد فوت مهسا امینی و اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱، از منظر رسانه ای واجدا اهمیت است؛ زیرا جریان ضدانقلاب سعی دارد موضوع حجاب را دوباره به یکی از محورهای اصلی روایت سازی اجتماعی تبدیل کند. انتشار همزمان روایت های ادعایی از چند شهر با تمرکز بر اصفهان می تواند تلاشی برای بازفعال سازی حافظه اعتراضی آن مقطع و ایجاد پیوند میان رخداد های روز و فضای اجتماعی شهریور ۱۴۰۱ باشد.

یادداشت حسین باستانی در بی بی سی فارسی با محوریت رد فرضیه «آتش به اختیار» بودن در ماجرای حمله کشتی هادر تنگه هرمز از سوی ایران در میانه اجرای تفاهم نامه و انتساب آن به سطوح بالاتر ساختار تصمیم گیری ج.ا.ا

بی بی سی فارسی در یادداشتی به قلم حسین باستانی با عنوان «آیا حمله به سه کشتی در جریان تشییع [آیت الله] علی خامنه ای آتش به اختیار بود؟» به گمانه زنی هادر باره مسئولیت حملات ۱۶ تیر ایران به سه کشتی در تنگه هرمز که باعث بالا گرفتن درگیری ها میان ایران و آمریکا و کنار رفتن تفاهم نامه میان دو کشور شد، پرداخته و تلاش کرده فرضیه اقدام خود سرانه نیروهای میدانی ج.ا.ا در این زمینه را رد کند.

باستانی با کنار هم قرار دادن فضای سیاسی داخل ایران پس از انعقاد و امضای تفاهم نامه ۱۴ ماده ای اسلام آباد، مواضع رهبر انقلاب در قبال تفاهم نامه و مواضع مخالفان آن در داخل کشور، هشدارهای پیشین سپاه به کشتی های عبوری از مسیر عمان و وضعیت سلسله مراتب فرماندهی، این حملات را اقدامی فراتر از تصمیم مستقل و یا خود سر و آتش به اختیار یگان های نظامی ایران می داند.

نویسنده برای تقویت این ارزیابی خود از یک سو تاکید دارد حمایت مسعود پزشکیان و محمد باقر قالیباف از ادامه آتش بس و تفاهم نامه، لزوماً بیانگر موضع نهایی ساختار قدرت نیست و از سوی دیگر با بازخوانی و مرور موضع منفی رهبر انقلاب درباره تفاهم نامه اسلام آباد با کلیدواژه «علی الاصول نظر دیگری داشتم» و پیام ایشان مبنی بر «لزوم خونخواهی امام شهید»، فشار نهاد های وابسته به رهبری از جمله صداوسیما و بسیج بابر حامیان مذاکره و هشدارهای موشکی و پهپادی سپاه ۴ تیر به بعد به کشتی های عبوری از نزدیکی عمان، فضای حاکم بر ایران را ضد تفاهم می داند.

این یادداشت در ادامه میان «آتش به اختیار» در شرایط اضطراری جنگ و حملات ۱۶ تیر به کشتی های مذکور تفکیک قائل می شود. باستانی با اشاره به اظهارات پیشین مقام های نظامی درباره اختیار

یگان‌ها در صورت شهادت فرماندهان یا قطع ارتباطات در آغاز جنگ، تاکید می‌کند در نیمه تیر چنین وضعیتی وجود نداشته و زنجیره فرماندهی و خطوط ارتباطی همچنان برقرار بوده است؛ از این رو هدف قرار دادن هم‌زمان سه کشتی بزرگ بدون اطلاع سطوح بالاتر را بعید می‌داند.

باستانی در بخش پایانی یادداشت خود این موضوع را به سابقه روایت «نیروهای خودسر» در ج.ا.ا. و دوران زعامت رهبر شهید پیوند می‌دهد و با اشاره به پرونده‌هایی چون قتل‌های زنجیره‌ای، وقایع کوی دانشگاه، حملات به سفارت انگلیس، تلاش می‌کند چنین القا کند که اقدامات پرهزینه امنیتی ممکن است ظاهراً به نیروهای خودجوش یا آتش به اختیار نسبت داده شوند، اما در چارچوب ساختارهای رسمی یا موازی قدرت در نظام قرار دارند.

جمع‌بندی یادداشت باستانی در واقع رد فرضیه خودسرانه بودن حملات ۱۶ تیر و القای نقش مناسبات پشت‌پرده نهادهای موازی در فرآیند تصمیم‌گیری ج.ا.ا. است. او در این زمینه ادعا می‌کند تا زمانی که رهبر جدید انقلاب از انظار عمومی پنهان است، می‌توان تصور کرد که مناسبات پشت‌پرده و روایت‌های مرتبط، کارکرد حتی مهم‌تری داشته باشند.

تقلیل رقابت ریاست خبرگان به بازآرایی موازنه درون قدرت و پیوند دادن آن با مسئله تثبیت یا تشکیک در جایگاه رهبری جدید انقلاب توسط رادیو زمانه

رادیو زمانه در گفت‌وگویی با حسن شریعتمداری، از فعالان سیاسی مخالف ج.ا.ا. در خارج کشور با طرح این ادعا که آیت‌الله موحدی کرمانی به دلیل ضعف جسمانی قصد کناره‌گیری از ریاست مجلس خبرگان را دارد، به موضوع رقابت و آینده ریاست این مجلس و نسبت آن با رهبر جدید انقلاب و آینده ج.ا.ا. می‌پردازد.

شریعتمداری گزینه‌های موجود برای ریاست خبرگان و رویکردها و نگرش‌های فکری و سیاسی آن‌ها را به صورت زیر صورت‌بندی کرد:

- ❖ احمد علم‌الهدی: نزدیک به سعید جلیلی، میرباقری و طیف مخالف مذاکره و چهره‌ای علنی در سرکوب فرهنگی، کنترل اجتماعی و برخورد با اعتراض
- ❖ علیرضا اعرافی: نزدیک به سپاه و هم‌زمان رئیس حوزه‌های علمیه
- ❖ صادق آملی‌لاریجانی: نزدیک به طیف میانی و متمایل به حفظ ارتباط با همه جناح‌ها
- ❖ محمد مهدی رجبی: از دیگر گزینه‌های ریاست

این گزینه‌سازی شریعتمداری و دسته‌بندی آن‌ها در شرایطی از سوی شریعتمداری مطرح شده که عدم حضور آملی‌لاریجانی در مجلس خبرگان رهبری، اعتبار دیدگاه‌ها و ادعاهای او را زیر سوال می‌برد. شریعتمداری در ادامه مدعی است اهمیت ریاست آینده مجلس خبرگان نه در اثرگذاری مستقیم بر زندگی مردم بلکه در امکان طرح یا مهار تردیدها در باره جایگاه رهبر جدید انقلاب است و تاکید

دارد مشروعیت عملکرد چهره‌هایی مانند قالیباف و پزشک‌یان به این فرض متکی است که آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای هم حضور دارد، هم توانایی اعمال رهبری را دارد و هم انتخاب او از مسیر قانونی انجام گرفته است. به ادعای شریعتمداری اگر در هر یک از این مؤلفه‌ها - از اصل حضور و توانایی اداره تا نحوه انتخاب و شائبه موروثی شدن رهبری - تشکیک جدی ایجاد شود، مبنای مشروعیت تصمیمات تیم حاکم نیز با چالش مواجه خواهد شد.

شریعتمداری در عین حال ادعا می‌کند که **تغییر ریاست مجلس خبرگان به خودی خود ماهیت قدرت را تغییر نمی‌دهد و صرفاً می‌تواند وزن جناح‌های درون نظام را جابه‌جا کند.** او در این چارچوب از طیف موافق مذاکره (قالیباف، پزشک‌یان و عراقچی)، طیف مخالف مذاکره (با محوریت جلیلی) و طیف میانی (با چهره‌هایی مانند محسن رضایی) نام می‌برد و **تغییر هیئت رئیسه خبرگان** را بی‌ارتباط با باز شدن مسیر رفراندوم یا تغییر بنیادین قانون اساسی می‌داند و مدعی است خبرگان در وضعیت فعلی، دیگر نقش ناظر بر رهبری ندارد و عملاً به کارگزار تثبیت جانشینی تبدیل شده و بدون توافق سپاه و بخش‌هایی از روحانیت ذی نفوذ قادر به تعیین تکلیف رهبری نیست.

بررسی و ارزیابی روندهای اقتصادی و معیشتی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ بازنمایی صعود بورس به عنوان انتقال نقدینگی به سمت دارایی‌های پوشش دهنده تورم و افزایش نقش بازار سرمایه در مدیریت انتظارات ارزی و تورمی
- ❖ برجسته‌سازی رشد شاخص‌های بورس در کنار دلار ۲۳۰ هزار تومانی، طلا و ابزارهای مالی جدید برای القای حرکت سرمایه‌ها به سمت دارایی‌های مقاوم در برابر کاهش ارزش پول
- ❖ تشکیک در اثرگذاری واقعی رونق بورس با تمرکز بر شکاف میان رشد اسمی ارزش شرکت‌ها و تداوم مشکلات تولید، تحریم، قطعی برق و افزایش هزینه مواد اولیه
- ❖ بازنمایی بازار سرمایه به عنوان زیرساخت رسمی پوشش ریسک ارز و تورم با تمرکز بر صندوق‌های ارزی و اوراق سلف سکه به عنوان ابزارهای جذب نقدینگی
- ❖ پررنگ‌سازی اثر دومینویی افزایش قیمت بنزین ۱۰ هزار تومانی با پیوند دادن سوخت، حمل و نقل، مخابرات، خدمات بانکی و سایر هزینه‌های روزمره خانوار
- ❖ ادراک‌سازی از گسترش فشار معیشتی ناشی از افزایش همزمان قیمت‌های اداری و خدماتی با تمرکز بر واکنش رانندگان تاکسی‌های اینترنتی و افزایش هزینه فعالیت اقتصادی
- ❖ بازنمایی تنگه هرمز به عنوان نقطه اتصال جنگ، بازار انرژی و اقتصاد ایران با تمرکز بر کاهش تردد کشتی‌ها، افزایش هزینه بیمه و اختلال در صادرات نفت
- ❖ برجسته‌سازی افزایش قیمت جهانی نفت بدون تبدیل مستقیم آن به درآمد بیشتر ایران با تأکید بر کاهش تولید نفت، محدودیت صادرات و افزایش نقش رقبا در بازار انرژی
- ❖ اعتباربخشی به روایت افزایش هزینه حمل دریایی ایران با تمرکز بر رشد انتقال کشتی به کشتی، تغییر مسیرهای امن تر و تلاش برای کاهش هزینه‌های تجارت نفتی
- ❖ القای گسترش فشار معیشتی از خوراک و دارو به آموزش و حمل و نقل با تمرکز بر اقلام غیرقابل حذف در سبد هزینه خانوار
- ❖ بازنمایی افزایش هزینه دارو به عنوان پیامد همزمان رشد هزینه حمل، مواد اولیه و محدودیت‌های اقتصادی با تمرکز بر روایت‌های شهروندی درباره قیمت دارو
- ❖ برجسته‌سازی افزایش هزینه آموزش و لوازم التحریر در آستانه سال تحصیلی برای نشان دادن انتقال فشار تورمی به هزینه‌های ضروری خانواده‌ها
- ❖ ادراک‌سازی از انتقال بحران انرژی به بخش تولید با تمرکز بر تداوم محدودیت برق صنایع و بازگشت ناقص ظرفیت پتروشیمی عسلویه
- ❖ تشکیک در رفع ناترازی برق با مقایسه اعلام رسمی کاهش کسری انرژی و استمرار خاموشی خانوارها

و محدودیت فعالیت صنایع

- ❖ **بازنمایی فشار تحریم‌ها به عنوان تمرکز بر شبکه مالی، حمل و نقل و تسویه تجارت خارجی به جای محدود شدن صرف به صادرات نفت**
- ❖ **برجسته سازی تهدید تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه شرکای تجاری ایران با تمرکز بر بانک‌ها، شرکت‌های هواپیمایی و واسطه‌های خارجی**
- ❖ **بازنمایی تلاش ایران برای ایجاد مسیرهای جایگزین مالی و تجاری با تمرکز بر انعطاف ارزی، کاهش هزینه حمل و سازوکارهای غیرغربی بیمه و تأمین مالی**
- ❖ **ادراک سازی از انتقال فشار اقتصاد کلان به بازار کار با تمرکز بر رانندگان پلتفرمی، اشتغال زنان و آسیب پذیری واحدهای صنعتی**
- ❖ **برجسته سازی کاهش درآمد حقیقی شاغلان و افزایش هزینه حفظ شغل با تمرکز بر تجربه رانندگان اسنپ و مشکلات بنگاه‌هایی مانند تولی پرس**
- ❖ **تشکیک در مهارت تورم با تمرکز بر همزمانی آزادسازی برخی قیمت‌ها، افزایش تعرفه‌ها و مداخلات دولت در بازار کالا و خدمات**
- ❖ **آینده هراسی از شکل گیری چرخه همزمان شوک‌های ارزی، انرژی، تجاری و معیشتی و تبدیل شدن آنها به یک روایت واحد از فشار اقتصادی فراگیر**
- ❖ **برجسته سازی بازگشت هزینه جنگ ایران به اقتصاد آمریکا با تمرکز بر رکورد قیمت گازوئیل، افزایش هزینه حمل و نقل و فشار بر مصرف کنندگان آمریکایی**
- ❖ **بازنمایی آسیب پذیری مسیرهای جایگزین انرژی با تمرکز بر اختلال خطوط انتقال نفت، دریای سرخ و تداوم نا اطمینانی در بازار جهانی انرژی**
- ❖ **اعتبار بخشی به هشدارهای تورمی در آمریکا با استفاده از اظهارات مدیران شرکت‌های غذایی و انتقال افزایش هزینه انرژی به قیمت کالاها**
- ❖ **برجسته سازی محدودیت توان دولت آمریکا برای مهار قیمت سوخت با تمرکز بر بررسی استفاده از قانون تولید دفاعی، ظرفیت محدود پالایش و فاصله زمانی سرمایه گذاری صنعتی با نیازهای انتخاباتی**

رصد و تحلیل

بازنمایی صعود بورس به عنوان جابه جایی نقدینگی به سمت دارایی‌های پوشش دهنده

تورم

بازار سرمایه در یک هفته معاملاتی گذشته شاهد یکی از پرشتاب‌ترین دوره‌های رشد خود بوده است. شاخص کل با ۱۰.۷۲ درصد رشد به محدوده ۷ میلیون و ۱۲۲ هزار واحد رسیده و شاخص

هم وزن نیز نزدیک ۹ درصد افزایش یافته است.

❖ در نگاه نخست، رشد همزمان شاخص کل و هم وزن از افزایش دامنه تقاضا در بخش گسترده ای از بازار حکایت دارد؛ با این حال قرار دادن این رشد در کنار دلار بیش از ۲۳۰ هزار تومانی، افزایش قیمت طلا و ورود ابزارهای ارزی جدید، تصویر متفاوتی ایجاد می کند.

بخشی از تقاضای بازار را می توان حاصل **بازار محور شدن انتظارات تورمی** دانست. شرکت های صادراتی و دارایی محور در محیط افزایش نرخ ارز از رشد ارزش اسمی دارایی ها و درآمدهای ریالی منتفع می شوند. صنایع پتروشیمی و فولادی نیز به همین دلیل در کانون توجه قرار گرفته اند، هرچند ناترازی انرژی و افزایش هزینه تولید مانع از آن است که افزایش نرخ ارز به طور کامل به رشد سود واقعی تبدیل شود.

❖ در همین فضای معاملاتی، دولت و نهادهای مالی نیز ابزارهای جدیدی برای جذب نقدینگی معرفی کرده اند. صندوق های ارزی قرار است امکان سرمایه گذاری با اصل و بازده ارزی را فراهم کنند و اوراق سلف سکه نیز بخشی از تقاضای طلا را از بازار فیزیکی به ابزار مالی منتقل کرده است. از این منظر، **بازار سرمایه** اکنون فقط محل معامله سهام نیست؛ به تدریج به **زیر ساخت رسمی پوشش ریسک ارز و تورم** تبدیل شده است.

❖ نکته مهم آن است که رشد فعلی بورس الزاماً معادل بهبود متناسب متغیرهای واقعی اقتصاد نیست. رشد قیمت دارایی می تواند در محیطی رخ دهد که تولید با قطعی برق، محدودیت یوتیلیتی، تحریم یا افزایش هزینه مواد اولیه روبه روست. بنابراین شکاف میان «**رشد اسمی ارزش شرکت ها**» و «**رشد واقعی تولید**» یکی از مؤلفه های مهم برای فهم رفتار فعلی بازار است.

پررنگ سازی اثر دومینویی افزایش قیمت ها متاثر از بنزین ۱۰ هزار تومانی

افزایش نرخ سوم بنزین به ۱۰ هزار تومان در فضای رسانه ای تنها به عنوان تغییر قیمت یک حامل انرژی بازتاب پیدا نکرده، بلکه در کنار افزایش تعرفه مخابرات، کارمزدهای بانکی و هزینه های حمل و نقل، در قالب یک موج همزمان افزایش قیمت خدمات مورد توجه قرار گرفته است.

مهم ترین مصداق اجتماعی این روند، واکنش رانندگان تاکسی های اینترنتی بوده است. در محتوای رصد شده از صفحات مجازی، رانندگان اسنپ پایین بودن کرایه، افزایش هزینه لاستیک و قطعات و تغییر سهمیه بنزین را به یکدیگر پیوند زده اند. در ادامه نیز اسنپ اعلام کرد به صورت علی الحساب ۲۵۰۰ تومان به ازای هر سفر به رانندگان پرداخت خواهد کرد؛ اقدامی که خود نشان می دهد تغییر هزینه سوخت به سرعت وارد محاسبات اقتصادی پلتفرم های حمل و نقل شده است.

همزمان شرکت مخابرات در اطلاعیه کدال از افزایش ۴۵ درصدی برخی تعرفه‌های ارتباطی از ۲۰ شهریور خبر داده است. سقف تعرفه تماس تلفن ثابت با تلفن همراه نیز از ۶۲۵ به ۹۰۶ ریال افزایش یافته است. بانک مرکزی نیز از بازنگری و افزایش کارمزد برخی خدمات بانکی خبر داده است.

❖ نکته مهم این تحولات، هم‌زمانی آنهاست. وزن مستقیم هر کدام از این اقلام در شاخص قیمت مصرف‌کننده متفاوت است و دولت نیز تأکید دارد بخش عمده مصرف‌کنندگان بنزین همچنان از نرخ‌های سهمیه‌ای استفاده می‌کنند؛ با این حال افکار عمومی قیمت‌ها را الزاماً مطابق وزن آماری آنها در سبد تورم ارزیابی نمی‌کند.

زمانی که در یک بازه کوتاه بنزین، تماس تلفنی، خدمات بانکی، حمل‌ونقل و برخی کالاهای وابسته به خودرو افزایش قیمت پیدا کنند، تورم ادراکی می‌تواند سریع‌تر از تورم محاسباتی افزایش پیدا کند. از همین رو بخش مهمی از فضای رسانه‌ای پیرامون بنزین بر «اثر دومینویی» متمرکز شده است. ویدئوی وایرال شده از روایت راننده‌ای که افزایش قیمت بنزین را به توقف قیمت‌گذاری لاستیک پیوند می‌دهد، نمونه مشخص همین خط است؛ روایتی که تلاش می‌کند نشان دهد افزایش یک نرخ اداری، پیش از آنکه اثر واقعی هزینه‌ای آن محاسبه شود، به سیگنال افزایش قیمت برای سایر بازارها تبدیل شده است.

بازنمایی تنگه هرمز به عنوان گلوگاه انتقال جنگ از میدان نظامی به درآمد نفتی و اقتصاد ایران

تنگه هرمز در مرحله کنونی جنگ دیگر صرفاً یک آبراه راهبردی یا موضوع نظامی نیست، بلکه به مهم‌ترین حلقه اتصال جنگ با اقتصاد ایران و بازار جهانی انرژی تبدیل شده است. مجموعه داده‌های رویترز، صندوق بین‌المللی پول، تانکر ترکرز، فایننشال تایمز و گزارش‌های بازار نفت نشان می‌دهد کاهش تردد کشتی‌ها، افزایش قیمت نفت و تغییر مسیرهای انتقال انرژی به‌طور همزمان در حال بازطراحی اقتصاد جنگ هستند.

در برخی روزها تعداد کشتی‌های ثبت‌شده در حال عبور از هرمز به حدود ۷ فروند کاهش یافته، در حالی که میانگین ده‌روزه بالاتر بوده است. صندوق بین‌المللی پول نیز در برآوردی گسترده‌تر اعلام کرده ترافیک آبراه به حدود ۱۰ درصد سطح پیش از جنگ سقوط کرده است. البته رویترز تأکید کرده بخشی از کشتی‌ها سامانه شناسایی خودکار خود را خاموش می‌کنند و بنابراین تمامی تردد‌ها در آمار قابل مشاهده نیست.

بازار نفت بلافاصله این ریسک را قیمت‌گذاری کرده است. برنت ابتدا از مرز ۱۰۰ دلار عبور کرد و در قیمت‌گذاری‌های بعدی تا نزدیکی ۱۱۰ دلار در هر بشکه پیش رفت. همزمان قیمت گازوئیل آمریکا نیز از ۶ دلار در هر گالن عبور کرده است. این اعداد نشان می‌دهد اختلال هرمز دیگر تنها هزینه

کشورهای خلیج فارس نیست و از مسیر قیمت فرآورده به مصرف کننده آمریکایی نیز منتقل شده است.

با این حال، ذیل این مهم یک تناقض مهم شکل گرفته است: افزایش قیمت نفت لزوماً به معنای افزایش درآمد نفتی نیست. گزارش ماهانه اوپک، تولید نفت ایران را در ماه اوت حدود ۲ میلیون و ۸۶ هزار بشکه در روز اعلام کرده؛ رقمی که حدود ۳۹۹ هزار بشکه کمتر از ماه قبل و حدود ۱۰۲ میلیون بشکه پایین تر از سطح پیش از جنگ عنوان شده است. در مقابل عراق تولید خود را حدود ۶۶۴ هزار بشکه افزایش داده و به ۳۰۳۷۸ میلیون بشکه در روز رسانده و امارات نیز عرضه خود را افزایش داده است.

به این ترتیب، بخشی از کمبود ناشی از افت تولید ایران توسط رقبای منطقه ای جبران می شود. نتیجه آن است که ایران در حالی از افزایش قیمت جهانی نفت منتفع بالقوه است که همزمان با محدودیت حجم تولید، صادرات، بیمه و حمل دریایی مواجه شده است. نشانه دیگر سازگاری بازار با اختلال هرمز، جهش انتقال کشتی به کشتی در خلیج عمان است. تاکنون تمرکز حجم این عملیات را طی ۱۴ روز حدود ۷۰۱۵ میلیون بشکه در روز اعلام کرده که نسبت به ماه قبل ۵۶ درصد افزایش نشان می دهد. فایننشال تایمز نیز از تلاش برای استفاده از مسیرهای امن تر در بخش عمانی آبراه و ارزیابی وضعیت مین ها گزارش داده است.

همزمان دولت نیز در همین چارچوب دریافت ۱۰ درصد از کرایه حمل مایعات نفتی و گازی توسط ناوگان غیرایرانی را متوقف کرده است. این تصمیم را می توان نشانه ای از افزایش اهمیت جذب کشتی خارجی در فضایی دانست که هزینه ریسک، بیمه و حمل به شدت افزایش یافته است.

بنابراین مسئله اصلی دیگر صرفاً «بسته بودن یا نبودن هرمز» نیست؛ بلکه چهار متغیر به طور همزمان اهمیت یافته اند:

- ❖ حجم عبور
 - ❖ هزینه بیمه
 - ❖ ظرفیت صادرات ایران
 - ❖ توان رقبا برای پر کردن جای خالی عرضه ایران
- کارشناسان معتقدند؛ هر اندازه جنگ طولانی تر شود، اهمیت سه متغیر دوم از قیمت اسمی نفت بیشتر خواهد شد.

القای گسترش فشار معیشتی از خوراک و درمان به آموزش و حمل و نقل با تمرکز بر هزینه های غیر قابل تعویق خانوار

رصد گزارش های اقتصادی و روایت های شهروندی نشان می دهد محور فشار معیشتی در حال گسترش از کالاهای خوراکی به حوزه هایی است که خانوار امکان حذف یا تعویق آنها را کمتر دارد. دارو، آموزش، مسکن و حمل و نقل در این میان از اهمیت بیشتری برخوردارند و همین موضوع باعث شده رسانه های مختلف این اقلام را در کنار یکدیگر به عنوان نشانه کوچک شدن قدرت خرید بازنمایی کنند.

دارو؛ فشار از دو سمت ارز و حمل

❖ گزارش های حوزه سلامت از افزایش شدید هزینه واردات مواد اولیه دارویی خبر می دهند. هزینه حمل برخی محموله ها از شرق آسیا تا ۸ برابر و از مسیر آسیای میانه تا ۱۱ برابر افزایش یافته و هزینه های جانبی نیز بنا بر گزارش ها حدود ۲۰ درصد به بهای تمام شده مواد اولیه افزوده است.

❖ در کنار این داده های فنی، ایران اینترنشنال مجموعه ای از روایت های شهروندی منتشر کرده است. در یکی از آنها هزینه شش سرنگ انسولین از ۹۰ هزار تومان در سال قبل به ۳.۵ میلیون تومان رسیده و در نمونه دیگری مزالازین از ۹۰ هزار به ۱.۸ میلیون تومان افزایش یافته است. این اعداد آمار رسمی بازار دارو نیستند، اما از منظر رسانه ای به عنوان مصداق فشار بر بیماران بازنمایی می شوند.

آموزش؛ تورم در نقطه آغاز سال تحصیلی

❖ همزمان گزارش های بازار لوازم التحریر از افزایش ۵۰ تا ۲۰۰ درصدی برخی اقلام و رشد بسیار شدید قیمت کاغذ حکایت دارد. در یکی از روایت های منتشر شده توسط کاربران فضای مجازی، خرید سه خودکار و چهار دفتر حدود ۹۵ هزار تومان هزینه داشته است. روایت دیگری نیز از افزایش قیمت مجموعه کتاب های کمک آموزشی از ۹ به ۱۳ میلیون تومان در فاصله یک ماه سخن می گوید.

خوراک؛ انتقال ارز به سفره

❖ اقتصاد ۲۴ و فعالان حوزه دام نیز از رشد حدود ۳۰ درصدی قیمت برخی گوشت های وارداتی خبر داده اند. انتقال تأمین ارز برخی واردات به نرخ های بالاتر، در کنار هزینه حمل و بیمه، سبب شده نقش ارز در قیمت کالاهای اساسی پررنگ تر شود.

حمل و نقل و لوازم خودرو

❖ بازار لوازم یدکی نیز با گزارش هایی از افزایش حدود ۳۰ درصدی قیمت برخی قطعات و کوتاه شدن اعتبار پیش فاکتورها مواجه شده است. اتصال این بازار به بنزین ۱۰ هزار تومانی در روایت رانندگان تاکسی اینترنتی، فشار هزینه ای حمل و نقل را به بخشی از روایت عمومی گرانی تبدیل کرده است.

برآیند این روند هم افزایش رسانه‌ای، تصویری از تورم چند لایه ارائه می‌کند؛ تورمی که صرفاً در سفره خوراکی دیده نمی‌شود و به درمان، آموزش و جابه‌جایی نیز سرایت کرده است. اهمیت این حوزه‌ها در آن است که خانوار برخلاف برخی خریدهای مصرفی، امکان حذف کامل دارو، مدرسه یا رفت و آمد را ندارد و در نتیجه افزایش قیمت آنها مستقیماً به فشردن شدن سایر اجزای بودجه خانوار منجر می‌شود.

بازنمایی صعود بورس به عنوان جابه‌جایی نقدینگی به سمت دارایی‌های پوشش دهنده تورم

بازار سرمایه در یک هفته معاملاتی شاهد یکی از پرشتاب‌ترین دوره‌های رشد خود بوده است. شاخص کل با ۱۰.۷۲ درصد رشد به محدوده ۷ میلیون و ۱۲۲ هزار واحد رسیده و شاخص هم‌وزن نیز نزدیک ۹ درصد افزایش یافته است.

در نگاه نخست، رشد هم‌زمان شاخص کل و هم‌وزن از افزایش دامنه تقاضا در بخش گسترده‌ای از بازار حکایت دارد؛ با این حال قرار دادن این رشد در کنار دلار بیش از ۲۳ هزار تومانی، افزایش قیمت طلا و ورود ابزارهای ارزی جدید، تصویر متفاوتی ایجاد می‌کند.

بخشی از تقاضای بازار را می‌توان حاصل بازار محور شدن انتظارات تورمی دانست. شرکت‌های صادراتی و دارایی محور در محیط افزایش نرخ ارز از رشد ارزش اسمی دارایی‌ها و درآمدهای ریالی منتفع می‌شوند. صنایع پتروشیمی و فولادی نیز به همین دلیل در کانون توجه قرار گرفته‌اند، هرچند ناترازی انرژی و افزایش هزینه تولید مانع از آن است که افزایش نرخ ارز به طور کامل به رشد سود واقعی تبدیل شود.

در همین فضای معاملاتی، دولت و نهادهای مالی نیز ابزارهای جدیدی برای جذب نقدینگی معرفی کرده‌اند. صندوق‌های ارزی قرار است امکان سرمایه‌گذاری با اصل و بازده ارزی را فراهم کنند و اوراق سلف سکه نیز بخشی از تقاضای طلا را از بازار فیزیکی به ابزار مالی منتقل کرده است. از این منظر، بازار سرمایه اکنون فقط محل معامله سهام نیست؛ به تدریج به زیرساخت رسمی پوشش ریسک ارز و تورم تبدیل شده است.

نکته مهم آن است که رشد فعلی بورس الزاماً معادل بهبود متناسب متغیرهای واقعی اقتصاد نیست. رشد قیمت دارایی می‌تواند در محیطی رخ دهد که تولید با قطعی برق، محدودیت یوتیلیتی، تحریم یا افزایش هزینه مواد اولیه روبه‌روست. بنابراین شکاف میان «رشد اسمی ارزش شرکت‌ها» و «رشد واقعی تولید» یکی از مؤلفه‌های مهم برای فهم رفتار فعلی بازار است.

تشکیک در رفع ناترازی برق با تداوم محدودیت صنایع و بازگشت ناقص ظرفیت پتروشیمی عسلویه

دو تصویر متفاوت از وضعیت انرژی کشور در رسانه‌ها شکل گرفته است. از یک سو وزیر نیرو اعلام کرده ۲۰ هزار مگاوات از ناترازی برق برطرف شده و شبکه در وضعیت مطلوب قرار دارد؛ از سوی دیگر گزارش‌های خبرگزاری فارس و فعالان صنعتی از ادامه قطعی برق خانوارها و افزایش مجدد محدودیت صنایع حکایت دارد.

این دوگانگی زمانی اهمیت بیشتری پیدامی‌کند که مسئله برق از سطح مصرف‌خانگی به تولید صنعتی منتقل شود. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، در حالی که کاهش دما مصرف برق را پایین آورده، برخی خانوارها همچنان خاموشی تا دو ساعت را تجربه می‌کنند. دبیرکل خانه صنعت و معدن نیز گفته محدودیت برق صنایع که قرار بود به یک روز در هفته کاهش یابد، مجدداً افزایش پیدا کرده است.

در بخش پتروشیمی نیز وضعیت مشابهی دیده می‌شود. شرکت مبین انرژی خلیج فارس در اطلاعیه کدال اعلام کرده ظرفیت عملیاتی پس از آسیب‌های جنگی از حدود ۱۶ درصد در اردیبهشت به ۵۰ درصد در خرداد و ۶۰ درصد در تیر و مرداد افزایش یافته است.

این افزایش، نشانه بازیابی بخشی از ظرفیت است؛ اما عدد ۶۰ درصد همزمان نشان می‌دهد مجموعه یوتیلیتی عسلویه هنوز به شرایط عادی بازنگشته است. از آنجا که مبین تأمین‌کننده آب، برق، بخار و برخی خدمات حیاتی مجتمع‌های پتروشیمی است، هر محدودیت در آن می‌تواند به صورت زنجیره‌ای تولید چند شرکت را تحت تأثیر قرار دهد.

در کنار این مسئله، افزایش قیمت نفت و نرخ ارز نیز قیمت خوراک و مواد پایه را تحت فشار قرار داده و ویکی پلاست از اثر این دو متغیر بر بازار محصولات پتروشیمی گزارش داده است. از منظر بنگاه، در نتیجه سه فشار همزمان شکل گرفته است:

❖ فشار اول: افزایش قیمت مواد اولیه و ارز

❖ فشار دوم: دسترسی ناپایدار به برق و یوتیلیتی

❖ فشار سوم: افزایش هزینه حمل و تجارت در شرایط جنگ

در چنین شرایطی رشد نرخ فروش لزوماً معادل رشد حاشیه سود نیست؛ زیرا بخشی از افزایش درآمد اسمی توسط افت حجم تولید و رشد هزینه‌های عملیاتی خنثی می‌شود. خط اصلی منازعه رسانه‌ای نیز دقیقاً بر همین تناقض قرار گرفته است: اعلام رفع ناترازی در سطح سیاستی در برابر استمرار نشانه‌های ناترازی در سطح بنگاه و خانوار.

برجسته‌سازی افزایش فشار تحریمی بر کانال‌های مالی ایران همزمان با فعال شدن مسیرهای جایگزین تجارت و تأمین ارز

فشار خارجی بر اقتصاد ایران در رصدهای صورت گرفته اخیر نشان دهنده آن است که این فشارهای اقتصادی؛ بیش از آنکه صرفاً به کاهش صادرات نفت محدود باشد، بر شبکه تسویه مالی و کانال‌های تجارت خارجی متمرکز شده است. اعلام برنامه آمریکا برای تحریم یک بانک بزرگ ایرانی، تحریم مجموعه‌ای از افراد و نهادهای مرتبط با شبکه‌های مالی و همزمان تأکید وزیر دارایی ترکیه بر ضرورت رعایت تحریم‌های مرتبط با ایران، نشانه‌های اصلی این مرحله هستند.

اظهارات محمد شیمشک، وزیر دارایی ترکیه، از این جهت اهمیت دارد که ترکیه یکی از مسیرهای مهم تجارت، ترانزیت و نقل و انتقال مالی ایران محسوب می‌شود. تشدید اجرای مقررات از سوی بانک‌ها و شرکت‌های ترک می‌تواند هزینه استفاده از این مسیر را افزایش دهد، حتی اگر حجم رسمی تجارت دو کشور در کوتاه‌مدت تغییر محسوسی نکند.

در داخل، مجموعه تصمیم‌های اقتصادی رامی‌توان واکنش به همین فشار دانست. بانک مرکزی سازوکار رفع تعهد ارزی صادرکنندگان را منقطع‌تر کرده و امکان فروش اسکناس در مرکز مبادله یا فروش حواله بانرخ تعیین شده را توسعه داده است. چنین تغییری می‌تواند انگیزه صادرکننده برای بازگرداندن ارز را افزایش دهد و بخشی از شکاف میان سیاست ارزی و واقعیت تجارت را کاهش دهد. در حوزه حمل نیز دولت دریافت ۱۰ درصد از کرایه حمل مایعات نفتی و گازی توسط ناوگان غیرایرانی را متوقف کرده است. در شرایطی که جنگ، بیمه و ریسک کشتیرانی هزینه حمل به مقصد ایران را افزایش داده، حذف این هزینه رامی‌توان تلاشی برای جلوگیری از افزایش بیشتر «صرف ریسک ایران» در حمل دریایی دانست.

در سطح بین‌المللی نیز پزشک‌های پیشنهاد ایجاد صندوق بیمه ۱۰ میلیارد دلاری بریکس برای حمایت از پروژه‌های بزرگ زیرساختی و انرژی را مطرح کرده است. این ایده در صورت شکل‌گیری، از جنس سازوکارهای جایگزین برای بیمه و تأمین مالی پروژه‌هایی است که دسترسی آنها به ساختارهای غربی محدود شده است.

در نتیجه سه سطح واکنش قابل مشاهده است:

- ❖ انعطاف بیشتر در بازگشت ارز صادراتی
- ❖ کاهش هزینه‌های داخلی تجارت دریایی
- ❖ تلاش برای ایجاد ساختارهای مالی و بیمه‌ای غیرغربی

این تحولات نشان می‌دهد نقطه اصلی آسیب‌پذیری تجارت ایران صرفاً دسترسی به کالا نیست؛ بلکه تسویه پول، بیمه، حمل و بازگشت ارز به اجزای به هم پیوسته یک مسئله تبدیل شده‌اند

ادراک سازی از انتقال فشار اقتصاد کلان به بازار کار با تمرکز بر رانندگان پلتفرمی، اشتغال زنان و واحدهای صنعتی

مجموعه اخبار بازار کار نشان می دهد اثر تورم و جنگ فقط در سطح شاخص قیمت باقی نمانده و به کیفیت اشتغال، درآمد حقیقی و بقای برخی مشاغل منتقل شده است.

❖ یکی از برجسته ترین مصادیق، اعتراض رانندگان اسنپ است. رانندگان همزمان از پایین بودن کرایه، افزایش هزینه نگهداری خودرو و تغییر قیمت و سهمیه بنزین انتقاد کرده اند. پاسخ اسنپ با پرداخت علی الحساب ۲۵۰۰ تومان برای هر سفر نشان می دهد افزایش هزینه فعالیت وارد محاسبات اقتصادی پلتفرم شده، اما مسئله اصلی یعنی فاصله میان درآمد اسمی راننده و هزینه واقعی خودرو همچنان پابرجاست.

در سوی دیگر بازار کار، آمار منتشر شده درباره زنان تصویر متفاوتی ارائه می کند. نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۱۳.۴ درصد در برابر حدود ۶۷.۹ درصد مردان گزارش شده و نرخ بیکاری زنان نیز حدود ۱۵ درصد عنوان شده است. بیش از ۶۰ درصد اشتغال زنان در بخش خدمات متمرکز است؛ بخشی که در شرایط جنگ، کاهش مصرف و رکود می تواند آسیب پذیری بالاتری داشته باشد.

❖ همزمان پرونده تولی پرس نمونه ای از فشار بر اشتغال صنعتی است. گزارش ها از بدهی حدود ۷۰ میلیارد تومانی این شرکت به تأمین اجتماعی، باقی ماندن حدود ۱۰۰ نیروی کار و عرضه بخشی از خطوط تولید در مزایده حکایت دارد.

در کنار این سه پرونده، افزایش هزینه تحصیل نیز اثر غیر مستقیم بر بازار کار خانوار دارد. زمانی که هزینه لوازم التحریر، کتاب و خدمات آموزشی افزایش می یابد، فشار برای افزایش درآمد خانوار یا ورود اعضای بیشتری به بازار کار تشدید می شود.

در نتیجه، خط مشترک این اخبار را می توان در سه عبارت خلاصه کرد:

الف) کاهش درآمد حقیقی شاغلان

ب) افزایش هزینه حفظ شغل

ج) افزایش آسیب پذیری گروه های کم قدرت بازار کار

بازتاب گسترده این مصادیق در رسانه های منتقد و شبکه های اجتماعی معاند نیز به تدریج موضوع تورم را از بحث «قیمت» به مسئله «توان ادامه دادن شغل و زندگی» منتقل کرده است.

تشکیک در مهار تورم با همزمانی آزاد سازی نسبی قیمت ها و مداخله دولت در بازار کالا و خدمات

تحولات روزهای اخیر ترکیبی متناقض از آزاد سازی قیمت و مداخله قیمتی را نشان می دهد.

❖ در بازار گوشت وارداتی، گزارش هایی از انتقال تأمین ارز به نرخ های بالاتر و افزایش حدود ۳ درصدی قیمت منتشر شده است. همزمان دولت و نهادهای تنظیم بازار برای کنترل قیمت وارد عمل شده اند.

❶ در خدمات ارتباطاتی نیز افزایش ۴۵ درصدی تعرفه‌ها با مجوز رسمی انجام شده و بانک مرکزی کارمزد خدمات بانکی را بازنگری کرده است.

❷ در بازار خودرو، میانگین ارزش خودروهای وارداتی در سال ۱۴۰۴ حدود ۲۳ هزار دلار گزارش شده؛ در حالی که این عدد در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۹ هزار دلار بود. افزایش ارزش متوسط واردات نشان می‌دهد ترکیب خودروهای وارداتی نسبت به دوره آغاز آزادسازی از مدل‌های ارزان قیمت فاصله گرفته است.

❸ همزمان دولت درباره بنزین تأکید دارد افزایش نرخ سوم نباید اثر قابل توجهی بر قیمت کالاهای اساسی داشته باشد؛ زیرا بخش اصلی حمل این کالاهای ناوگان گازوئیلی انجام می‌شود و سهم بزرگی از مردم نیز همچنان در محدوده سهمیه‌های قبلی قرار دارند.

با این حال منطق بازار صرفاً از «هزینه مستقیم بنزین» تبعیت نمی‌کند. قیمت ارز، حمل دریایی، بیمه، قطعات، نرخ تأمین مالی و انتظارات فروشنده نیز در قیمت نهایی نقش دارند.

از این رو، مسئله اصلی سیاست قیمت‌گذاری در شرایط فعلی نه انتخاب میان «دستور» و «بازار» به تنهایی، بلکه همزمانی چند سیگنال قیمتی متفاوت است؛ وضعیتی که در آن برخی نرخ‌ها توسط دولت افزایش می‌یابد، برخی آزادتر می‌شود و برخی دیگر همچنان موضوع کنترل و نظارت قرار می‌گیرد. نتیجه این ناهمگونی، افزایش دشواری تشخیص قیمت تعادلی برای تولیدکننده، واردکننده و مصرف‌کننده است.

آینده‌هراسی از شکل‌گیری چرخه همزمان شوک‌های ارزی، انرژی، تجاری و معیشتی در اقتصاد ایران

تصویر کلی گزارش‌های اقتصادی روزهای اخیر بیش از آنکه از شکل‌گیری یک «بحران منفرد» حکایت داشته باشد، نشان‌دهنده هم‌زمانی چند شوک باکانال‌های انتقال مشترک است. نرخ ارز، جنگ انرژی، محدودیت حمل و نقل، تحریم مالی، برق، دارو و کالاهای اساسی هر کدام به تنهایی موضوع قابل مدیریت مستقلی هستند؛ اما قرار گرفتن آنها در کنار یکدیگر می‌تواند آثار هر شوک را تقویت کند.

لایه اول؛ شوک بازار دارایی

❶ دلار در محدوده ۲۳۵ هزار تومان قرار گرفته و فاصله آن با نرخ رسمی به ده‌ها هزار تومان رسیده است. همزمان طلا و سکه رشد کرده‌اند و بورس نیز در یک هفته بیش از ۱۰ درصد افزایش یافته است. این رفتار مشترک نشان می‌دهد بخشی از صاحبان نقدینگی به دنبال انتقال پول از وجه نقد به دارایی‌هایی هستند که بتوانند در برابر تورم و کاهش ارزش پول پوشش ایجاد کنند.

لایه دوم؛ شوک تجارت و انرژی

❖ قیمت نفت از ۱۰۰ دلار عبور کرده و تا نزدیکی ۱۱۰ دلار پیش رفته، اما همزمان تولید نفت ایران در گزارش اوپک کاهش شدیدی نسبت به قبل از جنگ نشان می دهد. بنابراین افزایش قیمت جهانی نفت الزاماً به افزایش متناسب درآمد ارزی ایران تبدیل نمی شود. محدودیت تردد در تنگه هرمز، افزایش عملیات انتقال کشتی به کشتی و توقف دریافت عوارض ۱۰ درصدی از حمل خارجی نیز نشان می دهد هزینه دسترسی به شبکه حمل دریایی خود به یک متغیر اقتصادی مستقل تبدیل شده است.

لایه سوم؛ شوک تولید

❖ ادامه قطعی برق صنایع در شرایطی رخ می دهد که وزارت نیرو از رفع ۲۰ هزار مگاوات ناترازی خبر داده است. در عسلویه نیز ظرفیت عملیاتی پتروشیمی مبین به حدود ۶۰ درصد بازگشته، اما همچنان با ظرفیت کامل فاصله دارد. یعنی تولیدکننده علاوه بر ارز گران تر، باریسک تأمین انرژی و یوتیلیتی نیز مواجه است.

لایه چهارم؛ انتقال به خانوار

❖ افزایش هزینه مواد اولیه دارویی، گوشت، لوازم التحریر، لوازم خودرو و خدمات ارتباطی حلقه انتقال شوک به خانوار است. اهمیت این مرحله در آن است که بخش مهمی از این هزینه ها قابلیت تعویق محدودی دارند. دارورانی می توان مانند خرید کالای لوکس حذف کرد؛ هزینه مدرسه نیز در آستانه سال تحصیلی اجتناب پذیر نیست و حمل و نقل بخشی از هزینه روزانه اشتغال است.

لایه پنجم؛ انتقال به رفتار اجتماعی

❖ اعتراض رانندگان تاکسی اینترنتی نمونه اولیه انتقال فشار اقتصادی به رفتار صنفی است. در کنار آن، روایت های رسانه ای از کاهش قدرت خرید معلمان، بیماران و خانوارهای دارای دانش آموز تلاش می کنند تورم رانه در قالب یک شاخص آماری، بلکه به عنوان تجربه روزمره زندگی بازنمایی کنند.

❖ اهمیت این هم زمانی در قابلیت اتصال روایت ها به یکدیگر است. افزایش دلار می تواند به دارو متصل شود، دارو به جنگ و هزینه حمل، جنگ به هرمز، هرمز به نفت، نفت به بنزین و بنزین به کرایه و اعتراض راننده. بدین ترتیب مجموعه ای از اخبار پراکنده در یک چارچوب واحد با عنوان «فشار اقتصادی فراگیر» قابل روایت می شود.

محورهای عملیات روانی

❖ آینده هراسی از تداوم همزمان شوک های اقتصادی و گسترش آنها از بازارهای مالی به معیشت

❖ برجسته سازی هر نوسان قیمتی به عنوان حلقه ای از یک زنجیره بحران فراگیر

❖ ادراک سازی از کاهش توان سیاست گذار در کنترل همزمان ارز، انرژی، تجارت و قیمت کالاها

❖ القای پیوند مستقیم فشار اقتصادی با افزایش اعتراضات و نارضایتی های صنفی

برآیند رصدهای اخیر نشان می دهد مهم ترین ویژگی شرایط فعلی نه شدت یک شوک خاص، بلکه هم بستگی روزافزون شوک ها است. در چنین ساختاری، تغییر در تنگه هرگز می تواند از مسیر نفت و حمل به ارز منتقل شود، ارز به هزینه تولید و واردات برسد و در نهایت خود را در قیمت دارو، خوراک، حمل و نقل و سایر اجزای هزینه خانوار نشان دهد. به همین دلیل، فضای رسانه ای نیز به جای تمرکز بر یک شاخص، به سمت ساختن تصویری یکپارچه از فشار چندلایه اقتصادی حرکت کرده است.

بازنمایی تنگ تر شدن حلقه تحریم و فرسایش معیشت ایرانیان در گزارش های تایم و رادیو ملی آمریکا

گزارش های تایم و رادیو ملی آمریکا، تصویری مکمل از فشار بر اقتصاد ایران ارائه می کنند؛ تایم سازوکار محدود سازی ارتباطات هوایی و مالی را توضیح می دهد و رادیو ملی آمریکا پیامدهای جنگ، تحریم و اختلال اینترنت را در زندگی شاغلان روایت می کند. نقطه اتصال این دو قاب، انتقال فشار از شبکه تجارت خارجی به درآمد خانوار و برجسته سازی دشواری حفظ ثبات اقتصادی است.

از تحریم هواپیمایی تا تهدید شرکای تجاری

❖ تایم گزارش داده خزانه داری آمریکا ۲۷ شرکت هواپیمایی ایرانی را تحریم کرده و محدودیت ها را به تأمین کنندگان خدمات ماهان در کشورهای ثالث گسترش داده است. گزارش، شرکت ها و واسطه هایی در امارات، ترکیه، بریتانیا، قزاقستان و مالزی را نام می برد و از تعلیق سه مجوز مرتبط با فعالیت های هوانوردی خبر می دهد. اسکات بسنت خطاب به طرف های همکاری هشدار داده است: «در معرض قطع دسترسی به نظام مالی جهانی هستید.» این نقل قول، وجه بازدارنده تحریم علیه شرکای بالقوه ایران را برجسته می کند.

❖ صنم وکیل، پژوهشگر چتم هاوس، در گفت و گو با تایم احتمال کاهش یا تعلیق خدمات شرکت های بین المللی را مطرح کرده و تحقق چنین وضعیتی را «محاصره زیرساخت هوانوردی ایران» می خواند. تایم همچنین تحریم بانک گلدن گلوبال ترکیه و اقدام علیه شعب اماراتی بانک مصر را در امتداد فشار مالی روایت می کند؛ گلدن گلوبال اتهامات را رد کرده است. در مقابل، عباس عراقچی افزایش تحریم ها را نشانه ناکامی ابزارهای پیشین و اشنگتن معرفی می کند.

از دست رفتن شغل تا تعلیق برنامه زندگی

❖ رادیو ملی آمریکا با روایت رسول وکیوان، دو مهندس تهرانی، بحران را شخصی سازی می کند. رسول

پس از آسیب شرکتش از اختلال اینترنت بیکار شده و رانندگی در اسنپ نیز به دلیل هزینه سوخت، تعمیرات و ناامنی جنگی پاسخگوی معیشتش نبوده است. کیوان، فعال تأمین مواد اولیه صنعت نفت، تعطیلی کسب و کار را به انسداد مسیرهای دریایی پیوند می زند. گزارش، افزایش ۵۰ درصدی ارسال رزومه در اواخر آوریل را به جاب ویژن نسبت می دهد. اشتغال مجدد رسول در ژوئیه نیز با تداوم نگرانی همراه روایت می شود. پس انداز خانوار پشتمانه ای موقت توصیف می شود.

محورهای رسانه ای

- ❖ برجسته سازی تحریم شرکت های خدماتی خارجی برای بازنمایی افزایش هزینه همکاری تجاری با ایران و محدود شدن مسیرهای تأمین ناوگان هوایی
- ❖ پیوند زدن فشار بر شبکه بانکی و هوانوردی با راهبرد انزوای اقتصادی و وادارسازی تهران به امتیازدهی در مذاکرات جنگ
- ❖ شخصی سازی پیامدهای بحران اقتصادی با روایت بیکاری مهندسان، وابستگی به درآمد همسر و تعلیق برنامه فرزندآوری در خانواده رسول
- ❖ بازنمایی کاهش کارکرد مشاغل جایگزین با تمرکز بر هزینه سوخت و تعمیرات خودرو در تجربه رانندگی اینترنتی رسول
- ❖ برجسته سازی نااطمینانی پایداری حتی پس از اشتغال مجدد برای القای شکنندگی درآمد خانوار و دشواری برنامه ریزی آینده طبقه متوسط

جمع بندی

- ❖ هم نشینی گزارش های تایم و رادیو ملی آمریکا، فشار خارجی را به تجربه روزمره خانوار متصل می کند. حاصل این ترکیب، تقویت تصور محدود شدن گزینه های اقتصادی ایران است؛ تصویری که می تواند نااطمینانی شغلی و نگرانی عمومی از آینده معیشت را تشدید کند.
- ❖ در روایت تایم، تهدید شرکای خارجی به محرومیت مالی، ابزار گسترش تحریم فراتر از مرزهای ایران معرفی می شود. با این حال، اشاره به استمرار تجارت منطقه ای نشان می دهد تبدیل فشار اقتصادی به انزوای کامل، همچنان با موانع اجرایی و سیاسی روبه روست.
- ❖ رادیو ملی آمریکا با روایت مهندسان بیکار، آسیب پذیری طبقه متوسط و نا کارآمد شدن مشاغل جایگزین را برجسته می کند. این قاب، هزینه اجتماعی جنگ را ملموس می سازد؛ اما تعمیم تجربه مصاحبه شوندگان به کل اقتصاد، بدون داده های جامع، برای نتیجه گیری قطعی کفایت نمی کند.

برجسته سازی بازگشت هزینه جنگ ایران به اقتصاد آمریکا با محوریت رکورد شکنی گازوئیل و فشار بر اعتبار اقتصادی ترامپ

پوشش هم زمان رسانه های آمریکایی و اروپایی از جهش قیمت گازوئیل، اختلال مسیرهای نفتی و تداوم تورم، جنگ ایران را در جایگاه مسئله ای مؤثر بر معیشت آمریکاییان بازتعریف کرده است. در این مجموعه، بلومبرگ و واشنگتن پست بر رکورد قیمت، اکسیوس و ان بی سی بر انتقال هزینه به کالاها و گاردین بر تبعات انتخاباتی تمرکز دارند. حاصل این هم پوشانی، شکل گیری روایتی است که فاصله میدان جنگ تا بودجه خانوار را کوتاه می کند و وعده کنترل گرانی را در معرض پرسش قرار می دهد.

گازوئیل به عنوان نشانه فراگیری بحران

❖ بلومبرگ میانگین گازوئیل آمریکا را حدود ۶.۰۶ دلار و قیمت کالیفرنیا را نزدیک هشت دلار گزارش کرده است. بوستون گلوب و واشنگتن پست نیز با مقایسه قیمت کنونی و حدود ۳.۷۱ دلار سال گذشته، جهش هزینه را برجسته می کنند.

❖ بیزنس اینسایدر به نقل از بانک آمریکا، گازوئیل را «نقطه فشار اقتصاد واقعی» می نامد؛ تعبیری که توجه را از معاملات نفت به حمل و نقل، کشاورزی و تولید معطوف می سازد. تکرار رکوردش دلاری در تیتراها، یک شاخص تخصصی را به نشانه عمومی وخامت وضعیت اقتصادی تبدیل می کند.

از گلوگاه های منطقه ای تا قفسه فروشگاه

❖ نیویورک تایمز تعطیلی احتیاطی خط لوله شرق غرب عربستان پس از حمله پهپادی از خاک عراق را با جهش موقت برنت تا حدود ۱۱۰ دلار پیوند می زند. اهمیت روایی این رخداد، آسیب پذیری مسیری است که انتقال نفت به دریای سرخ را ممکن می سازد. تایم نیز مخاطرات باب المندب را کنار اختلال هرمز قرار می دهد. با این حال، ان بی سی و هیل نقش حملات اوکراین به پالایشگاه های روسیه را هم توضیح می دهند؛ بنابراین مجموعه منابع، بحران فرآورده را حاصل هم زمانی چند اختلال عرضه معرفی می کند.

❖ اکسیوس با استناد به مدیران کروگر، اسمیتفیلد، هورمل و نیوول، مسیر انتقال گرانی انرژی به مواد غذایی، بسته بندی و کرایه حمل را ترسیم می کند. مدیرعامل کروگر می گوید: «انتظار دارم فشار واقعاً افزایش یابد.» اسوشیتد پرس نیز هم زمانی رکورد گازوئیل با برداشت ذرت و سویا را برجسته کرده است. این مصادیق، هشدار تورمی را از پیش بینی انتزاعی به تصمیم بنگاه ها و هزینه تولید متصل می کنند، هر چند میزان انتقال نهایی هزینه به مصرف کننده هنوز قطعی نیست.

شخصی سازی هزینه و انتخاباتی شدن تورم

❖ فاکس بیزنس به نقل از مارک زندگی، هزینه اضافی انرژی ناشی از جنگ را ۱۱ میلیارد دلار، معادل حدود ۸۶ دلار برای هر خانوار، برآورد می کند. ام اس ناو نیز با مقایسه رسیدهای دوسفر، افزایش هزینه بنزین از حدود ۵۷۹ به ۶۴۲ دلار را با وجود پیمودن مسافت کمتر روایت می کند. کنارهم نشان دادن برآورد کلان و تجربه روزمره، درک خسارت را آسان تر می سازد؛ با این حال، تفاوت مسیرها مانع تلقی سفرنامه به عنوان سنجش خالص اثر جنگ است.

❖ بی بی سی و گاردین تورم سالانه ۳.۴ درصدی را در ارتباط با فشار انرژی و احتمال افزایش نرخ بهره روایت می کنند. اکسیوس سهم بیش از یک سومی بنزین در افزایش ماهانه قیمت ها را برجسته می سازد. در این چارچوب، هزینه جنگ علاوه بر خرید روزمره، به چشم انداز وام و مسکن گسترش می یابد. گاردین و نیویورک تایمز نیز این وضعیت را چالشی برای جمهوری خواهان در انتخابات میان دوره ای معرفی می کنند.

محورهای رسانه ای

- ❖ برجسته سازی رکورد شش دلاری گازوئیل به عنوان نشانه انتقال هزینه جنگ ایران به حمل و نقل، کشاورزی و مصرف روزمره خانوارهای آمریکایی
- ❖ بازنمایی آسیب پذیری مسیر جایگزین هرمز با تمرکز بر تعطیلی خط لوله عربستان و افزایش مخاطرات کشتیرانی دریای سرخ
- ❖ اعتبار بخشی به هشدار توری از طریق اظهارات مدیران شرکت های غذایی درباره انتقال تدریجی هزینه انرژی به قیمت محصولات
- ❖ شخصی سازی پیامدهای جنگ با برآورد هزینه اضافی خانوار و مقایسه رسیدهای سفر برای ملموس کردن کاهش قدرت خرید آمریکاییان
- ❖ پیوند زدن تداوم گرانی با احتمال افزایش نرخ بهره و تضعیف وعده های اقتصادی جمهوری خواهان در آستانه انتخابات میان دوره ای آمریکا

جمع بندی ارزیابی

وجه مشترک این پوشش، بازنمایی بازگشت هزینه جنگ به جامعه آمریکاست. تنوع منابع و تکرار مصادیق، ظرفیت تضعیف ادعای موقتی بودن فشار اقتصادی را افزایش می دهد. با این حال، هم سویی موضوعی به تنهایی اثبات کننده هماهنگی رسانه ها نیست. روند قابل مشاهده، تبدیل شوک انرژی به معیاری برای ارزیابی کارآمدی دولت و هزینه ادامه جنگ است. تداوم روایت می تواند وعده کاهش قیمت ها پس از انتخابات را از عامل آرام سازی بازار به پرسشی درباره زمان بندی پایان جنگ و مسئولیت ترامپ بدل کند.

بازنمایی محدودیت توان ترامپ در مهارگرانی سوخت با برجسته سازی بررسی استفاده از قانون تولید دفاعی برای توسعه پالایشگاه ها

گزارش اختصاصی رویترز درباره بررسی استفاده از «قانون تولید دفاعی» برای افزایش ظرفیت پالایش آمریکا، در رسانه های اقتصادی و منطقه ای بازتاب یافته است. اوایل پرایس، گلف نیوز، یاهو فایننس، اکونومیک تایمز و داون، موضوع رابه محدودیت عرضه سوخت و فشار انتخاباتی بر ترامپ پیوند می زنند. کانون این روایت، فاصله میان قدرت تولید نفت آمریکا و توان مهار قیمت فرآورده هاست؛ فاصله ای که جنگ ایران و اختلال بازار جهانی آن را آشکارتر کرده است.

تبدیل محدودیت صنعتی به مسئله امنیت ملی

❖ رویترز به نقل از دو منبع مطلع نوشته پیشنهاد استفاده از این قانون در نشست ترامپ با نزدیک به دوازده شرکت پالایشی مطرح شده، اما تصمیم نهایی گرفته نشده است. توصیف قانون به عنوان «ابزار آخرین چاره» و تأکید بر سابقه نداشتن استفاده از آن برای افزایش ظرفیت پالایش، به خبر بار اضطرابی می دهد. در مقابل، تیلور راجرز، سخنگوی کاخ سفید، توسعه ظرفیت را «اولویت اصلی رئیس جمهور و تیم انرژی او» معرفی می کند. این تقابل، دو برداشت می سازد: محدود شدن گزینه های دولت و تلاش آن برای نمایش ابتکار عمل.

اعدادی که وعده افزایش فوری عرضه را محدود می کنند

❖ اوایل پرایس از بهره برداری ۹۸ درصدی پالایشگاه ها، تداوم فعالیت بالای ۹۵ درصد برای سه ماه و کسری ۱۳ درصدی ذخایر گازوئیل نسبت به میانگین پنج ساله خبر می دهد. این رسانه همچنین به برآورد فیلیپس ۶۶ درباره خروج هفت میلیون بشکه ظرفیت پالایش روزانه در آسیا و خاورمیانه و ۱.۴ میلیون بشکه در روسیه استناد می کند. کناره هم نشان دادن این ارقام، بحران را فراتر از کمبود نفت خام صورت بندی می کند. جابزورلد نیز توضیح می دهد افزایش نفت ورودی، بدون ظرفیت فرآوری کافی، الزاماً عرضه بنزین و گازوئیل را افزایش نمی دهد.

شکاف زمان بندی سیاسی و منطق سرمایه گذاری

❖ گلف نیوز با طرح چرایی بی میلی شرکت ها به ساخت پالایشگاه، هزینه میلیاردی، زمان طولانی احداث و نااطمینانی تقاضای آینده را برجسته می کند. این رسانه به نقل از رابرت کمپبل می نویسد: «هیچ کس براساس سه ماه حاشیه سود رکوردی، سرمایه گذاری عظیم چند میلیارد دلاری نمی کند.» ترجیح مدیران برای بهبود کارایی و توسعه واحدهای موجود، در گزارش رویترز نیز آمده است. پیام ضمنی این پوشش رسانه ای، ناسازگاری انتظار کاهش سریع قیمت پیش از انتخابات با زمان مورد نیاز توسعه صنعتی است.

از هزینه مصرف‌کننده تا منافع شرکت‌ها

❖ یاهوفايننس و استاک توییتس، هم‌زمان با گزارش فشار قیمت سوخت، رشد سهام پالایشگران را برجسته می‌کنند؛ از افزایش سه درصدی دلک تا رشد ۲۰۷۵ درصدی ماراتن در زمان انتشار خبر. رویترز نیز پروژه ۱۶۸ هزار بشکه‌ای براونزویل و سهامداری اقلیت دونالد ترامپ جونیور را مطرح می‌کند، درحالی‌که دریافت حمایت دولتی برای پروژه مشخص نیست. این ترکیب، ظرفیت شکل‌گیری پرسش درباره توزیع منافع سیاست حمایتی را در میان رسانه‌های آمریکایی ایجاد کرده است. اما به‌تنهایی اثبات‌کننده تخلف یا تخصیص منابع نیست.

محورهای رسانه‌ای

❖ برجسته‌سازی بررسی ابزار اضطراری صنعتی برای بازنمایی افزایش فشار جنگ ایران بر توان دولت آمریکا در کنترل قیمت سوخت

❖ اعتباربخشی به محدودیت عرضه فرآورده با تکرار ظرفیت عملیاتی بالای پالایشگاه‌ها و کاهش ذخایر گازوئیل در رسانه‌های تخصصی انرژی

❖ تقابل‌سازی میان فوریت انتخاباتی ترامپ و زمان طولانی سرمایه‌گذاری پالایشی با استناد به ملاحظات اقتصادی مدیران صنعت نفت

جمع‌بندی و ارزیابی

این پوشش رسانه‌ای، گسترش پالایش راهم‌نشانه واکنش دولت و هم‌شاهد محدودیت راه‌حل‌های فوری معرفی می‌کند. بازنشر گسترده گزارش رویترز، دامنه روایت را افزایش داده، اما ایجاد یک موج گسترده رسانه‌ای علیه ترامپ درباره مسئله سوخت نیست. برآیند ادراکی، تضعیف تصور مصونیت آمریکا از شوک خارجی و افزایش حساسیت نسبت به فاصله وعده مهار قیمت با ظرفیت اجرایی دولت در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای است.

ارزیابی و تحلیل روند رسانه‌های منطقه و رژیم صهیونیستی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ برجسته‌سازی کارزار رئیس اطلاعات ارتش صهیونیستی برای جلوگیری از احیای برنامه هسته‌ای ایران و آماده‌سازی برای حملات آتی
- ❖ اعتباربخشی به شلومی بیندر به عنوان معمار کارزار بلندمدت ضد هسته‌ای و طراح حفظ آمادگی اسرائیل برای دوره‌های بعدی حمله به ایران
- ❖ ادعای نقش اطلاعات نظامی اسرائیل در تأمین اطلاعات بیش از ۹۰ درصد حملات به ایران و تخریب بخش اعظم ظرفیت سانتریفیوژی کشور
- ❖ هراس افکنی از امکان احیای مخفیانه برنامه هسته‌ای ایران با اتکا به سانتریفیوژهای پیشرفته باقی مانده و ذخایر اورانیوم غنی شده
- ❖ برجسته‌سازی تغییر تمرکز اطلاعات ارتش صهیونیستی از غنی‌سازی به چرخه تبدیل اورانیوم به فلز و اجزای مورد نیاز ساخت کلاهک
- ❖ برجسته‌سازی تأسیسات زیرزمینی کوه کلنگ به عنوان هدف احتمالی مرحله بعدی حملات و تأکید بر لزوم اقدام پیش از عملیاتی شدن آن
- ❖ بازنمایی سقوط دومین گلوگاه دریایی منطقه از تسلط انصارالله بر باب‌المندب و ضربه به شریان نفتی سعودی تا ادعای نقش نیروهای سپاه در عملیات و گمانه‌زنی‌ها درباره تشدید شکاف ریاض - ابوظبی
- ❖ برجسته‌سازی فروپاشی سریع خطوط دفاعی ساحل غربی و ازهم گسیختگی ساختار چندساله نیروهای مورد حمایت عربستان در برابر پیشروی انصارالله
- ❖ هراس افکنی از تغییر ماهیت تهدید دریایی انصارالله با استقرار در میون و جزایر باب‌المندب و افزایش امکان استفاده از تسلیحات کوتاه‌برد
- ❖ متهم‌سازی ایران به هدایت و پشتیبانی عملیات ساحل غربی یمن با طرح ادعای حضور و نقش مشورتی فرماندهان سپاه
- ❖ برجسته‌سازی شکاف در اردوگاه ضد انصارالله و تشدید رقابت نیروهای جنوبی مورد حمایت امارات با یگان‌های وفادار به عربستان
- ❖ برجسته‌سازی حمله به خط لوله شرق - غرب عربستان برای القای آسیب‌پذیری هم‌زمان مسیرهای جایگزین هرمز و شریان‌های صادرات انرژی سعودی
- ❖ برجسته‌سازی افزایش حمایت اطلاعاتی و هدف‌یابی آمریکا از عربستان هم‌زمان با خودداری واشنگتن از ورود مستقیم به جبهه جنگ یمن

- ❖ هراس افکنی از شکل‌گیری فشار هم‌زمان ایران و انصارالله بر هرمز و باب‌المندب و تبدیل دو گلوگاه به اهرم‌های فشار منطقه‌ای
- ❖ بازنمایی جنگ یمن در چارچوب منازعه بزرگ‌تر ایران و آمریکا و تصویرسازی از انصارالله به عنوان اهرم جغرافیایی تهران علیه عربستان و غرب
- ❖ بهره‌برداری انتخاباتی نتانیاها و از انهدام تونل‌های علی‌الطاهر و تبدیل عملیات جنوب لبنان به نمایش پیروزی بزرگ علیه ایران و حزب‌الله
- ❖ تصویرسازی مثبت از نتانیاها و تبدیل عملیات مهندسی علی‌الطاهر به «پیروزی تاریخی» علیه ایران و نمایش توانایی در برچیدن زیرساخت‌های حزب‌الله
- ❖ تخریب مخالفان داخلی نتانیاها و پیوند زدن سکوت آنان درباره عملیات علی‌الطاهر به بی‌اعتنایی به دستاورد ارتش و تهدید ایران
- ❖ تصویرسازی منفی از حزب‌الله با القای «شکست مطلق»، فرار نیروها و نابودی زیرساخت‌های زیرزمینی منتسب به حمایت ایران
- ❖ اعتبارزدایی از پیمان مکه در نخستین آزمون عملی از سکوت نظامی پاکستان و ترکیه تا تداوم حملات انصارالله به شریان‌های انرژی سعودی
- ❖ ادراک‌سازی از ضربه راهبردی جنگ به قطر با از دست رفتن میلیاردها دلار درآمد و تضعیف جایگاه دوحه در بازار جهانی گاز
- ❖ اعتبارزدایی از حماس با بازنمایی کاهش حمایت فلسطینیان از مقاومت و افزایش نگاه منفی به طوفان الاقصی
- ❖ تصویرسازی منفی از طوفان الاقصی به عنوان نقطه آغاز شکست و برجسته‌سازی گرایش فلسطینیان به مذاکره و راه‌حل دودولتی در برابر مقاومت مسلحانه

رصد و تحلیل

برجسته‌سازی کارزار رئیس اطلاعات ارتش صهیونیستی برای جلوگیری از احیای برنامه هسته‌ای ایران و آماده‌سازی برای حملات آتی

جروزالم پست در گزارشی اختصاصی، شلومی بیندر، رئیس اطلاعات نظامی ارتش صهیونیستی را معمار یک کارزار بلندمدت برای جلوگیری از احیای برنامه هسته‌ای ایران معرفی کرده و مدعی شده است که مأموریت وی پس از حملات ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶، از تخریب ظرفیت‌های موجود به جلوگیری از بازسازی زیرساخت هسته‌ای و حفظ آمادگی برای دوره‌های بعدی حمله تغییر کرده است.

اعتباربخشی به بیندر به عنوان معمار کارزار ضد هسته‌ای

مهم‌ترین ادعای گزارش آن است که اطلاعات مورد استفاده در بیش از ۹۰ درصد حملات رژیم به ایران توسط اطلاعات نظامی تحت فرمان بیندرفراهم شده است؛ از هدف‌گیری نطنز و اصفهان تا ارائه اطلاعات به آمریکا برای حمله به فردو. جروزالم‌پست همچنین مدعی است بخش اعظم حدود ۲۰ هزار سانتریفیوژ ایران از میان رفته و غنی‌سازی عملاً متوقف شده، اما بخشی از سانتریفیوژهای پیشرفته و ذخایر اورانیوم غنی شده همچنان می‌تواند مبنای بازسازی مخفیانه برنامه باشد.

ادعای تغییر تمرکز اطلاعات ارتش صهیونیستی از غنی‌سازی به چرخه ساخت کلاهک در ایران

بر اساس گزارش جروزالم‌پست، اولویت تازه بیندرفراهم صرفاً جلوگیری از راه‌اندازی سانتریفیوژها نیست؛ بلکه ممانعت از بازسازی تأسیسات تبدیل اورانیوم به فلز و اجزای مورد نیاز برای ساخت کلاهک در مرکز کارزار قرار گرفته است. گزارش با تداوم تهدیدنمایی از برنامه هسته‌ای ایران نوشته است که ارزیابی اطلاعات ارتش اسرائیل این است که حتی بازایی تعداد محدودی سانتریفیوژ پیشرفته و بخشی از ذخایر غنی شده می‌تواند در میان مدت امکان احیای مخفیانه ظرفیت هسته‌ای را ایجاد کند.

برجسته‌سازی کوه کلنگ به عنوان هدف احتمالی مرحله بعد

جروزالم‌پست، تأسیسات زیرزمینی «کوه کلنگ» را در صدر نگرانی‌های بیندرفراهم قرار داده است. گزارش اذعان می‌کند این مجموعه هنوز عملیاتی نشده، اما مدعی است موساد و اطلاعات ارتش اسرائیل ترجیح می‌دهند پیش از انتقال سانتریفیوژ و مواد هسته‌ای به داخل آن، تهدید بالقوه خنثی شود. به نوشته این رسانه، ارزیابی‌های جدید حتی اعتماد اسرائیل به امکان «از کار انداختن» این مجموعه، ولو بدون انهدام کامل، را افزایش داده است.

در مجموع، مهم‌ترین گزاره گزارش آن است که تل‌آویو پایان غنی‌سازی فعلی را معادل پایان تهدید نمی‌داند؛ سیاستی که با تهدیدنمایی مدام از فعالیت‌های ایران، در مسیر مشروعیت بخشی به دور جدید حملات به کشورمان با هدف براندازی کلیت حاکمیت گام برداشته است.

بازنمایی سقوط دومین گلگاه دریایی منطقه؛ از تسلط انصارالله بر باب‌المندب و ضربه به شریان نفتی سعودی تا ادعای نقش نیروهای سپاه در عملیات و گمانه‌زنی‌ها در خصوص تشدید شکاف ریاض-ابوظبی

پیشروی برق‌آسای انصارالله در ساحل غربی یمن، طی چند روز یکی از باثبات‌ترین خطوط جبهه جنگ یمن را به هم ریخته و رسانه‌های سعودی، اسرائیلی و غربی را با مجموعه‌ای از تحولات هم‌زمان مواجه کرده است؛ سقوط مواضع نیروهای طارق صالح در ساحل غربی، ورود انصارالله به المخا و ذباب، عقب‌نشینی نیروهای دولت عدن از میون، تصرف جزایر راهبردی دریای سرخ، حمله به خط

لوله شرق - غرب عربستان و تشدید اختلاف میان نیروهای جنوبی و یگان‌های مورد حمایت ریاض تنها در طول ۴۸ ساعت گذشته رقم خورده و بهت رسانه‌های سعودی را رقم زده است.

در رسانه‌های عربی و عبری، لحن اولیه درباره «مهار پیشروی حوثی‌ها» به سرعت جای خود را به هشدار درباره تغییر موازنه باب‌المنذب داده است. حتی منابع نزدیک به شورای رهبری ریاست جمهوری نیز از عقب‌نشینی، تجدید سازمان و ایجاد مراکز فرماندهی جایگزین سخن گفته‌اند. در سوی دیگر، گزارش‌هایی در رسانه‌های غربی درباره نقش مشورتی ایران و حضور نیروهای سپاه در یمن منتشر شده و واکنش‌گتن نیز سطح حمایت اطلاعاتی خود از ریاض را افزایش داده است. بدین ترتیب، آنچه به عنوان یک عملیات زمینی آغاز شد، اکنون در روایت رسانه‌ها به حلقه تازه‌ای از تقابل ایران و آمریکا بر سر هرمز، باب‌المنذب و شریان‌های انرژی منطقه تبدیل شده است. مهم‌ترین خطوط عملیات روانی رسانه‌های مذکور از این قرارند:

فروپاشی سریع خطوط دفاعی ساحل غربی و بهت رسانه‌های سعودی از سرعت پیشروی انصارالله

گزارش‌های منتشرشده از سوی رویترز، واشنگتن پست، الجزیره و رسانه‌های سعودی در اصل یک واقعیت مشترک دارند: سرعت پیشروی انصارالله بسیار بیشتر از مقاومت نیروهای مستقر در ساحل غربی بوده است. سقوط حیس، الخوخه و سپس المخا، پیشروی به ذباب و عقب‌نشینی نیروهای وفادار به سعودی از میون، عملاً ساختار دفاعی چندساله نیروهای مورد حمایت عربستان را برهم زده است. طارق صالح برادرزاده رئیس‌جمهور مخلوع یمن نیز پس از وارد شدن تلفات به نیروهایش دستور بازآرایی یگان‌ها و تشکیل مرکز فرماندهی جایگزین صادر کرده است. اهمیت این تحول فقط در جابه‌جایی خط تماس نیست؛ یکی از اصلی‌ترین پروژه‌های نظامی ضد انصارالله در ساحل غربی، ظرف مدت کوتاهی انسجام جغرافیایی خود را از دست داده است.

باب‌المنذب در کانون نگرانی صهیونیست‌ها؛ تغییر ماهیت تهدید دریایی انصارالله

ورود انصارالله به میون، زُقر و جزایر حنیش یکی از مهم‌ترین ابعاد عملیات اخیر بوده است؛ هرچند درباره میزان تثبیت کنترل بر برخی جزایر همچنان روایت‌های متفاوتی وجود دارد. اهمیت اصلی میون در قرارگرفتن آن در میانه باب‌المنذب ناشی می‌شود. رسانه‌های اسرائیلی، به‌ویژه شبکه ۱۲، هشدار داده‌اند که استقرار انصارالله در این نقطه فاصله شناورها با ساحل و مواضع زمینی را به شدت کاهش می‌دهد. در این وضعیت، تهدید دریایی دیگر الزاماً وابسته به موشک‌های دوربرد و پهپاد نیست و تسلیحات کوتاه‌برد، توپخانه و حتی سامانه‌های دید مستقیم نیز می‌توانند وارد معادله شوند. از همین منظر برخی منابع اسرائیلی وضعیت باب‌المنذب را از حیث جغرافیایی حتی نگران‌کننده‌تر از هرمز توصیف کرده‌اند.

برجسته سازی نقش ایران با طرح ادعای حضور فرماندهان سپاه در عملیات ساحل غربی

هم زمان با پیشروی انصارالله، رویترز، سی ان ان، واشنگتن پست و جرزالم پست به طور فزاینده ای نقش ایران را برجسته کرده اند. رویترز به نقل از منابع منطقه ای مدعی ارائه هدایت و مشاوره از سوی فرماندهان سپاه شده و جرزالم پست نیز پیش تر از کشف اسنادی سخن گفته بود که به ادعای نیروهای طارق صالح، طرحی مرحله ای برای رسیدن به باب المندب را نشان می داد. منابع ایرانی در مقابل، تصمیم برای عملیات المخارامتعلق به خود انصارالله معرفی کرده اند. فارغ از صحت همه جزئیات، ساخت رسانه ای غالب در غرب در حال تبدیل عملیات ساحل غربی از یک تحول یمنی به بخشی از راهبرد فشار ایران علیه آمریکا و عربستان در دو گلوگاه هرمز و باب المندب است.

شکاف در اردوگاه ضد انصارالله؛ بالا گرفتن تنش میان جنوبی ها و نیروهای وفادار به ریاض

شکست ساحل غربی هم زمان شکاف های انباشته در اردوگاه مخالف انصارالله را آشکار کرده است. گزارش های میدانی از جلوگیری نیروهای جنوبی نزدیک به ساختار سابق شورای انتقالی از ورود برخی یگان های عقب نشسته مورد حمایت سعودی به عدن و لحج حکایت دارد. هم زمان، برخی فرماندهان وابسته به شورای رهبری یکدیگر را به «خیانت» و رها کردن جبهه متهم کرده اند. عبدالخالق عبدالله، تحلیلگر نزدیک به فضای سیاسی امارات نیز بالحنی طعنه آمیز، پیشروی انصارالله را با کنار رفتن ابوظبی از میدان یمن مرتبط کرده است. بدین ترتیب شکست نظامی در حال فعال کردن مجدد رقابت ریاض - ابوظبی بر سر آینده جنوب یمن است؛ شکافی که می تواند سازمان دهی یک ضد حمله هماهنگ را دشوارتر کند.

حمله به شریان نفتی عربستان و دوچندان شدن فشار بر مسیرهای صادرات انرژی

در کنار پیشروی زمینی، حمله به خط لوله شرق - غرب عربستان بُعد اقتصادی بحران را برجسته کرده است. وزارت انرژی سعودی توقف موقت این خط را پس از حملات متعدد تأیید کرده و گزارش ها از اصابت به ایستگاه های پمپاژ حکایت دارند. اهمیت این خط در شرایط کنونی دوچندان است؛ زیرا ریاض برای کاهش وابستگی صادرات نفت خود به هرمز، از مسیر شرق - غرب و بندرینبع استفاده می کند. اکنون در شرایطی که فشار بر هرمز ادامه دارد، آسیب پذیری مسیر جایگزین سعودی در داخل خاک این کشور و هم زمان نزدیک شدن انصارالله به باب المندب، دوسوی مسیر صادراتی عربستان را تحت فشار قرار داده است. همین وضعیت یکی از عوامل جهش نفت برنت به بالای ۱۰۷ دلار بود.

مناقشه بر سر آزادی کشتیرانی و تلاش صنعا برای محدود نشان دادن دامنه تهدید دریایی

انصارالله پس از پیشروی های اخیر تأکید کرده کشتیرانی برای همه شرکت ها به جز شناورهای سعودی امن خواهد بود و عملیات خود را ذیل معادله «محاصره در برابر محاصره» تعریف کرده

است. این پیام نشان می‌دهد صنعا در تلاش است میان اعمال فشار مستقیم بر عربستان و ایجاد تصورات سودا کامل باب‌المنذب تمایز ایجاد کند. با این حال، شورای رهبری ریاست جمهوری، عربستان و نماینده یمن در شورای امنیت دقیقاً روایت مقابل را برجسته کرده و تسلط انصارالله بر ساحل و جزایر را تهدیدی علیه آزادی دریانوردی معرفی می‌کنند. مسئله تعیین‌کننده از این پس نه صرفاً اعلام موضع صنعا، بلکه ارزیابی شرکت‌های کشتیرانی و بیمه‌گران از ریسک واقعی عبور از باب‌المنذب خواهد بود.

برجسته‌سازی شکست نیروهای سعودی با تمرکز بر اسرا، غنایم و تجهیزات نظارت دریایی بر جای مانده

منابع نزدیک به صنعا از اسارت گسترده نیروهای طارق صالح و تصرف حجم قابل توجهی از تجهیزات نظامی خبر داده‌اند؛ با این حال ارقام چند هزار نفری درباره اسرا هنوز به طور مستقل تأیید نشده است. در کنار خودروها، تسلیحات و مهمات، منابع یمنی مدعی تصرف سامانه‌های پیشرفته مراقبت ساحلی، رادارهای دریایی و تجهیزات اپتیکی مورد استفاده نیروهای ساحل غربی شده‌اند. اهمیت این غنایم بیش از ارزش سخت افزاری آنهاست؛ زیرا می‌تواند شناخت انصارالله از شبکه مراقبت دریایی، معماری اطلاعاتی و شیوه رصد تحرکات در دریای سرخ را افزایش دهد. تصاویر نیروهای انصارالله در تأسیسات مراقبتی باب‌المنذب نیز به طور گسترده در رسانه‌های منطقه باز نشر شده است.

افزایش حمایت اطلاعاتی آمریکا هم‌زمان با امتناع واشنگتن از ورود مستقیم به جنگ یمن

گزارش اکسیوس درباره دو تماس محمد بن سلمان با ترامپ و درخواست حمله مستقیم آمریکا به انصارالله، نشانه‌ای از نگرانی ریاض نسبت به سرعت تحولات تلقی شده است. در مقابل، دولت آمریکا تاکنون از ورود مستقیم به جنگ خودداری کرده؛ اما سی‌ان‌ان از حضور بیش از ۱۰۰ مشاور نظامی آمریکایی و افزایش پشتیبانی اطلاعاتی و هدف‌یابی از عربستان خبر داده است. سفر فوری فرمانده سنتکام به عربستان نیز سطح اهمیت بحران را نشان می‌دهد. واشنگتن با یک معادله دشوار مواجه است: جلوگیری از تثبیت انصارالله در باب‌المنذب، بدون گشودن جبهه‌ای تازه در شرایطی که توان نظامی آمریکا هم‌زمان درگیر جنگ ایران و حفاظت از هرمز است. الجزیره در گزارشی به نقل از یک مقام وزارت امور خارجه آمریکا تأکید کرده که ایالات متحده به دفاع از آزادی کشتیرانی در دریای سرخ و مقابله با نیروهای نیابتی ایران متعهد است.

هراس تل‌آویو از شکل‌گیری فشار هم‌زمان بر هرمز و باب‌المنذب

بخش مهمی از واکنش رسانه‌های اسرائیلی بر کنار هم قرار گرفتن هرمز و باب‌المنذب متمرکز است. در این روایت، ایران از یک سو ظرفیت فشار بر هرمز را حفظ کرده و از سوی دیگر، انصارالله با حضور

مستقیم در ساحل و جزایر باب‌المندب می‌تواند دومین مسیر حیاتی تجارت و انرژی منطقه را تحت فشار قرار دهد. این وضعیت برای عربستان نیز اهمیت مضاعف دارد؛ زیرا خط لوله شرق-غرب دقیقاً برای انتقال نفت از شرق کشور به یمن و کاهش اتکا به هرمز توسعه یافته است. هدف‌گیری خط لوله و افزایش قدرت انصارالله در باب‌المندب، از نگاه رسانه‌های اسرائیلی حلقه‌های یک زنجیره واحد برای افزایش هزینه‌های جنگ علیه ایران هستند.

احتمال ورود نبرد به مرحله ضد حمله و جنگ فرسایشی برای تثبیت مناطق تازه تصرف شده

پیشروی انصارالله الزاماً به معنای پایان نبرد نیست. عربستان حملات هوایی گسترده‌ای علیه مناطق تازه تصرف شده انجام داده و نیروهای وابسته به شورای رهبری نیز در محور البیضاء تحرکات تهاجمی جدیدی آغاز کرده‌اند. اعلام «منطقه کشتار» در محور تعز-المخاوه هشدار درباره استفاده از تمامی انواع آتش نیز نشان می‌دهد ریاض و نیروهای محلی آن در صدد جلوگیری از تثبیت کامل خطوط جدید هستند. در مقابل، استقرار انصارالله در ارتفاعات و محورهای نزدیک باب‌المندب می‌تواند دفاع از دستاوردهای اخیر را تسهیل کند.

مرحله بعدی جنگ احتمالاً از «پیشروی برق‌آسا» به نبرد فرسایشی بر سر تثبیت ساحل، بازپس‌گیری المخا و جلوگیری از سرایت جنگ به لحج و پیرامون عدن تغییر خواهد کرد.

بازتعریف جنگ یمن در چارچوب منازعه بزرگ‌تر ایران و آمریکا

مهم‌ترین تغییر در روایت رسانه‌های غربی بر این موضوع متمرکز شده که تحولات یمن دیگر صرفاً در چارچوب جنگ داخلی این کشور توضیح داده نمی‌شود. واشنگتن پست، رویترز و سی‌ان‌ان پیشروی انصارالله را در متن منازعه گسترده‌تر ایران و آمریکا قرار داده‌اند؛ منازعه‌ای که اکنون از هرمز و زیرساخت‌های انرژی خلیج فارس به باب‌المندب و دریای سرخ امتداد یافته است. اگر انصارالله بتواند مناطق تازه تصرف شده را تثبیت کند، تهران بدون ورود مستقیم به میدان، از یک اهرم جغرافیایی تازه علیه عربستان و خطوط دریایی غرب برخوردار خواهد شد. در مقابل، بازپس‌گیری این مناطق بدون مداخله خارجی گسترده نیز با توجه به شکاف داخلی اردوگاه ضدانصارالله دشوار به نظر می‌رسد.

پیشروی اخیر انصارالله بیش از آنکه صرفاً تغییر چند خط روی نقشه یمن باشد، سه معادله را هم‌زمان تحت تأثیر قرار داده است:

❖ امنیت باب‌المندب

❖ انسجام اردوگاه سعودی-اماراتی

❖ امنیت انرژی عربستان.

تسلط یا حضور مستقیم در میون و ساحل مجاور تنگه، تهدید دریایی انصارالله را از قدرت آتش

دورایستا به حضور جغرافیایی نزدیک منتقل کرده؛ حمله به خط لوله شرق - غرب نیز نشان داده مسیر جایگزین هرمز مصون از جنگ نیست. هم‌زمان، اختلاف نیروهای جنوبی بایگان‌های وفادار به ریاض، امکان شکل‌گیری سریع یک ضد حمله منسجم را محدود می‌کند. اگر عربستان نتواند این سه آسیب‌پذیری را هم‌زمان مهار کند، باب‌المنذب می‌تواند از یک جبهه فرعی جنگ یمن به دومین گلوگاه اصلی تقابل منطقه‌ای ایران و آمریکا پس از هرمز تبدیل شود.

بهره‌برداری انتخاباتی نتانیاهاو از انهدام تونل‌های علی‌الطاهر و تبدیل عملیات جنوب لبنان به نمایش پیروزی بزرگ علیه ایران و حزب‌الله

انهدام شبکه تونلی حزب‌الله در ارتفاعات علی‌الطاهر در جنوب لبنان، در فاصله چند هفته مانده به انتخابات کنست، به سرعت از یک رخداد نظامی به کارزار تبلیغاتی دولت بنیامین نتانیاهاو و جریان رسانه‌ای حامی لیکود تبدیل شده است. ارتش صهیونیستی دوشب پیش در تبلیغاتی وسیع اعلام کرد که بیش از دو کیلومتر از زیرساخت‌های زیرزمینی این منطقه را منهدم کرده و مجموع شبکه گسترده‌تر تونل‌ها در علی‌الطاهر و محور بوفور که منهدم شده‌اند به بیش از ۵ کیلومتر رسیده است. نتانیاهاو و اسرائیل کاتص بلافاصله در اظهارنظری این عملیات را تکمیل «منطقه امنیتی» اسرائیل در جنوب لبنان و تثبیت کنترل عملیاتی بر ارتفاعات معرفی کردند.

تبدیل یک عملیات مهندسی به «پیروزی تاریخی» علیه ایران

نتانیاهاو در پیام منتشرشده پس از انفجار تونل‌ها، علی‌الطاهر را «بزرگ‌ترین پایگاه ایران در خارج از ایران» خوانده و نابودی آن را با عبارت «ماموریت تکمیل شد» به افکار عمومی عرضه کرد. کاتص نیز بر نابودی شبکه‌ای که به ادعای اسرائیل طی دود دهه با تأمین مالی و طراحی ایران ساخته شده بود، تأکید کرد. ارتش صهیونیستی مدعی است در این مجموعه مرکز فرماندهی یگان «بدر»، ده‌ها موشک، راکت، پهپاد ساخت ایران، موشک ضد زره و صدها مین کشف شده است. جروزالم پست نیز این چارچوب روایی را برجسته کرده و نوشته زیرساخت مزبور برای پشتیبانی از عملیات علیه متولا و کریات شمونا و طرح‌های تهاجمی حزب‌الله ایجاد شده بود.

این نحوه روایت، به نتانیاهاو امکان می‌دهد عملیات لبنان را نه صرفاً یک موفقیت تاکتیکی، بلکه اثبات کارآمدی راهبرد او در «برچیدن محور ایران» معرفی کند؛ موضوعی که در فضای انتخاباتی رژیم صهیونیستی، به ویژه در رقابت با گادی آیزنکوت و نفتالی بنت، اهمیت مستقیم دارد.

رسانه‌های همسو و انتقال رقابت انتخاباتی به میدان «چه کسی بیشتر از ارتش حمایت می‌کند»

بخش مهمی از فضای رسانه‌ای حامی نتانیاهاو پس از انفجار، بر خود عملیات متمرکز نماند و مستقیماً به مخالفان داخلی حمله کرد. برخی حساب‌های پرمخاطب راست‌گرا فهرستی از چهره‌هایی چون

آیزنکوت، آویگدور لیبرمن، بنت، یائیر لاپید و یائیر گولان منتشر کردند و از آنان پرسیدند چرا درباره «انهدام زیرساخت عظیم ایران و حزب الله» سکوت کرده اند. این چارچوب عملاً تلاش می کند عدم تمجید از عملیات رابه بی اعتنایی به دستاورد ارتش و مخالفت سیاسی با نتانیا هو پیوند بزند.

در همین فضا، آمیت سگال تصاویر ستون های آتش ناشی از انفجار را با تعبیری چون سوختن «بزرگ ترین پایگاه ایرانی خارج از مرزهای ایران» باز نشر کرد و رسانه های نزدیک به راست اسرائیل نیز بر بزرگی انفجار، استفاده از بیش از هزار تن مواد منفجره و شدت لرزش زمین تمرکز کردند. «تایمز آو اسرائیل» نیز گزارش داد شدت انفجار به حدی بود که در سراسر منطقه احساس شد.

ساخت تصویر «شکست مطلق حزب الله» در خدمت روایت انتخاباتی نتانیا هو

سومین مؤلفه این کارزار، تبدیل عقب نشینی یا تلفات حزب الله در علی الطاهر به روایت فروپاشی اراده رزمی این گروه است. سخنگوی ارتش صهیونیستی مدعی شده که نیروهای حزب الله یا کشته شده یا از مجموعه گریخته اند و این گروه نیروهای خود را در تونل ها «رها کرده است». رسانه های همسو نیز ادعاهای مربوط به کشف اجساد اعضای حزب الله، تصرف تسلیحات ایرانی و نابودی کامل زیرساخت زیرزمینی رابه شدت ضریب داده اند.

این روایت برای نتانیا هو ارزش انتخاباتی مشخصی دارد: بازسازی تصویر نخست وزیری که نه تنها مانع بازسازی حزب الله شده، بلکه زیرساختی را که اسرائیل آن را تهدید مستقیم علیه شهرک های شمالی معرفی می کرد، از میان برده است. هم زمان با رقابت فشرده انتخاباتی و گزارش هایی درباره شکنندگی آرای بلوک نتانیا هو، عملیات علی الطاهر به ابزاری برای بازگرداندن دستور کار انتخابات از مسائل داخلی به «امنیت، ایران و پیروزی نظامی» تبدیل شده است. حتی تحلیل های انتخاباتی اخیر در رسانه های اسرائیلی نشان می دهد چند کرسی جابه جایی میان دو بلوک می تواند سرنوشت دولت آینده را تعیین کند؛ از این منظر، بزرگ نمایی دستاورد علی الطاهر را می توان بخشی از تلاش لیکود برای بسیج مجدد رأی دهندگان امنیت محور دانست.

به واقع انهدام علی الطاهر برای نتانیا هو تنها یک دستاورد میدانی نیست؛ بلکه ماده خام یک روایت انتخاباتی سه لایه است: نمایش توانایی در ضربه زدن به ایران، القای شکست راهبردی حزب الله و قرار دادن مخالفان داخلی در موضع دفاعی.

بازنمایی اولویت منافع آمریکا بر امنیت متحدان بارد درخواست بن سلمان برای حمله مستقیم به انصار الله

جروزالم پست با استناد به گزارش اکسیوس نوشته است که محمد بن سلمان در دو تماس تلفنی با دونالد ترامپ خواستار ورود مستقیم آمریکا به عملیات نظامی علیه انصار الله شده، اما رئیس جمهور

آمریکا این درخواست را رد کرده است. این تحول هم‌زمان با تشدید نبرد در یمن و افزایش فشار نظامی انصارالله بر عربستان، می‌تواند نشانه‌ای از محدودیت حمایت عملی واشنگتن از ریاض در مرحله جدید جنگ باشد.

بر اساس گزارش، واشنگتن در مقطع کنونی قصد ورود مستقیم به جنگ یمن را ندارد؛ با این حال، اطلاعات شناسایی و داده‌های هدف‌گیری در اختیار عربستان قرار خواهد داد و دریا سالار براد کوپر، فرمانده سنتکام نیز برای هماهنگی‌های نظامی به عربستان رفته است. حدود ۲۰۰ نظامی آمریکایی نیز در مأموریت‌های پشتیبانی غیررزمی در این کشور حضور دارند. یک مقام دولت ترامپ صراحتاً اولویت واشنگتن را حفظ آزادی کشتیرانی در دریای سرخ و واگذاری مدیریت نبرد گسترده‌تر به شرکای منطقه‌ای توصیف کرده است.

رد درخواست بن‌سلمان از این منظر حائز اهمیت است که بار دیگر تقدم محاسبات و منافع مستقیم آمریکا بر نیازهای امنیتی متحدان منطقه‌ای واشنگتن را آشکار می‌کند. این رویکرد با رفتار ترامپ در برابر حملات ایران به کشورهای عربی قابل مقایسه است؛ زمانی که وی به جای ارائه تضمین امنیتی نامحدود، کشورهای منطقه را به تقویت توان دفاعی خود فراخواند و هم‌زمان افزایش خرید نفت و انرژی آمریکا را به عنوان بخشی از پاسخ به بحران عرضه مطرح کرد.

این تحول برای ریاض در شرایط کنونی اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا پایشروی‌های انصارالله و افزایش تهدید علیه مناطق جنوبی عربستان و باب‌المندب، موقعیت بازدارندگی سعودی را تحت فشار قرار داده است. خودداری واشنگتن از مداخله مستقیم می‌تواند ریاض را بیش از گذشته به ظرفیت‌های داخلی، نیروهای یمنی هم‌سو و سازوکارهای دفاعی منطقه‌ای مانند پیمان مکه وابسته کند و هم‌زمان آزمونی برای میزان کارآمدی تضمین‌های امنیتی جدید عربستان باشد.

اعتبارزدایی از پیمان مکه در نخستین آزمون عملی؛ از سکوت نظامی پاکستان و ترکیه تا تداوم حملات انصارالله به شریان‌های انرژی سعودی

تنها چند هفته از زمانی می‌گذرد که «پیمان دفاع مشترک مکه» میان عربستان، ترکیه و پاکستان با پوشش گسترده رسانه‌های عربی و عبری به عنوان نشانه‌ای از شکل‌گیری معماری جدید بازدارندگی در منطقه معرفی شد. بخشی از این بازتاب‌ها در آن مقطع، پیمان را مقدمه‌ای برای همراهی آنکارا و اسلام‌آباد با ریاض در صورت تشدید رویارویی با ایران و متحدان منطقه‌ای تهران تصویرسازی نموده و بشدت بر روی آن مانور دادند. با این حال، حملات اخیر انصارالله به شهرها و زیرساخت‌های انرژی عربستان، نخستین آزمون عملی این سازوکار را به صحنه‌ای برای آشکارشدن محدودیت‌های آن تبدیل کرده است.

جروزالم پست صراحتاً حملات انصارالله را نخستین آزمون جدی پیمان دانسته و پرسیده است

آیا سازوکار «حمله به یک عضو، حمله به همه» فراتر از محکومیت‌های سیاسی قابلیت اجرایی دارد یا خیر. این پرسش پس از آن جدی‌تر شده که حملات موشکی و پهپادی انصارالله به ابها، خمیس مشیط، جازان و تأسیسات انرژی سعودی به توقف فعالیت برخی مراکز و افزایش قیمت نفت منجر شده است.

مهم‌تر آنکه پاکستان عملاً از ورود به پاسخ نظامی فاصله گرفته است. سخنگوی وزارت خارجه این کشور اعلام کرده هیچ اقدام نظامی تحت چارچوب پیمان مکه در دست بررسی نیست و اسلام‌آباد همچنان بر خویشتنداری و دیپلماسی تأکید دارد. رویترز نیز گزارش داده پاکستان به دلیل نیاز به حفظ روابط با ایران، میان تعهد دفاعی به ریاض و نقش میانجی خود گرفتار شده است.

عدم ورود نظامی ترکیه و پاکستان موجب تمسخر پیمان مذکور در میان طیف وسیعی از کاربران و رسانه‌های صهیونیستی نیز شده است. کاربران فوق با برجسته‌سازی برخی مضامین منتشره از سوی هواداران انصارالله و جبهه مقاومت نوشته‌اند که **کانال‌های محور شیعی ولیعهد سعودی را مسخره می‌کنند** که پیمان دفاعی سه‌جانبه «توافق مکه» چه زمانی فعال خواهد شد؟ چه زمانی پاکستان و ترکیه در برابر حوثی‌ها به عربستان سعودی کمک خواهند کرد؟

در نتیجه، پیمانی که با ادبیات «بازدارندگی جمعی» معرفی شده بود، در نخستین بحران واقعی هنوز فراتر از محکومیت سیاسی، پیام دیپلماتیک و حمایت نمادین حرکت نکرده است. تداوم این وضعیت، بیش از خود حملات انصارالله، می‌تواند اعتبار بازدارندگی مورد ادعای ریاض را به چالش کشد.

ادراک‌سازی از ضربه راهبردی جنگ به قطر با از دست رفتن میلیاردها دلار درآمد و تضعیف جایگاه دوحه در بازار گاز

گزارش‌های منتشرشده با استناد به بلومبرگ از وارد شدن خسارتی کم‌سابقه به بخش انرژی قطر در پی جنگ با ایران حکایت دارند؛ به گونه‌ای که دوحه، که پیش از جنگ یکی از مهم‌ترین صادرکنندگان ال‌ان‌جی جهان بود، اکنون ناگزیر شده برای خرید بلندمدت گاز مایع از آمریکا وارد مذاکره شود.

بر اساس این گزارش‌ها، آسیب وارد شده به تأسیسات مایع‌سازی گاز در راس لفان بخشی از ظرفیت تولید قطر را برای سال‌ها از مدار خارج کرده و برآورد می‌شود تعمیر واحدهای آسیب‌دیده بین سه تا پنج سال زمان ببرد. میزان درآمد از دست‌رفته ناشی از این اختلال نیز حدود ۲ میلیارد دلار در سال تخمین زده شده است.

پیامد مهم‌تر جنگ، فروپاشی جریان صادراتی قطر عنوان شده است. طبق داده‌های منتشرشده، صادرات ال‌ان‌جی این کشور در شش ماه گذشته حدود ۹۶ درصد کاهش یافته و تعداد محموله‌های

صادراتی از ۵۹۹ محموله در دوره مشابه سال قبل به تنها ۱۸ محموله رسیده است؛ موضوعی که علاوه بر کاهش شدید درآمدهای ارزی، جایگاه قطر را در بازار جهانی گاز نیز تضعیف کرده است. مجموع این تحولات نشان می‌دهد جنگ نه تنها زیرساخت‌های انرژی قطر را هدف قرار داده، بلکه الگوی سنتی این کشور به عنوان صادرکننده بزرگ گاز را نیز موقتاً معکوس کرده و آن را به سمت وابستگی به واردات سوق داده است.

اعتبارزدایی از حماس با بازنمایی کاهش حمایت فلسطینیان از مقاومت و افزایش نگاه منفی به طوفان الاقصی

المانیتور در گزارشی با استناد به تازه‌ترین نظرسنجی «مرکز رسانه و ارتباطات قدس»، تصویری از جامعه فلسطینی ارائه کرده که در آن بی‌اعتمادی به ساختارهای سیاسی، کاهش حمایت از حماس و فتح و گرایش به مذاکره به جای مقاومت مسلحانه به عنوان روندهای غالب معرفی می‌شوند. براساس این پیمایش، ۵۵ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند به هیچ جریان سیاسی اعتماد ندارند و اعتماد به حماس از ۱۲ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۶.۷ درصد کاهش یافته است؛ همزمان تنها ۷.۶ درصد نیز اعلام کرده‌اند در انتخابات آینده به حماس رأی خواهند داد.

تصویرسازی منفی از طوفان الاقصی به عنوان نقطه آغاز شکست

یکی از محورهای اصلی گزارش، بازتعریف عملیات طوفان الاقصی به عنوان اقدامی زیان‌بار برای منافع ملی فلسطینیان است. المانیتور مدعی شده که در کرانه باختری فقط ۱۵.۷ درصد پاسخ‌دهندگان عملیات ۷ اکتبر را در راستای منافع فلسطینیان دانسته‌اند، در حالی که ۵۰.۱ درصد آن را آسیب‌زا ارزیابی کرده‌اند. نویسندگان با کنار هم قرار دادن این داده و طرح ادعای کاهش حمایت از مقاومت مسلحانه از ۳۷.۱ به ۱۳.۳ درصد، این گزاره را تقویت کرده که **جامعه فلسطینی از منطق مقاومت فاصله گرفته است**. به نوشته‌ی المانیتور در مقابل، ۵۵.۸ درصد مذاکرات صلح را بهترین مسیر دانسته‌اند و **حمایت از راه‌حل دودولتی** نیز به ۴۷.۹ درصد رسیده است. از همین رهگذر، گزارش تلاش دارد تصویری از فلسطینیان خسته از جنگ، مأیوس از نیروهای سیاسی و متمایل به عبور از حماس و الگوی مقاومت ارائه دهد. روایت المانیتور در حالی است که بیش از سه دهه از زمان مذاکرات صلح اسلوزمان گذشته و طرف صهیونیستی نه تنها به بدیهی‌ترین حقوق فلسطینیان تن نداده؛ بلکه آشکارا ضمن نفی راه‌حل دودولتی با ساخت شهرک‌های گسترده در کرانه باختری، عملاً امکان تشکیل چنین دولتی را به محاق برده است. طرح ادعای عبور فلسطینیان از مقاومت و حماس در چارچوب رویه کلان مدنظر شیخ نشین‌های منطقه و آمریکایی‌ها و در مسیر اعتباربخشی به ایده‌ی نظم‌نویس مدنظر ترامپ قابل ارزیابی است.

ارزیابی و تحلیل روند رسانه‌های غربی و آمریکایی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ طرح ادعای تبدیل هوش مصنوعی به زیرساخت عملیات شناختی و اطلاعاتی با تمرکز بر استفاده از کلود برای طراحی جنگ شناختی، تولید روایت و کاهش هزینه عملیات
- ❖ بازنمایی گسترش کاربردهای هوش مصنوعی در جعل هویت، ساخت شخصیت‌های مصنوعی و پروفایل سازی روان شناختی برای عملیات رسانه‌ای علیه یا پیرامون ایران
- ❖ هشدار درباره ادغام هوش مصنوعی با نظارت، عملیات سایبری و شناسایی اهداف با تمرکز بر سامانه‌های پایش، بدافزارها و جمع‌آوری داده‌های هویتی مرتبط با ایران
- ❖ برجسته‌سازی آزادی مشروط کامران حکمتی و تداوم ممنوع‌الخروجی وی در بازتاب روایت رسانه‌های آمریکایی درباره اتباع دوتابعیتی در ایران
- ❖ بازنمایی شکاف میان ارزیابی‌های محرمانه و مواضع علنی دولت ترامپ درباره جنگ ایران با تمرکز بر نگرانی فرماندهان آمریکایی از مصرف مهمات و تداوم درگیری
- ❖ تأکید بر افزایش هزینه‌های راهبردی جنگ ایران برای آمریکا با تأکید بر فرسایش ذخایر تسلیحاتی، محدودیت بازدارندگی و نگرانی نسبت به چین و روسیه
- ❖ بازنمایی تبدیل یمن به جبهه دوم جنگ ایران و آمریکا با تمرکز رسانه‌های غربی بر افزایش نقش حوثی‌ها در فشار بر مسیرهای دریایی
- ❖ برجسته‌سازی شکل‌گیری اهرم فشار دریایی برای ایران از طریق پیوند تحولات باب‌المندب و هرمز و تأثیر آن بر امنیت انرژی جهانی
- ❖ طرح موضوع بحران انسجام ائتلاف ضد حوثی با تمرکز بر اختلافات عربستان و امارات، ضعف هماهنگی و محدودیت گزینه‌های نظامی آمریکا
- ❖ القای فشار همزمان سیاست داخلی بر ترامپ و پزشک‌های در پی تداوم جنگ با تمرکز بر هزینه‌های انتخاباتی، مخالفت افکار عمومی آمریکا و محدودیت‌های سیاسی در ایران
- ❖ بازتاب نقش ایران در بریکس به عنوان نشانه‌ای از امکان تعامل تهران با قدرت‌های غیرغربی و هم‌زمان محدودیت این سازوکار برای میانجی‌گری در بحران‌ها
- ❖ طرح موضوع بازطراحی پروژه هوش مصنوعی امارات پس از حملات ایران با تمرکز بر پیوند میان زیرساخت‌های فناوری، امنیت ملی و الزامات دفاعی کشورهای خلیج فارس

تاکید بر تبدیل هوش مصنوعی به زیرساخت عملیات نفوذ، نظارت و شناسایی ایران محور در گزارش آنتروپیک

شرکت آنتروپیک، سازنده «کلود»، در گزارش ۱۵۴ صفحه‌ای «شناسایی و مقابله با سوء استفاده از هوش مصنوعی: سپتامبر ۲۰۲۶» پرونده‌های کشف شده میان دسامبر ۲۰۲۵ تا اوت ۲۰۲۶ را در هفت حوزه از عملیات سایبری و نفوذ اطلاعاتی تا نظارت و تسلیحات بررسی کرده است. گزاره محوری گزارش این است که هوش مصنوعی از «دستیار» به بخشی از زیرساخت اجرایی عملیات تبدیل شده و هزینه، زمان و نیروی انسانی لازم برای فعالیت‌های پیچیده را کاهش داده است. ایران در این گزارش هم منشأ برخی فعالیت‌ها و هم هدف عملیات بازیگران خارجی و اپوزیسیون است. ❶ طراحی عملیات جنگ شناختی توسط سه مجموعه ایرانی: آنتروپیک سه حساب رابه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی و رصدخانه فرهنگی «بنا» منتسب کرده است. کلود برای طراحی دکترین، بانک هدف، شخصیت‌های مجازی و برنامه انتشار و پنهان‌سازی منشأ پیام استفاده می‌شد.

❷ برنامه نفوذ بین‌المللی و سناریوی جانشینی: در اسناد منتسب به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، از سبد ۹ بخشی نفوذ بین‌المللی و برنامه ریزی برای مراسم درگذشت و جانشینی رهبر ایران سخن گفته شده است؛ رویکردی که نقش رایزنان رانه «راوی»، بلکه «کارگردان» روایت تعریف می‌کرد. ❸ کارخانه محتوایی «منجنیق» در مشهد: گزارش از شبکه‌ای چنداستانی با نام «منجنیق» یاد می‌کند که محتوا را در قالب شخصیت‌های مختلف بازتولید و از طریق کمپین‌های پولی در بیش از ۱۰۰ کانال ایرانی، از جمله کانال‌های همسویا سپاه، تقویت می‌کرد.

❹ انتساب روایت به اندیشکده‌های غربی: آنتروپیک مدعی است مجموعه «بنا» در جریان جنگ ۲۰۲۶، برخی مطالب را به نهادهایی مانند مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی، بروکینگز و رند نسبت می‌داد تا اعتبار خارجی برای روایت ایجاد کند؛ تولید محتوا در شش زبان انجام و توسعه تا ۲۰ زبان برنامه ریزی شده بود.

❺ جعل هویت یک فعال ایرانی توسط شبکه منتسب به مجاهدین خلق: در پرونده‌ای دیگر، حدود ۸۴۰۰ پست تلگرامی یک فرد واقعی برای تقلید سبک نوشتاری او پردازش و سپس از هویت شبیه‌سازی شده برای گفت‌وگوهای سیاسی زنده با مخاطبان داخل ایران استفاده شده است. ❻ پایش گسترده ایرانیان توسط شبکه منتسب به شورای ملی مقاومت: این شبکه بیش از ۵۰۰ کانال را پایش و افراد را براساس شهر، سن، شغل، گرایش سیاسی و سابقه بازداشت دسته‌بندی کرده بود. همچنین ۵۱ هزار و ۹۴۴ پیام برای تهیه پرونده‌های روان‌شناختی افراد مشخص تحلیل شده است.

❖ ساخت «ایرانیان مصنوعی» برای عملیات رسانه‌ای: همان شبکه برای تبلیغ برنامه ده ماده‌ای مریم رجوی، چهره‌های تولید شده با هوش مصنوعی و صدای فارسی ایجاد کرده و آن‌ها را به شکل شهروندان عادی نمایش می‌داد؛ در مراحل اولیه نیز وابستگی به مجاهدین عمدتاً پنهان می‌شد.

❖ نظارت شرکت اطلاعاتی خارجی بر جامعه ایرانی: آنتروپیک فعالیت «اس ۲» تی آنلاکینگ سایبر اسپیس» را که بر اساس منابع بازیک شرکت اسرائیلی-سنگاپوری معرفی شده، متوقف کرده است. سامانه کاربران ایران و خلیج فارس را بر اساس محل، گرایش سیاسی و شش گروه جمعیتی طبقه‌بندی می‌کرد.

❖ ایجاد بیش از ۲۵۵ هویت جعلی موافق و مخالف ایران: در همان پروژه، بیش از ۲۵۵ حساب مصنوعی به فارسی، عربی، انگلیسی و آلمانی طراحی شده بود تا هم نقش موافق و هم مخالف جمهوری اسلامی را بازی کنند. آنتروپیک می‌گوید مدرکی از ورود پروژه به مراحل عملیاتی بعدی علیه اهداف واقعی ندارد.

❖ سامانه متمرکز نظارتی «آرمان»: آنتروپیک ۱۶ حساب مرتبط با دو واحد منتسب به مجموعه‌های شبه نظامی و امنیت داخلی ایران را شناسایی کرده است. یک سازمان هفت بخشی مدعی رصد ۶۳۸۸ ایرانی در یک سال بود و بیش از ۱۵۵ هزار توییت را تحلیل کرده بود.

❖ پرونده‌های هویتی و انتخاب ۳۹ حساب مخالف: اطلاعات جمع‌آوری شده در سامانه «آرمان» شامل کد ملی، اعتقادات، سابقه قضایی، حساب‌های اجتماعی و بخش «اقدام» عنوان شده است. یکی از خطوط تحلیل نیز ۳۹ حساب متعلق به مخالفان و ایرانیان خارج کشور را برای رصد مشخص کرده بود.

❖ توسعه ابزارهای فنی نظارت در قم: یک واحد مستقر در قم افزونه فایرفاکس «النجم الثاقب» را در پوشش ابزار اوقات شرعی برای جمع‌آوری هویت کاربران توسعه داده بود. ابزارهای دیگری برای رفع ناشناسی پیام‌رسان، اتصال شماره تلفن به هویت، فیشینگ کد ملی و گزارش انبوه تلگرام نیز ساخته شده بود.

❖ شبیه‌سازی صدای نویسندگان برای دوره جانشینی: آنتروپیک از فعالیت جداگانه‌ای در مجاورت یکی از این واحدها خبر می‌دهد که قابلیت‌های سفارشی کلود را برای شبیه‌سازی صدای سه نویسنده ایرانی و آماده‌سازی روایت‌های مرتبط با جانشینی رهبر ایران به کار گرفته بود.

❖ پروفایل سازی صدها هدف اسرائیلی و یهودی: در پرونده GTG-۳۰۰۰۴، یک بازیگر مرتبط با ایران سامانه‌ای برای جمع‌آوری خودکار اطلاعات منبع باز درباره صدها فرد در اسرائیل و جامعه یهودیان خارج از اسرائیل ساخته و هم‌زمان از کلود برای دشوارتر کردن شناسایی بدافزار خود استفاده کرده است.

❖ شناسایی نیروی دریایی آمریکا در منطقه: بازیگری دیگر از کلود برای تدوین راهنمای هدف‌گیری

نیروهای دریایی آمریکا استفاده کرده و اسامی نیروها، شناسه کشتی‌ها و هواپیماها، تصاویر ماهواره‌ای و منابع آشکارکننده تحرکات دریایی را جمع کرده است؛ آسیب‌پذیری سامانه‌های ارتباطی کشتی‌ها نیز بررسی شده بود.

❖ ترکیب رصد پلاک و تلفن همراه در داخل ایران: همان حساب روی اجزای نرم‌افزاری یک سامانه نظارت داخلی کار کرده بود که تشخیص خودکار پلاک خودرو را با رهگیری شناسه دستگاه‌های تلفن همراه ترکیب می‌کرد؛ اعضای یک گروه خصوصی تلگرامی ۲۴۴ نفره نیز تحلیل شبکه‌ای شده بودند. ❖ بدافزار و فیشینگ ویژه کاربران داخل ایران: بازیگری ایرانی با استفاده از ۱۶ مجموعه حساب رایگان صفحات مخربی ساخته بود که فقط برای آی‌پی‌های ایران فعال می‌شدند و در پوشش ابزار عبور از فیلترینگ یا رسانه جعلی «آذر نیوز» قرار داشتند.

❖ توسعه بدافزار «سکومس ۶۴» و سرقت ایمیل: این بدافزار قابلیت ثبت کلید، تصویربرداری، سرقت اطلاعات کروم و انتقال داده از طریق تلگرام داشت. ابزارهای جداگانه‌ای نیز برای استخراج توکن‌های مایکروسافت ۳۶۵ و دانلود انبوه صندوق‌های ایمیل طراحی شده بود.

جمع‌بندی

گزارش آنتروپیک نشان می‌دهد کاربرد هوش مصنوعی در پرونده‌های ایران از تولید محتوا بسیار فراتر رفته و حوزه‌هایی چون جنگ شناختی، جعل هویت، پروفایل‌سازی روان‌شناختی، نظارت داخلی، توسعه بدافزار و شناسایی اهداف نظامی را دربرگرفته است. نکته مهم‌تر آن که ایران هم‌زمان بازیگر و میدان عملیات است؛ زیرا در کنار مجموعه‌های منتسب به داخل ایران، مجاهدین خلق (منافقین) و یک شرکت اطلاعاتی خارجی نیز برای هدف‌گیری ایرانیان از ابزارهای هوش مصنوعی استفاده کرده‌اند. روند اصلی، ادغام عملیات رسانه‌ای، سایبری و اطلاعاتی در زنجیره‌های کم‌نیرو و نیمه خودکار است؛ تحولی که مقیاس عملیات را افزایش و تشخیص منشأ واقعی آن را دشوارتر می‌کند.

برجسته‌سازی آزادی مشروط یک ایرانی‌آمریکایی از اوین و تداوم ممنوع‌الخروجی او از ایران

گزارش تازه آسوشیتدپرس درباره وضعیت کامران حکمتی، که به عنوان جواهر فروش ایرانی‌آمریکایی ساکن نیویورک معرفی شده است، بازتاب قابل توجهی در رسانه‌های آمریکایی داشته و بار دیگر موضوع اتباع دوتابعیتی بازداشت شده یا ممنوع‌الخروج در ایران را در کانون توجه قرار داده است. آسوشیتدپرس گزارش داده حکمتی، ۶۲ ساله، پنجم سپتامبر پس از گذراندن حدود نیمی از محکومیت دوساله خود از زندان اوین آزاد شده، اما همچنان اجازه خروج از ایران ندارد. خانواده

اوضمن ابراز نگرانی درباره وضعیت جسمانی اش به دلیل سابقه سرطان، مدعی شده اند تهران از پرونده اتباع آمریکایی برای کسب امتیازات سیاسی استفاده می کند.

براساس این گزارش حکمتی که مالک یک کسب و کار جواهر در منتهن است، به دلیل سفر پیشین به سرزمین های اشغالی بازداشت شده بود؛ خانواده اش می گویند این سفر ۱۳ سال قبل انجام شده است. وزارت خارجه آمریکا نیز خواستار لغو ممنوعیت خروج او و آزادی رضاولی زاده، روزنامه نگار ایرانی آمریکایی زندانی در اوین، شده است. آسوشیتدپرس نوشته علاوه بر این دو نفر، تاهشت آمریکایی دیگر نیز احتمالاً با محدودیت خروج از ایران مواجه اند.

برجسته سازی شکاف میان ارزیابی خصوصی ونس از جنگ ایران و روایت علنی کاخ سفید

نیویورک تایمز در گزارش «پشت صحنه، ونس ارزیابی های بی پرده از جنگ ایران را گردآوری کرد» نوشته است جی دی ونس، معاون ترامپ، طی ماه های گذشته مستقیماً با فرماندهان ارشد آمریکا در خاورمیانه، اروپا و آسیا تماس گرفته تا بدون عبور ارزیابی ها از فیلترهای معمول پنتاگون، برداشت آنان از روند جنگ ایران را دریافت کند. این گفت وگوها طیفی از موضوعات، از اهداف و تاکتیک های جنگ، میزان تلفات و رفتار ایران در تنگه هرمز تا توان سازگاری تهران و وضعیت ذخایر تسلیحاتی آمریکا را دربر گرفته است.

براساس این گزارش، پاسخ فرماندهان به ویژه درباره مهمات آمریکا نگران کننده بوده است. ذخایر موشک های رهگیر پاتریوت در برخی مناطق به پایین ترین سطوح رسیده و موجودی برخی موشک های تاکتیکی و مهمات نقطه زن نیز به شدت تحلیل رفته است. فرماندهان همچنین نسبت به اثر انتقال تسلیحات به خاورمیانه بر توان بازدارندگی آمریکا در برابر چین، روسیه و کره شمالی هشدار داده اند.

نیویورک تایمز می نویسد ونس پس از این تماس ها با تردیدهای جدی تری درباره راهبرد جنگ و احتمال دستیابی به موفقیت مواجه شده و به این جمع بندی رسیده است که تهران ظرفیت بیشتری برای تحمل فشار و ادامه درگیری دارد. گزارش همچنین بر فاصله میان این ارزیابی های خصوصی و مواضع علنی ترامپ و ونس تأکید دارد؛ درحالی که آنان در مواضع عمومی همچنان از موفقیت عملیات و نبود مشکل جدی در ذخایر تسلیحاتی سخن گفته اند.

وبسایت اسلیت در واکنش به این گزارش گمانه زنی کرده که انتشار چنین جزئیاتی می تواند به فاصله گذاری سیاسی ونس از یک جنگ نامحبوب و حفاظت از موقعیت احتمالی او برای انتخابات ۲۰۲۸ کمک کند، هرچند این رسانه احتمال نقش نظامیان یا دیگر بازیگران کاخ سفید در انتشار این اطلاعات را نیز منتفی نمی داند.

جمع‌بندی

گزارش نیویورک تایمز بیش از هر چیز نشان‌دهنده شکل‌گیری یک ارزیابی محتاطانه‌تر در سطوح بالای دولت آمریکا نسبت به هزینه، دوام و نتیجه جنگ است. برجسته‌شدن هم‌زمان کمبود مهمات، تاب‌آوری ایران و نگرانی درباره جبهه آسیا، می‌تواند به تقویت وزن گزینه‌های محدودکننده جنگ و افزایش فشار برای یافتن مسیر خروج سیاسی از درگیری منجر شود.

بازنمایی تبدیل یمن به جبهه دوم جنگ و شکل‌گیری اهرم فشار دریایی برای ایران در روایت رسانه‌های غربی

پیشروی سریع حوثی‌ها در سواحل غربی یمن، تصرف مخا و جزیره پریم و نزدیک شدن این گروه به کنترل عملیاتی باب‌المندب، در رسانه‌های غربی به عنوان تغییری مهم در معادلات جنگ ایران و آمریکا، امنیت انرژی و تجارت دریایی جهانی تحلیل شده است. بخش عمده این رسانه‌ها بر پیامدهای راهبردی این تحول و محدود شدن گزینه‌های آمریکا و عربستان تمرکز کرده‌اند.

تبدیل باب‌المندب از تهدید بالقوه به اهرم عملیاتی

رسانه‌هایی مانند فارن پالیسی، مجله تایم و آتلانتیک معتقدند کنترل مناطق ساحلی و جزایر نزدیک باب‌المندب، ظرفیت حوثی‌ها را برای تهدید کشتیرانی افزایش داده است. در این تحلیل‌ها، حوثی‌ها برای اثرگذاری بر تجارت جهانی الزاماً نیازمند بستن کامل تنگه نیستند؛ بلکه افزایش هزینه بیمه، کاهش تردد و ایجاد نااطمینانی برای شرکت‌های کشتیرانی نیز می‌تواند دستاورد راهبردی ایجاد کند.

شکل‌گیری فشار هم‌زمان بر هرمز و باب‌المندب

سی‌ان‌ان، فایننشال تایمز و نیویورک تایمز تحولات یمن را در چارچوب ایجاد یک «اهرم فشار دوم» برای ایران ارزیابی کرده‌اند. از نگاه این رسانه‌ها، در شرایطی که تنگه هرمز با محدودیت‌های جدی مواجه شده، افزایش نفوذ حوثی‌ها در باب‌المندب می‌تواند مسیرهای جایگزین انتقال انرژی را نیز تحت فشار قرار داده و قدرت چانه‌زنی تهران را افزایش دهد.

افزایش آسیب‌پذیری عربستان در بازار انرژی

نیویورک تایمز و فایننشال تایمز تأکید کرده‌اند که وابستگی بیشتر عربستان به مسیرهای دریای سرخ پس از اختلال در هرمز، اهمیت باب‌المندب را افزایش داده است. بر اساس این روایت، حملات حوثی‌ها به زیرساخت‌های انرژی و تهدید مسیرهای صادراتی می‌تواند هزینه‌های اقتصادی ریاض را افزایش داده و فشار بیشتری بر بازار جهانی نفت وارد کند.

یمن به عنوان جبهه دوم جنگ ایران و آمریکا

سی‌ان‌ان و مجله تایم احتمال داده‌اند که تحولات اخیر، یمن را از یک میدان درگیری جداگانه به بخشی از رقابت مستقیم ایران و آمریکا تبدیل کند. تحلیل غالب این است که **واشنگتن** بایک دوراهی مواجه شده است: **مداخله مستقیم برای مهار حوثی‌ها** یا پذیرش تثبیت موقعیت این گروه در نزدیکی یکی از مهم‌ترین مسیرهای دریایی جهان.

بحران انسجام در ائتلاف ضد حوثی

سی‌ان‌ان، آتلانتیک و فایننشال تایمز بخش مهمی از موفقیت حوثی‌ها را ناشی از ضعف طرف مقابل دانسته‌اند. این رسانه‌ها بر اختلافات عربستان و امارات، چندپارگی نیروهای یمنی، ضعف هماهنگی فرماندهی و نبود راهبرد مشترک میان بازیگران مخالف حوثی‌ها تمرکز کرده‌اند و پیشروی اخیرانشانه‌ای از فرسایش این ائتلاف ارزیابی کرده‌اند.

آزمون پیمان‌های امنیتی منطقه‌ای

رویترز و آتلانتیک با اشاره به پیمان دفاعی عربستان، پاکستان و ترکیه، این بحران را نخستین آزمون جدی تعهدات امنیتی جدید ریاض دانسته‌اند. در این روایت، پاکستان میان حفظ روابط با عربستان و جلوگیری از تقابل با ایران گرفتار شده و مشخص نیست تا چه اندازه حاضر به تبدیل حمایت سیاسی به اقدام نظامی خواهد بود.

حوثی‌ها؛ نیروی نیابتی یا بازیگر مستقل

رادیو اروپای آزاد و تایم تلاش کرده‌اند از روایت ساده «دستورپذیری کامل حوثی‌ها از ایران» فاصله بگیرند. در این تحلیل، اگرچه حمایت نظامی و اطلاعاتی ایران در تقویت توان حوثی‌ها مؤثر بوده، اما این گروه دارای اهداف مستقل داخلی و منطقه‌ای است؛ با این حال، اقدامات آن در شرایط فعلی عملاً به افزایش اهرم فشار تهران در برابر آمریکا و متحدانش منجر می‌شود.

محدودیت گزینه نظامی آمریکا

آتلانتیک و سی‌ان‌ان معتقدند حتی حملات گسترده آمریکا علیه حوثی‌ها لزوماً قادر به بازگرداندن وضعیت پیشین نیست. تجربه عملیات‌های قبلی نشان داده که حملات هوایی می‌تواند ظرفیت نظامی حوثی‌ها را کاهش دهد، اما بدون یک نیروی زمینی منسجم، امکان بازپس‌گیری مناطق راهبردی دشوار خواهد بود.

پیوند بحران یمن با هزینه سیاسی ترامپ

اکسیوس، نیویورک تایمز و دیگر رسانه‌ها تحولات یمن را با فشارهای داخلی آمریکا، به ویژه قیمت انرژی پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای، مرتبط دانسته‌اند. در این چارچوب، ادامه بحران دریایی

می‌تواند هزینه اقتصادی جنگ را افزایش داده و دولت ترامپ را میان تشدید نظامی، تحمل افزایش قیمت انرژی یا حرکت به سمت مذاکره قرار دهد.

جمع‌بندی

رسانه‌های غربی تحولات اخیر یمن را بیش از یک پیروزی میدانی حوثی‌ها، نشانه تغییر در توازن فشار منطقه‌ای ارزیابی می‌کنند. کنترل احتمالی باب‌المندب، حتی بدون انسداد کامل، می‌تواند هزینه تجارت دریایی و انرژی را افزایش دهد و گزینه‌های آمریکا و عربستان را محدودتر کند. در این روایت، مهم‌ترین پیامد اقدام حوثی‌ها ایجاد یک اهرم فشار جدید در کنار بحران هرمز و تبدیل یمن به یکی از متغیرهای اثرگذار بر مسیر جنگ ایران و آمریکا است.

دامن زدن دیلی بیست به گمانه‌زنی‌ها درباره وضعیت سلامت دونالد ترامپ با برجسته‌سازی نشانه‌های جسمانی وی در مراسم یادبود اسپتامبر

دیلی بیست با تمرکز بر ظاهر دونالد ترامپ در مراسم سالگرد حملات ۱۱ سپتامبر در پنتاگون، بار دیگر موضوع وضعیت جسمانی و سلامت رئیس‌جمهور ۸۰ ساله آمریکا را برجسته کرده است. این رسانه نوشت، افتادگی محسوس سمت راست صورت ترامپ و آنچه تقلا برای بیدار ماندن توصیف شده، موج تازه‌ای از گمانه‌زنی‌ها درباره وضعیت پزشکی وی ایجاد کرده است. این گزارش با یادآوری مشاهده نشانه‌ای مشابه در مراسم سال گذشته، به اظهارات چند پزشک استناد کرده که احتمال سکته مغزی در گذشته را مطرح کرده‌اند؛ ادعایی که تاکنون از سوی کاخ سفید تأیید نشده است. دیلی بیست همچنین خواب‌آلودگی روزانه، کبودی دست‌ها، تورم مچ پا و مشکلات حرکتی ترامپ را در امتداد نگرانی‌های پیشین قرار داده و یادآور شده تنها تشخیص رسمی اعلام شده درباره وی، نارسایی مزمن وریدی است. کاخ سفید نیز به درخواست این رسانه برای توضیح درباره ظاهر اخیر ترامپ پاسخ نداده است.

ادراک سازی از قرار گرفتن همزمان ترامپ و پزشکیان در تنگنای سیاسی ناشی از ادامه جنگ

نیوزویک در گزارشی با عنوان «تشدید جنگ آمریکا و ایران برای ترامپ و پزشکیان دردسر سیاسی ایجاد می‌کند» نوشته است که طولانی شدن جنگ، هم‌زمان فشار سیاسی بر دونالد ترامپ و مسعود پزشکیان را افزایش داده، هرچند منشأ و ماهیت این فشارها در دو کشور متفاوت است. این نشریه با تمرکز بر انتخابات میان دوره‌ای سوم نوامبر، مدعی است افزایش مخالفت عمومی با جنگ، رشد هزینه‌های زندگی و شکاف در پایگاه ماگا می‌تواند به یکی از نقاط آسیب‌پذیر جمهوری خواهان تبدیل شود. نیوزویک به نظرسنجی‌هایی استناد کرده که بر اساس آنها حدود ۵۶

درصد آمریکایی‌ها مخالف جنگ هستند و چهره‌هایی چون تاکر کارلسون، مگین کلی و کندیس اونز نیز از سیاست جنگی ترامپ فاصله گرفته‌اند.

در سوی مقابل، این گزارش فشار بر پزشک‌های راناشی از تقویت جناح‌های تندرو و نظامی در ساختار قدرت ایران می‌داند. به نوشته نیوزویک، ادامه دفاع پزشک‌های از مذاکره با آمریکا در حالی است که برخی نمایندگان و جریان‌های سیاسی حتی موضوع برکناری او را مطرح کرده‌اند. نیوزویک نتیجه می‌گیرد که فشار انتخاباتی در واشنگتن می‌تواند انگیزه خروج از جنگ را افزایش دهد، اما تحولات داخلی ایران هم زمان فضای مصالحه را محدودتر کرده است.

اشاره نیویورک تایمز به نقش ایران در بریکس به عنوان حلقه متمایزکننده این ائتلاف از نظم تحت رهبری آمریکا

روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی درباره نشست بریکس در دهلی نو، حضور ایران را یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های این سازوکار با چارچوب‌های تحت رهبری آمریکا دانسته و نوشته است که هم‌زمان با افزایش قیمت جهانی انرژی و گسترش جنگ در خاورمیانه، چین، هند و روسیه برخلاف واشنگتن امکان گفت‌وگوی مستقیم با تهران را در قالب بریکس دارند.

این روزنامه با این حال تأکید می‌کند که حضور ایران الزاماً به معنای توان بریکس برای ایفای نقش میانجی نیست. ائتلاف تهران و امارات، نگرانی هند از اختلال در تردد دریایی و ملاحظات چین در روابط هم‌زمان با ایران، کشورهای عربی خلیج فارس و آمریکا، انسجام این بلوک را محدود کرده است. نیویورک تایمز تأکید می‌کند که نارندرا مودی نیز در دیدار با مسعود پزشکیان بر لزوم «آزادی کشتیرانی و تجارت» اشاره داشته است.

نیویورک تایمز همچنین نشست را فرصتی برای تهران جهت طرح ضرورت ایجاد ابزارهای مالی جایگزین و کاهش وابستگی به دلار توصیف می‌کند. پزشک‌های با انتقاد از سلطه آمریکا خواستار تقویت سازوکارهای مستقل مالی شده؛ در حالی که هند از اتصال مستقیم تر شبکه‌های بانکی اعضای بریکس حمایت می‌کند.

گزارش در نهایت، بریکس را مجموعه‌ای دارای ظرفیت اقتصادی و سیاسی قابل توجه اما فاقد وحدت راهبردی کافی برای مدیریت بحران ایران ارزیابی می‌کند.

بازطراحی پروژه ابررایانه هوش مصنوعی امارات پس از حملات ایران به زیرساخت‌های فناوری

رویترز در گزارشی اختصاصی به بازنگری امارات در یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های زیرساخت هوش مصنوعی خارج از آمریکا پرداخته و گزارش داده است که حملات موشکی و پهپادی ایران به

کشورهای حاشیه خلیج فارس، ابوظبی را به تغییر معماری امنیتی پروژه ۵ گigaواتی مرکز داده هوش مصنوعی وادار کرده است.

بر اساس این گزارش، طرح اولیه احداث یک پردیس یکپارچه ۲۶ کیلومتر مربعی در ابوظبی احتمالاً جای خود را به شبکه‌ای از مراکز داده پراکنده در نقاط مختلف امارات خواهد داد. منابع آگاه به رويترز گفته‌اند مقام‌های اماراتی همچنين در حال بررسی راهکارهایی مانند استقرار سامانه‌های پدافندی، ساخت تأسیسات زیرزمینی، استفاده از تجهیزات مقابله با پهپاد و افزایش مقاومت سازه‌ها هستند.

این پروژه که با مشارکت شرکت‌های آمریکایی از جمله انویدیا، اوپن‌ای‌آی، اوراکل و سیسکوپیش می‌رود، بخش مهمی از راهبرد امارات برای تبدیل شدن به قطب جهانی هوش مصنوعی و کاهش وابستگی اقتصادی به نفت محسوب می‌شود. شرکت «جی ۴۲» اعلام کرده روند اجرای پروژه طبق برنامه ادامه دارد، اما جزئیات آن با توجه به الزامات امنیتی و تاب‌آوری زیرساخت‌های حیاتی به طور مستمر بازبینی می‌شود.

رويترز همچنين به آسیب دیدن مراکز داده خدمات وب آمازون در امارات و بحرین در جریان حملات ایران اشاره کرده و نوشته است این تحولات، نگرانی کشورهای منطقه درباره آسیب‌پذیری زیرساخت‌های فناوری مرتبط با آمریکا را افزایش داده است. بازنگری پروژه هوش مصنوعی امارات نشان‌دهنده پیوند فزاینده میان رقابت فناوری، امنیت ملی و ملاحظات نظامی در خلیج فارس است.

جمع‌بندی نهایی

جمع‌بندی گزارش پیش‌رو نشان می‌دهد محور اصلی تحولات، **هم‌زمانی چند بحران** و اتصال زنجیره‌ای آنهاست.

❶ در سطح امنیتی-نظامی، ادعای احیای تولید موشکی ایران در برابر روایت نابودی زیرساخت‌ها، حمله به خط لوله شرق-غرب عربستان، محدودسازی عبور نفتکش‌ها در هرمز و پیشروی حوثی‌ها در باب‌المندب، همگی به فرسایشی شدن جنگ و افزایش هزینه‌های راهبردی آمریکا و متحدانش اشاره دارند.

❷ در سطح اقتصادی و معیشتی، صعود بورس، دلار، بنزین، دارو، آموزش و حمل‌ونقل در کنار تحریم‌های مالی و فشار بر بازار کار، روایتی از فشار اقتصادی فراگیر ساخته‌اند؛ روایتی که افزایش قیمت نفت را الزوماً به درآمد بیشتر ایران تبدیل نمی‌کند و هزینه جنگ را به خانوار آمریکایی نیز منتقل می‌سازد.

❸ در سطح سیاسی و رسانه‌ای داخلی، پرونده دوزیر، کارزار محاکمه روحانی، عفو عمومی و نامه جبهه اصلاحات، نشان‌دهنده تلاش جریان‌های مختلف برای بازتعریف مشروعیت، قدرت چانه‌زنی و مدیریت افکار عمومی در شرایط بحران است. در همین حال، رسانه‌های معاند و ضدانقلاب با تمرکز بر آشوب‌های دی‌ماه، حجاب، احکام اعدام و مجلس خبرگان، در پی عملیات روانی و تداوم انگاره‌سازی از بحران مشروعیت‌اند.

❹ در سطح منطقه‌ای و بین‌الملل، اسرائیل، عربستان، قطر، حماس، ترکیه و پاکستان در معرض آزمون‌های جدید قرار گرفته‌اند؛ پیمان مکه در نخستین آزمون خود متوقف مانده و ائتلاف ضدحوثی با شکاف مواجه شده است. در آمریکا و غرب، شکاف میان ارزیابی‌های خصوصی و مواضع علنی، نگرانی از ذخایر تسلیحاتی، فشار انتخاباتی و روایت‌سازی درباره هوش مصنوعی و بریکس، فضای تصمیم‌گیری را پیچیده‌تر کرده است.

افق آینده، بسته به تداوم **محاصره دریایی**، توان بازبانی موشکی ایران، مسیر **مذاکره** و تحولات داخلی دو کشور، می‌تواند به تشدید جنگ، ورود به مرحله فرسایشی طولانی یا شکل‌گیری فضای محدود برای خروج سیاسی منجر شود.

مرکز رصد و پایش ق. رسانه